



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

... تا آرمان شهر رضوی

مجموعه مقالات ارائه شده در دومین همایش علمی - کاربردی - تا آرمان شهر رضوی

جلد چهارم

به اهتمام هیئت الاسلام والمسلمین سید محمد صالح عیسی نژاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تا آرمان شهر رضوی : مجموعه مقالات ارائه شده به دومین همایش علمی - کاربردی

نویسنده:

محمد عیسی نژاد

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	تا آرمان شهر رضوی : مجموعه مقالات ارائه شده به دومین همایش علمی - کاربردی جلد ۴
۱۳	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۲۰	فهرست مقالات
۲۱	مقدمه
۲۳	باغ قرآن در آرمان شهر رضوی/ رسول سعیدی زاده
۲۳	چکیده
۲۴	پیش گفتار
۲۵	فصل اول
۲۹	فصل دوم
۲۹	تعریف
۲۹	اهداف
۳۰	کلیات
۳۰	توضیح
۳۱	فاز اول: مکان
۳۱	فاز دوم: عملیات اجرایی
۳۲	منابع و مآخذ
۳۳	تحلیل محتوا
۳۵	قضاة شهر قرآن/ دکتر محمد علی آبادی
۳۵	چکیده
۳۷	مقدمه
۳۹	جان شهر انسان
۳۹	انسان کامل، همان شهر قرآن است

- ۴۰ خطاب به جان شهر
- ۴۱ شهر قرآن شهر حکمت
- ۴۱ هر مؤمنی همان شهر قرآن است و خود جلوه ای خاص از بهشت است
- ۴۲ اندازه و هندسه شهر قرآن
- ۴۲ آب در شهر قرآن
- ۴۳ رنگ و نقش در شهر قرآن
- ۴۵ راه در شهر قرآن
- ۴۵ اشاره
- ۴۷ واحد همسایگی در شهر قرآن
- ۴۹ بازار در شهر قرآن
- ۵۱ حکومت در شهر قرآن
- ۵۲ قضاوت در شهر قرآن
- ۵۲ طول عمر شهر قرآن
- ۵۳ طبابت در شهر قرآن
- ۵۳ خطاب به معماران حقیقی شهر
- ۵۳ بیائید شهر قرآن را در زمان خود بسازیم
- ۵۵ منابع و مآخذ
- ۵۶ تحلیل محتوا
- ۶۷ ترویج زیباشناسی و هنر دینی بر پایه تعالیم اهل بیت علیهم السلام در آرمان شهر رضوی / عباس عبدالله پور
- ۶۷ چکیده
- ۶۸ الهیات و الهیات هنر
- ۷۱ تعریف هنر دینی
- ۷۳ مؤلفه های هنر دینی
- ۷۳ الف) معنی بخشی به زندگی بشر
- ۷۵ ب) جلوه گاه امر الهی
- ۷۸ ج) موهبتی الهی

۸۰	هنر دینی، آسیب ها و تهدیدها
۸۰	الف) طرد علت قدسی
۸۱	ب) جایگزینی رمز و راز با پوچ و یاه
۸۳	ج) تمایز هنر محض از هنر کاربردی
۸۵	راهکارهای ترویج هنر دینی
۸۵	الف) آموزش هنرهای دینی
۸۸	تحلیل محتوا
۸۹	بایستگی های مدیریت شهری در آرمان شهر اسلامی/علی اکبر نوایی
۸۹	چکیده
۹۱	پیشگام سخن
۹۲	چیستی مدیریت شهری در جامعه دینی
۹۲	مفهوم مدیریت
۹۳	مفهوم شهر
۹۴	چیستی مدیریت شهری
۹۵	ساختار مدیریت شهری در نظام اسلامی
۹۶	حساسیت مدیریت شهری
۹۶	مفهوم اثر بخشی و لزوم آن
۹۷	ویژگی های اثر بخشی
۹۸	مفهوم اثر بخشی در مدیریت شهری
۹۹	مهم ترین اثرات ثمر بخشی
۱۰۰	عناصر بنیادی ثمر بخشی
۱۰۱	مدیر اثر بخش برتر از مدیر موفق
۱۰۴	شرایط اثر بخشی مدیریت شهری
۱۰۵	مسئولیت و وظیفه در مدیریت دینی شهری
۱۰۶	نقش اخلاق در باروری مسئولیت
۱۰۷	گونه های اخلاق مدیریت شهری

۱۰۸	اخلاق سود مدارانه
۱۰۹	نقدی بر اخلاق سود مدارانه
۱۱۱	اخلاق فضیلت محور و نقش آفرینی های آن در توسعه
۱۱۳	منشور اخلاقی مدیریت شهری
۱۱۳	اشاره
۱۱۳	۱. درک وظیفه و شناخت مسئولیت
۱۱۴	۲. مدیریت را امانت دانستن
۱۱۴	۳. دغدغه بندگان خدا را داشتن
۱۱۴	۴. معاشرت نیکو
۱۱۵	۵. صداقت در کار داشتن
۱۱۵	۶. انتقاد پذیری
۱۱۵	۷. رعایت حقوق مردم و بیت المال
۱۱۶	۸. دوری از حرص و آزمندی
۱۱۶	۹. رعایت اصل مشاوره
۱۱۶	۱۰. پرهیز از کبر و خودپسندی
۱۱۷	بایسته های مدیریت شهری در حوزه سازمانی
۱۱۷	۱. نهادینه سازی رفتار مذهبی
۱۱۹	ضرورت تغییرات ساختی
۱۱۹	اشاره
۱۲۰	۲. تسلط نسبی
۱۲۱	۳. تجلی بخش خواست اجتماعی
۱۲۳	۴. در دسترس بودن
۱۲۴	۵. نضج و رشد
۱۲۵	۶. خلاقیت و نوآوری
۱۲۶	منابع و مأخذ
۱۲۷	تحلیل محتوا

۱۳۱	شبکه ارتباطی روان، مطمئن و مؤثر کارگزاران با شهروندان و زائران در آرمان شهر رضوی/ سید حسین هاشمی
۱۳۱	چکیده
۱۳۲	درآمد
۱۳۲	مؤلفه های شهر
۱۳۳	دین و نقش محوری مدیریت
۱۳۴	خرد و کارکرد مدیریت
۱۳۴	اشاره
۱۳۵	الف) نگاهی از درون
۱۳۵	عوامل روان سازی ارتباط شهروندان و مدیران
۱۳۵	اشاره
۱۳۵	۱. ارتباط سالم پیوسته و روزآمد مدیران با شهروندان
۱۳۹	۲. ایجاد مکانیسم پاسخ گویی بی وقفه به شهروندان
۱۴۱	۳. ایجاد بستر ارتباط مستمر با زائران و سیاحان
۱۴۲	۴. بسترسازی فرهنگی
۱۴۴	عوامل اطمینان ساز در روابط مدیران با شهروندان
۱۴۴	اشاره
۱۴۴	۱. کاستن واسطه ها
۱۴۶	۲. صداقت در عملکرد
۱۴۷	۳. قانون گرایی
۱۴۸	۴. انضباط اداری
۱۵۰	۵. ممنوعیت هدیه و رشوه
۱۵۰	۶. قاطعیت توأم با مدارا
۱۵۱	۷. سرعت در پاسخ دهی
۱۵۱	ب) نگاهی از برون
۱۵۱	عوامل مؤثر در روان سازی و اطمینان افزایی روابط مدیران و شهروندان
۱۵۱	اشاره

۱۵۲	۲. مشارکت شهروندان
۱۵۲	۲.۱. اثر بخشی و کارآیی
۱۵۲	۳. پذیرا بودن و پاسخ گو بودن
۱۵۳	۴. مسئولیت پاسخ گویی
۱۵۳	۵. شفافیت
۱۵۳	۶. قانونمندی
۱۵۳	۷. جهت گیری توافقی
۱۵۴	۸. عدالت
۱۵۴	۹. بینش راهبردی
۱۵۴	۱۰. تمرکززدایی
۱۵۵	تحلیل محتوا
۱۵۵	الف) نگاهی درون دینی
۱۵۶	ب) نگاهی برون دینی
۱۵۷	نقش مشارکت های محله ای در مدیریت شهری در آرمان شهر رضوی/ سید محسن میرسندسی - حسین رضائی
۱۵۷	چکیده
۱۵۸	مقدمه
۱۶۰	بیان مسئله
۱۶۱	پیشینه نظری
۱۶۵	مشارکت و آموزه های دینی
۱۷۳	مشارکت
۱۷۶	محله
۱۸۰	جایگاه مشارکت در نظام مدیریت شهری
۱۸۲	مشارکت و اجتماعات محلی
۱۹۰	عوامل مؤثر بر مشارکت
۱۹۴	واکاوی دو تجربه
۱۹۴	پروژه دانمارک

۱۹۶ پروژه اردبیل
۱۹۸ پیشنهادها
۱۹۹ جمع بندی
۲۰۲ منابع و مآخذ
۲۰۴ تحلیل محتوا
۲۰۵ خدمت رسانی در آرمان شهر اسلامی/ علی اکبر نوایی
۲۰۵ چکیده
۲۰۷ مقدمه
۲۰۸ چيستی خدمت رسانی
۲۰۹ جایگاه خدمت رسانی در اندیشه دینی
۲۱۰ شاخصه مدینه توحیدی
۲۱۲ خدمت رسانی به بشر فعلی الهی
۲۱۴ خدمت رسانی در روایات
۲۱۷ صورت ها و گونه های خدمت رسانی
۲۱۷ اشاره
۲۱۷ ۱.انجام خدمات اولیه مادی
۲۱۷ ۲.انجام خدمات اولیه معنوی
۲۱۸ ۳.خدمات حفظ و نگهداری اجتماعی
۲۱۸ ضرورت تخصص در ارائه خدمات
۲۲۰ توصیه به خدمت بهینه
۲۲۲ مکانیزم خدمت رسانی در حکومت دینی
۲۲۴ مصداق ها و راه های نهادینه سازی خدمت رسانی
۲۲۴ اشاره
۲۲۴ ۱.ایجاد عدالت اجتماعی
۲۲۷ ۲.زدودن فقر و فساد
۲۲۸ معیارهایی برای حرکت به سمت «شدن»

- ۲۲۸ اشاره
- ۲۲۸ الف) تنظیم امور معیشتی جامعه
- ۲۲۸ ب) مهیاسازی شرایط آموزش برای همگان
- ۲۲۸ ج) ایجاد امنیت اجتماعی
- ۲۲۹ راه هایی برای خارج شدن از وضعیت حال
- ۲۲۹ اشاره
- ۲۲۹ الف) اصلاح مدیریت ها
- ۲۳۰ ب) بازگشت به ارزش های فراموش شده
- ۲۳۱ ج) برجسته نمودن اندیشه های امام و رهبری
- ۲۳۱ د) دوری گزیدن از خویشاوند گرایی
- ۲۳۲ ه) اندیشه خدمت
- ۲۳۲ و) پیراستگی اخلاقی
- ۲۳۲ ز) استقرار نظم
- ۲۳۴ منابع و مآخذ
- ۲۳۵ تحلیل محتوا
- ۲۳۷ درباره مرکز

تا آرمان شهر رضوی : مجموعه مقالات ارائه شده به دومین همایش علمی - کاربردی جلد 4

مشخصات کتاب

سرشناسه : همایش علمی - کاربردی ... تا آرمان شهر رضوی (دومین : 1387 : مشهد)

عنوان و نام پدیدآور : ... تا آرمان شهر رضوی : مجموعه مقالات ارائه شده به دومین همایش علمی - کاربردی ... تا آرمان شهر رضوی / به اهتمام محمد عیسی نژاد .

مشخصات نشر : تهران : بنیاد پژوهشهای اسلامی : حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه خراسان رضوی : سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری مشهد، -1388

مشخصات ظاهری : 5 ج. : مصور، نقشه.

شابک : دوره : 6-282-971-964-978 : ج. 1 : 7-201-971-964-978 : ج. 2 : 7-300-971-964-978 : ج. 3 : 978-4-301-971-964

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : ج. 2-4 (چاپ اول : 1388).

موضوع : مدینه فاضله -- جنبه های مذهبی -- اسلام -- کنگره ها

شناسه افزوده : عیسی نژاد، محمد، 1342 -

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد

شناسه افزوده : حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. شعبه خراسان رضوی

شناسه افزوده : بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره : 1387 8/BP230/12

رده بندی دیویی : 297/483

شماره کتابشناسی ملی : 1783426

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم شهناز محققیان

ص: 1

اشاره

... تا آرمان شهر رضوی

مجموعه مقالات ارائه شده به دومین همایش علمی - کاربردی ... تا آرمان شهر رضوی

جلد چهارم

ص: 4

همایش علمی - کاربردی ... تا آرمان شهر رضوی (دومین : 1387 : مشهد).

... تا آرمان شهر رضوی: مجموعه مقالات ارائه شده به دومین همایش علمی - کاربردی

... تا آرمان شهر رضوی / به اهتمام محمد عیسی نژاد - مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، 1388

4ج.

(شابک ج4) - ISBN 978-964-971-02-15

(شابک دوره 4 جلدی) ISBN Vol set 978-964-971-22-6

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

1. مدینه فاضله -- جنبه های مذهبی -- اسلام -- کنگره ها الف عیسی نژاد، محمد

1342- ب سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد. ج.عنوان.

BP 230/12 / ه81387

کتابخانه ملی ایران

297/483

1783426

... تا آرمان شهر رضوی

جلد چهارم

مجموعه مقالات ارائه شده به دومین همایش علمی - کاربردی ... تا آرمان شهر رضوی

به اهتمام سید محمد عیسی نژاد

چاپ اول: 1388 / 1000 نسخه

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد: صندوق پستی 91735-366

حق چاپ محفوظ است

باغ قرآن در آرمان شهر رضوی / رسول سعیدی زاده...8

قصه شهر قرآن / دکتر محمد علی آبادی...20

ترویج زیباشناسی و هنر دینی بر پایه تعالیم اهل بیت علیهم السلام در آرمان شهر رضوی / عباس عبدالله پور...48

بایستگی های مدیریت شهری در آرمان شهر رضوی / علی اکبر نوایی...70

شبکه ارتباطی روان، مطمئن و مؤثر کارگزاران با شهروندان و زائران در آرمان شهر رضوی / سیدحسین هاشمی...111

نقش مشارکت محله ای در مدیریت شهری در آرمان شهر رضوی / سید محسن میرسندسی - حسین رمضانی...137

خدمت رسانی در آرمان شهر اسلامی / علی اکبر نوایی...185

«ایده مطلق» در حکمت نظری و «آرمان شهر» در حکمت عملی از مباحثی است که فیلسوفان پیرامون آن بحث کرده اند و به واقعیتی ذهنی و دست نیافتنی ناظر و به «ناکجا آباد» معنا شده است. دغدغه فطری بشر از روزگار اسطوره ها تا دوران آغازین عقلانیت در دوران باستان؛ یعنی از تالس و هراکلیتس تا افلاطون که به ایده پردازی جامعه آرمانی پرداخته همواره آن بوده است که باید در پس این زندگی روزمره حقیقتی دیگر را پی گرفت. طرح ایده آخرالزمان و منجی در ادیان نیز از نیاز فطری آدمی در هر روزگار حکایت می کند.

آرمان در اندیشه اسلامی نه چون وجود مثلی افلاطون است که تنها در عالم بالاتر می توان بدان دست یافت، بلکه واقعیتی است که باید در این عالم به دست آورد و هرکس به اندازه استعداد خود از این واقعیت بهره ای دارد. آرمان در اندیشه اسلامی یک پدیده فرهنگی و تمدنی است نه یک واقعه فکری - فلسفی که تنها در محافل فلسفی قابل طرح باشد.

تحقق آرمان شهر، همان تجلی الهی خلافت انسان (أَئِي جَاعِلِك فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) در زمین می باشد که در قرآن از آن به "حياة طيبة" و "بلدة طيبة" یاد شده است. این پروژه در قالب سیره رفتاری و علمی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی، متجلی شده است.

مدینة النبى صلی الله علیه و آله و کوفه، دیار حکومت الهی امام علی علیه السلام، دو نمونه از عینیت شهر آرمانی است. مصداق اکمل شهر آرمانی، آرمان شهر حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد که تا زمان تحقق آن دیده گشاده ایم. دو تجربه و

یک مدل که به صورت نظری در تفکر شیعی آمده، الگوی شهر اسلامی است.

وقوع انقلاب اسلامی و طرح نظریه ولایت فقیه و شکل‌گیری ساختارهای سیاسی و اجتماعی جدید در ایران در راستای آرمان شهر اسلامی بوده و همایش‌هایی از این دست با هدف عملیاتی کردن همان هدف مقدس و الهی، طراحی و اجرا می‌شود.

از سویی دیگر، تدوین منظومه فرهنگ شهروندی به عنوان یک سند الگو و فرادستی در رهبری برنامه ریزی‌های اجرایی شهری و ارتقای فرهنگ، شهروندی به عنوان مهمترین مأموریت سازمان فرهنگی - تفریحی شهرداری مشهد، وامدار تولید چهارچوب نظری و فکری این حوزه بر پایه اندیشه دینی و اسلامی است.

دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی به عنوان نهادی علمی - دینی که مدیریت علمی و اجرایی همایش «... تا آرمان شهر رضوی» را به عهده گرفته است دستیابی به این مهم را با امیدواری شایان همراه ساخته است.

اصلی که در برگزاری دومین همایش «... تا آرمان شهر رضوی» در دستور کار قرار دارد کاربردی بودن دستاوردهای آن است تا مورد استفاده اتاق فکر حوزه‌های اجرایی شهرداری مشهد قرار گیرد.

باغ قرآن در آرمان شهر رضوی / رسول سعیدی زاده

*باغ قرآن در آرمان شهر رضوی / رسول سعیدی زاده (1)

چکیده

طرح حاضر در صدد ارائه الگوی شهر اسلامی بر پایه چشم انداز 1404 شمسی شهرداری مشهد با بهره گیری از مفاهیم قرآن کریم و تئوری پردازی درباره شهر اسلامی در آرمان شهر رضوی است.

اهداف باغ قرآن، ارائه راهکارهای لازم برای استفاده از قرآن و معماری هدفمند، با تقسیم طرح به سه فاز و سرانجام رهنمودهای عملی برای بهره وری بهینه از باغ قرآن از موارد مطرح در این تحقیق کاربردی می باشد.

کلید واژه ها: مشهد، آرمان شهر رضوی، باغ قرآن

ص: 9

1- پژوهشگر بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی

چشم انداز 20 ساله فرهنگی و اجتماعی شهر مشهد با محوریت شهرداری در زمینه مدیریت شهری و برخورداری از زیر ساخت های مطلوب و خدمات شایسته در عرصه هنر تکنولوژی و ادب و همچنین استفاده از اهداف هفت گانه جذب و هدایت مشارکت های مردمی، ارتقای سطح فرهنگ شهروندان ترسیم مشهد به عنوان شهری با صبغه فرهنگی و زیارتی غنی سازی اوقات فراغت شهروندان افزایش بهره وری از فضاها و امکانات فرهنگی کاهش ناهنجاری ها و اصلاح رفتارهای اجتماعی و ایجاد شبکه ارتباطی گسترده و سنجش اثر بخشی فعالیت ها؛ و نیز لزوم بهره گیری هرچه بیشتر از نظرات پژوهشگران در شناسایی اولویت ها و سرمایه گذاری فرهنگی با توجه به اثر بخشی و بازدهی تلاش ها و کمک به توانمندسازی عناصر مؤثر در تحقیق مدیریت واحد شهری در حوزه فرهنگی و اجتماعی احساس می گردد.

(1)

طرح «باغ قرآن در آرمان شهر رضوی» جزو برنامه های دراز مدت سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری در راهبردهای حوزه فرهنگی و اجتماعی می باشد برای تهیه طرح تحقیقی حاضر از هم فکری و تبادل نظر سروران گران قدر آقایان غلام رضا جلالی و دکتر رجب علی یحیایی بهره برده که بدین وسیله از آنان سپاسگزاری می شود.

ص: 10

آرمان شهر (اتوپیا (Utopia) که به وسیله فلاسفه اسلام مدینه فاضله خوانده می شود عبارت است از حکومت حکیمان و فرزندان و وضع قوانین بر اساس عقل و تدبیر که به شکوفایی استعدادهای شهروندان می انجامد و تکامل نوع انسان را موجب می شود تعاون تسامح در برخورد و احترام به حقوق یکدیگر از جمله قوانین حاکم در آن است. از مروجان آرمان شهر در غرب، می توان به تامس مور (1477-1535م) در کتاب معروفش به نام «آرمان شهر» و در شرق ابو نصر محمد فارابی (260 - 339 هـ.ق) در کتاب «آراء اهل المدینة الفاضلة» اشاره کرد.

آرمان شهر رضوی یا آرمان شهر اسلامی و مدینه النبی عبارت از حکومت قوانین برگرفته از قرآن کریم و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام بر شهروندان است.

قرآن مجید آخرین کتاب آسمانی است که تمام قوانین هدایت و سعادت انسان را در بر دارد قرآن سفره گسترده و گنجینه حقایق و اسرار الهی است قرآن شفای دل ها و ریسمان الهی می باشد هر کس بدان چنگ زد نجات یافت و هرکس آن را رها نمود هلاک گردید تدبیر در آیات آن سبب بیداری دل ها و شکوفایی مغزهاست.

قرآن کلام حق تعالی و برترین کتاب نازل شده بر انسان و تنها کتابی است که کهنگی زمان در آن راه ندارد. حضرت رضا می فرماید: (هُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ

وَعُرْوَتُهُ الْوُتْقَى وَطَرِيقَتُهُ الْمُثَلَى الْمُوَدَّى إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمُنْجَى مِنَ النَّارِ لَا يَخْلُقُ مِنَ الْأَزْمِنَةِ وَلَا يَغْتَّ عَلَى الْأَلْسِنَةِ لِأَنَّهُ لَمْ يُجْعَلْ لِرَمَانٍ دُونَ
رَمَانٍ بَلْ جُعِلَ دَلِيلَ الْبُرْهَانِ وَحُجَّةً عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ؛ (1)

قرآن ریسمان محکم خداوند ورشته استوار او (در میان بندگانش) است. قرآن بندگان خدا را به راه راست هدایت می کند و به بهشت می رساند و از دوزخ نجات می دهد. قرآن بر اثر مرور زمان کهنه نشده و اثرش را در زبان ها از دست نمی دهد؛ زیرا قرآن برای زمان خاصی نیست بلکه قرآن حجت و برهانی برای همه بشر در طول زندگی می باشد در هیچ زمانی باطل به آن راه ندارد و از طرف خداوند دانا نازل شده است.

حضرت رضا علیه السلام از پدرش امام موسی کاظم علیه السلام نقل نمود مردی از امام صادق علیه السلام پرسید چرا قرآن هر چه بیشتر پخش شده مورد بحث قرار می گیرد تازه تر و شاداب تر می شود؟ وی در پاسخ فرمود: (لِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يُنْزِلْهُ لِرَمَانٍ دُونَ رَمَانٍ وَلَا لِإِنْسَانٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ). (2)

برای این که خداوند تبارک و تعالی قرآن را مخصوص زمان و مردم خاص نازل

ص: 12

1- محمد بن بابویه؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام 137/1 - 138

2- محمد بن بابویه: همان 93/1

نفرموده بلکه قرآن کریم تا روز قیامت در هر زمانی نو و جدید بوده و در نزد هر قومی تازه است.

آموزش قرآن کریم از وظائف حکومت اسلامی و از حقوق مسلم فرزندان بر پدر به شمار می رود بدین معنی که یا خود قرآن را به فرزندانشان بیاموزند یا این که برایشان معلم بگیرند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: (إِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا، وَإِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا: فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَيُحَسِّنَ آدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ)؛ (1)

برای پدر بر گردن فرزند حقی است و برای فرزند نیز بر گردن پدر حقی وجود دارد حق پدر بر گردن فرزند آن است که در هر کاری بجز معصیت خداوند تعالی از پدرش اطاعت کند و حق فرزند بر پدرش این است که نام نیکو بر او بگذارد و ادب نیکو به او بیاموزد و قرآن کریم را به وی تعلیم دهد.

آموزش قرآن دارای پاداش ویژه است؛ مانند عنایت خاص حق تعالی در روز قیامت به بندگان تاج گذاری پدران و مادران اعطای لباس بهشتی و حلقه افتخار سنگینی نامه عمل و تذکره عبور از صراط (2) که به عنوان پاداش های اخروی مطرح اند.

ص: 13

1- ابن ابی الحدید: شرح نهج البلاغه 365/19

2- برای دستیابی به روایات وارده در این مورد رجوع شود به: وسائل الشیعه 6 / 168، 21 / 475 (چاپ آل البیت)؛ کنز العمال 533/1؛ مستدرک الوسائل 4 / 248

تحقیق عبارت است از بررسی نظام یافته کنترل شده تجربی و انتقاد در مورد پدیده ها و روابط احتمالی بین آن ها که به وسیله نظریه و فرضیه هدایت می شوند. (1)

مجموعه فعالیت های منطقی منظم، منسجم و هدفمند که در پی دستیابی به جست و جوی پاسخ و راه حل برای یک مسئله و مشکل واقعی باشد تحقیق کاربردی نامیده می شود و هدف از آن به دست آوردن درک یا دانش لازم برای تعیین ابزاری است که نیاز مشخص و شناخته شده ای را برطرف سازد به عبارت دیگر تحقیقات کاربردی به سمت کاربرد عملی دانش هدایت می شوند.

تحقیق حاضر به شیوه کاربردی و در دو فصل پژوهشی و عملی است. در فصل عملی این طرح ضمن تعریف مسئله کلیات و اهداف به مراحل ساخت که شامل سه فاز است به صورت کلی اشاره می شود. نحوه اجرای آن به وسیله گروهی منتخب مطرح و پس از تصمیم نهایی کمیسیون ویژه (که به زودی به اعضای آن اشاره خواهد شد) اجرا می گردد اهداف مد نظر پس از اجرای فازهای اول و دوم در فاز سوم نمود پیدا می کند.

تازگی موضوع باغ قرآن و سابقه نداشتن آن دشواری های فنی اجرای طرح و رفع ابهام آن صرف بودجه چند میلیاردی و برگشت نکردن هزینه های انجام

ص: 14

فصل دوم

تعریف

فضایی که شرایط محتوایی و مضامین قرآنی را به بازدید کنندگان به صورت مجسم ارایه کند و آن‌ها را به تفکر و می دارد باغ قرآن گویند به عبات دیگر کالبدی که در آن به موضوعات اشاره شده در قرآن مجید پرداخته می شود به گونه ای که با دیدن آن بتوان به مفهوم و مقصود آیات کریمه رسید، به آن باغ قرآن اطلاق می شود.

اهداف

تئوری پردازی درباره الگوی شهر اسلامی در آرمان شهر رضوی با بهره گیری از قرآن کریم ارائه الگوی شهر اسلامی بر پایه چشم انداز 1404 شمسی شهرداری با استفاده از قرآن مجید؛ تعمیق معارف دینی شهروندان به ویژه دانش آموزان به عنوان آینده سازان جامعه اسلامی؛ آماده سازی بوستانی فرهنگی و معنوی با هویت، قرآنی توأم با نشاط و نوآوری؛ دعوت غیر مستقیم به تفکر از طریق دیدن نعمات مخلوقات خداوند و مناظر طبیعی؛ آموزش عملی و علمی قرآن به صورت غیر مستقیم و سرانجام ترویج فرهنگ آموزش قرآن با استفاده از روش ها و ابزارهای پیشرفته جدید از جمله اهداف این طرح است.

الف) در این باغ، موضوعات قرآنی: طبیعت، سرگذشت انبیاء، تمثیلات و تشبیهات به ترتیب اولویت (که هر یک علاوه بر ساده بودن دارای بار مفهومی قابل درک هستند) ارائه می‌شود. انواع درختان گل‌ها، گیاهان، سبزه‌ها؛ سرگذشت پیغمبران اولوالعزم علیهم السلام: آدم، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و همچنین تمثیلاتی همانند: از بین رفتن کف دریا و سستی خانه عنکبوت و دوام نداشتن آن‌ها از جمله موارد قابل ارائه می‌باشند.

توضیح

از آن جایی که آزمایش پاره‌ای از موضوعات قرآنی ضرورت دارد برای اجرای اولیه این طرح پیشنهاد می‌شود:

ورود به باغ با صحنه‌ای از غار حراء در آن هنگام که جبرئیل به پیغمبر اکرم خطاب کرد:

(اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ) (1) قرآن را به نام پروردگارت - که خداوند آفریننده عالم است - بر مردم بخوان، آن خدایی که آدمی را از خون بسته آفرید.

شروع و سپس مسیری که قرآن انسان‌ها را هدایت می‌کند طی می‌گردد. خروج آن رفتن به جهان آخرت (که این قسمت زیر زمینی خواهد بود) و وعده‌های

ص: 16

داده شده به انسان قرار می گیرد.

ب) برای تأمین هزینه باغ قرآن می توان به ترتیب از اعتبارات ملی منطقه ای و کمک خیرین استفاده نمود این طرح پژوهشی مشتمل بر سه فاز مکان عملیات اجرایی و بهره برداری است.

فاز اول: مکان

برای ایجاد باغ قرآن، نیاز به بوستانی مستقل با زیر بنای حداقل 20 هزار متر مربع است. این بوستان، علاوه بر سهل الوصول بودن، باید دارای محیطی بانشاط باشد باغ مذکور بر حسب سه تقسیم موضوعی سابق یعنی طبیعت، سرگذشت انبیاء، تمثیلات و تشبیهات به سه بخش تفکیک می شود. زیر بنای مفید هر بخش که همان معماری ساختمانی باشد حداقل هفت هزار متر مربع خواهد بود.

فاز دوم: عملیات اجرایی

ایجاد کمیته مستقل باغ قرآن مرکب از مسئولین شهرداری، کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر، آستان قدس رضوی، کارشناسان قرآنی، اساتید دانشگاهی، معماران و هنرمندان برای عملیاتی کردن طرح.

فاز دوم در دو قسمت معماری و انسانی انجام خواهد گرفت:

الف) معماری که عبارت است از احداث بنا اشکال مجسم متحرک و ثابت؛ همراه با، آب، صوت، نور، رنگ و المان های دیگر

ب) ابزار انسانی یا استفاده از کارشناسان قرآنی و مذهبی، اساتید خوش فکر دانشگاهی با گرایش های مرتبط (مانند روان شناسی) هنرمندان اعم از دست اندرکاران و بازیگران تئاتر و سینما نقاشان و مجسمه سازان.

ص: 17

1. ابن ابی الحدید: شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، قم: دار احیاء الکتب العربیه.
2. روابط عمومی سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری مشهد: کارنامه 86؛ به کوشش مهدی یک پسر، مشهد: 1387 ش.
3. شاقلی، ریحانه؛ استانداری خراسان رضوی؛ روش های تحقیق علمی و اصول نگارش، مشهد: آهنگ قلم، 1386 ش.
4. محمد بن بابویه (شیخ صدوق)؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول 1404 ق.

از آن جایی که آزمایش پاره ای از موضوعات قرآنی ضرورت دارد، برای اجرای اولیه این طرح پیشنهاد می شود:

1. ورود به باغ با صحنه ای از غار حراء، در آن هنگام که جبرئیل به پیغمبر اکرم خطاب کرد:

(اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ)؛ قرآن را به نام پروردگارت - که خداوند آفریننده عالم - است بر مردم، بخوان آن خدایی که آدمی را از خون بسته آفرید.

شروع و سپس مسیری که قرآن انسان ها را هدایت می کند طی می گردد. خروج آن رفتن به جهان آخرت (که این قسمت زیر زمینی خواهد بود) و وعده های داده شده به انسان قرار می گیرد.

2. برای تأمین هزینه باغ قرآن می توان به ترتیب از اعتبارات ملی، منطقه ای و کمک خیرین استفاده نمود برای اجرای این طرح دو فاز به شرح ذیل پیشنهاد می گردد:

فاز اول (مکان): برای ایجاد باغ قرآن، نیاز به بوستانی مستقل با زیر بنای حداقل 20 هزار متر مربع است. این بوستان، علاوه بر سهیل الوصول بودن، باید دارای محیطی با نشاط باشد. باغ مذکور بر حسب سه تقسیم موضوعی سابق یعنی طبیعت، سرگذشت انبیاء، تمثیلات و تشبیهات، به سه بخش تفکیک می شود. زیر بنای مفید هر بخش که همان معماری ساختمانی باشد، حداقل هفت هزار متر مربع خواهد بود.

فاز دوم (عملیات اجرایی): ایجاد کمیته مستقل باغ قرآن مرکب از مسئولین شهرداری، کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر، آستان قدس رضوی کارشناسان قرآنی اساتید دانشگاهی، معماران و هنرمندان برای عملیاتی کردن طرح.

فاز دوم در دو قسمت معماری و انسانی انجام خواهد گرفت:

الف) معماری، که عبارت است از احداث بنا، اشکال مجسم متحرک و ثابت؛ همراه با آب، صوت، نور، رنگ و المان های دیگر

ب) ابزار انسانی، یا استفاده از کارشناسان قرآنی و مذهبی، اساتید خوش فکر دانشگاهی با گرایش های مرتبط (مانند روان شناسی) هنرمندان اعم از دست اندرکاران و بازیگران تئاتر و سینما، نقاشان و مجسمه سازان.

ص: 20

در بسیاری از فرهنگ ها، ارزیابی و تحلیل چگونگی فرآیند تکاملی نوع انسان را بیشتر در بستر تاریخ زندگی جمعی انسان ها ممکن دانسته و معیار برتری جوامع انسانی را نیز نسبت به یک دیگر در طولانی تر بودن سابقه آن جوامع در مدنیت و شهرنشینی دانسته اند؛ چنان که از دوران پیش از شهرنشینی انسان ها با عنوان دوران توحش نام برده اند. بر همین اساس، هدف غائی جامعه انسانی را نوعی زندگی جمعی به کمال رسیده می دانند که در شهری برخوردار از تمامی انواع توانمندی ها جریان یافته پاسخگوی انواع نیازهای فردی و جمعی ایشان باشد. نام این شهر کمال یافته در این دیدگاه "شهر آرزوها" یا "شهر آرمانی" است. این شهر آرمانی در فرهنگ غربی (اتوپیا) نام دارد. البته چنان چه تعریف و تحلیل درستی از انسان و هدف از زندگی جمعی انسان ها مورد نظر باشد شاید بتوان گفت نظر اندیشه و فرهنگ اسلامی نیز در این زمینه تا حدود قابل توجهی به این نظر نزدیک است لیکن متأسفانه این تحلیل و نظر نیز بسیار سطحی و یک بعدی بوده و مبنای عمده نگرش آن اقتصاد است. در این تعریف از تمدن بیشتر به نحوه تولید غذا و نظام های اقتصادی زائیده از آن پرداخته، شهرنشینی (یا همان تمدن انسانی) از هنگامی آغاز شده است که جوامع بشری توانسته اند در زمینه تولید غذا بسه سطحی افزون تر از سطح نیاز و مصرف خویش دست یابند.

تعاریف دیگری از این شهرهای آرمانی در فرهنگ های دیگر غربی و شرقی وجود دارد؛ لیکن ساختار اصلی غالب آن ها به ویژه آرمان شهرهای غربی (با اندک تفاوتی در ظاهر) مبتنی بر مدینه آرمانی افلاطون، بوده و تقریباً بدون استثنا به دنبال خلق فضایی می باشند که در آن از بندها و محدودیت های زمانی و مکانی خبری نیست موضوعی با عنوان ماوراء الطبیعه و یا ما بعد الطبیعه وجود ندارد، در این گونه شهرها انسان ها نمی میرند و بدون ترس از مرگ بیماری و یا هر حادثه ناخوش آیند دیگری می توانند به کامجویی پرداخته تا بی نهایت زمان از زندگی خویش لذت ببرند. ولی، تا آن جا که از بنیادهای تفکر اسلامی بر می آید مدینه فاضله

یا آرمان شهر اسلامی با دیگر انواع آرمان شهر معرفی شده در فوق تفاوت‌هایی اساسی دارد. در تفکر اسلامی بنیاد و ذات زندگی این جهان و موجودات آن بر مرگ و نابودی قرار دارد، فلذا در آرمان شهر اسلامی همه موجودات (از نظر زندگی این جهانی) میرا و فناپذیرند و کمال روحانی انسان‌ها نهایت هدف انسان هاست و مرگ (در این دیدگاه، و در این شهر آرمانی) دروازه‌ای است که بدون گذشتن از آن انسان‌ها راهی به سوی مقصد کمالی مورد نظر ندارند بستر تمامی افعال ساکنان آن درد و رنج و ابتلاء است، و شادی و شادکامی ساکنان تنها زمانی حاصل می‌شود که در دل تمامی این رنج‌ها و دردها و ابتلائات قدمی در جهت کمال فکری و روحانی خویش و جامعه یک دل خویش به پیش رفته باشند.

در این دیدگاه "فقط انسان‌های فاضل هستند که جامعه و مدینه فاضله را می‌سازند زیربنای ساختار مدینه فاضله ساختاری ارزشی (دینی) است این ساختار ارزشی (دین) است که در عین حالی که به همه علوم سودمند بها می‌دهد و با چشم تکریم به آن‌ها می‌نگرد (لیکن) معیار ارزشی بهره‌وری از (آن) دانش‌ها را (در درجه) اول (اهمیت قرار می‌دهد)."

اگرچه تعریف چگونگی ساختار کالبدی و تصویر مادی آرمان شهر اسلامی نیز دور از دسترس نبوده و از طریق مطالعات بنیادین در متون اسلامی و زندگی نمونه‌های کامل انسانی قابل معرفی است لیکن این مقاله می‌کوشد تا با بهره‌گیری از منابع ناب و اصیل اسلامی و بر اساس مبانی فکری و فلسفی این مکتب تصویری هر چند مقدماتی را از ساختار معنایی آرمان شهر اسلامی که البته آن را مدینه فاضله یا همان آرمان شهر آینده مردم جهان نیز می‌شمارد، ارائه دهد.

با توجه به این حقیقت که زبان ادبیات و شعر (به ویژه در بیان لطائف و ظرائف معنوی) زبانی گویاتر و دلنشین تر است، بر آن شدم تا گزیده ای از نتایج تحقیقات خود را در زمینه معرفی آرمان شهر اسلامی به صورت منظوم تقدیم دارم در این اشعار (که در حوزه برخی از موضوعات مطرح در معماری و شهرسازی و تحت عناوینی به همان مناسبت منظم گشته اند) سعی داشته ام تا (ضمن بهره گیری از منابع اصیل و بی بدیل فرهنگ آسمانی اسلام همچون قرآن و حدیث) به بیان حقیقت وجودی زیبایی ها و خوبی های شهر آرمانی مورد نظر فرهنگ قرآن و رسول گرامی اسلام و اهل بیت طاهرینش - به ویژه امام همام آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام - بپردازم. این سروده نماد پردازانه در قالب شیرین و آسان مثنوی به نظم درآمده و در حقیقت بزرگنمایی تصویری نمادین از زیبایی های شهر قرآن (جان مایه فکری آرمان شهر اسلامی در جهان معاصر) است. شاید اندیشمندان، برنامه ریزان و نهایتاً معماران و شهرسازان معاصر ما بتوانند از مطالعه هوشمندانه شهر قرآن (یعنی ساختار عقلانی آرمان شهر حکومت مهدوی در جهان فردا) به تحلیل دردها و نقص های مطرح در ساختار فکری شهر امروز پرداخته احوال شهر آرمانی مورد نظر آن امام همام را دانسته و به افکنش بنیان آن در آینده ای نه چندان دور قدم برداشته دست بکشایند همچنان که این گونه فرمانمان داده اند.

در این اشعار و در جای جای آن کلمه ها یا فرازهایی خاص وجود دارند که (در قالبی رمزگونه) به معنا و تعریفی خاص در باب حقیقتی در مدینه فاضله اسلامی و صفات و وجوه گوناگون کمالی آن اشاره دارند یا به (صورتی مستقیم یا غیر مستقیم) پیام مفهومی آیه یا روایتی از ائمه معصومین را (در شرح روشن تر چیستی و ساختار جامعه و فرهنگ اسلامی) بیان می کنند. برای آن که مخاطبین و خوانندگان محترم

مپندارند که این اشعار و بلکه هر یک از ابیات آن صرفاً بیان احساسات و عواطف شخصی و شاعرانه مؤلف بوده بلکه اساسی کاملاً تحقیقاتی داشته و بر مبنای مبانی اندیشه توحیدی اسلام استوار گشته اند، سعی شده تا (ضمن پرهیز از اطاله کلام، و به عنوان "مشتی نمونه خروار") معنای مورد نظر یا آیه و روایت مورد اشاره در کلمات یا واژگان نمادین دو صفحه نخست اشعار در انتهای مقاله (در قالب توضیحاتی نظام مند) آورده شود (توجه مخاطبین محترم به این توضیحات، موجب کمال تشکر و امتنان مؤلف از عزیزان خواهد بود).

جان شهر انسان

شهر "انسان" است و شاهش، جان آن *** کالبد، لیبسی است بر اندام آن

"سرزمین جان" بُود "شهر شهان" *** "جان جانان" است، شاه خوب آن

جان هر شهری ز جان شاه اوست *** بر فراز آسمانش، ماه اوست

دین مردم نقش دین شه بُود *** مَهر آئینشان، جبین شه بود

شمس تابان، نور می بخشد به مه *** شاهره، قلب است بر هر کوره ره

انسان کامل، همان شهر قرآن است

شهر قرآن، شهر "حق" است و "یقین" *** "بی حد و بی مر" بُود "حق الیقین"

آسمانش "عرش" و "ایمانش" زمین *** ابتدائش "حق" و "پایانش" یقین"

شهر انسان، مصطفی، دَرَبش، علی است *** نور پاک "حق" ز قلبش منجلی است

حاکم بر "حکم" و بر "فرمان" آن *** حافظ "حد" و قوام "جان" آن

گفت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) که "شهر حکمت" *** "باغ نعمت"، خالی از هر یَقَمَت ام

"جنت" استم من، مَنَم "باغ صفا" *** این من استم چشمه سار عشق ها

باز گفتا، از پس، آن "شمس ضحی" *** "درب شهر حکمت" استی "مرتضی علیه السلام"

گفت جان من "علی مرتضاست" *** حافظ "شهر خدا" از هر بلاست

نیست آن جا شهر کز عشتش تُهی است *** شهر قرآن، باغ آن سرو سَهی است

هر دلی کان جامِ آبِ عشق اوست *** "شهر قرآن" است و "تختِ صدق" اوست

و آن که خالی گشت از "قرآن عقل" *** آن بیابان است و جای "دیو جهل"

ای امام "شهر عشق" عاشقان *** ای علی عالی، ای جان جهان
شه مُنار شهر انسان، شاه دین *** ابتدا و آخر "راه یقین"
ای همه عالم، ز تو پیدا شده *** خلق عالم بر رُخت شیدا شده
هرچه پرسیدم ز "یار عاشقان" *** جمع عُشاق از تو دادندم نشان
کوچه های شهر را مقصد توئی *** حدّ "شهر بی مر و بی حدّ" توئی
هر رخی دیدم، تو بودی جان آن *** هر جمالی، در پَسَش بودی نهان
قلبِ پاک شهرِ قرآن، عقل توست *** جاری رگ هاش، خون "نقل" توست
هست "میدان حقیقت" اندر آن *** "جامع وحدت"، چو بحر "بی کران"
"مُتحدّ" اعضاء شهر، از عشق توست *** جملگی گویای راه "صدق" توست
هست در بازار آن کالای تو *** می فروشد، صورت و بالای تو
بر رخ هر نقش آن رخسارِ یار *** حرف حرفش، شاهد کردار یار
بر سر هر کوچه عکس روی تو *** هر فضایش، پُر زِ عطر موی تو
خانه را "محراب"، ماه چهر توست *** باغ پرگل از نُزولِ مهر توست
خلوت هر خانه صحن کعبه ات *** "صورت" هر خانه سوی خانه سوی "قبله" ات
نقل هر برزن، شدستی حرف تو *** هر فضایش گشته جام و ظرف تو
نیست در هر خانه ای جز نام تو *** جمله مست اند از شراب جام تو
صوتِ دلجوی خُدا از نای توست *** ذاتِ انسان از ازل شیدای توست
مهر حق را "دین" و هم "آئین"، توئی *** بر عروس شهر حق، "کابین" توئی

شهر قرآن شهر حکمت

شهر قرآن را صفت "حکمت سرا" ست *** شهر حکمت، خالی از مکر و دغااست

هست در شهر خدا، حکمت، چراغ *** جنت است و، عیش و عزت، کاخ باغ

آن چه راند حکم، آن عقل است "عقل" *** کارهاشان، جملگی سهل است "سهل"

کی شود واحد، قلوب اهل جهل *** وحدت آید، جمع کثرت ها به عقل

ملک ابراهیمیان حدش "خدا" ست *** از "ازل" می آید و "بی انتها" ست

هر مؤمنی همان شهر قرآن است و خود جلوه ای خاص از بهشت است

جنت استی "شهر قرآن" ای غیور *** جلوه گاهی کامل از "رب الغفور"

بر جدارش نقش روی دلبر است *** دیده را تا کوی دلبر رهبر است

ویس و شیرین، لیلی و عذرا "دلیل" *** طرح و نقشی از جمال آن اصیل

شهر را "نور خدا" پوشیده است *** صورت دلبر امام دیده است

نور حق، نور فروغ دیده هاست *** نقش ها هم، نقشی از روی خداست

ساکنان شهر، "پور یوسف" اند *** عاشق "نور" اند، نی دیوی لبند

گشته اند آزاد از "چاه زمین" *** "حاکم هستی"، "حکیمانی امین"

نزد ایشان ظاهر و باطن یکی است *** هر چه می بینند، آن نور علی است

بنده عشق اند، "عشق پاک حق" *** عشقتشان از مصطفی (صلی الله علیه و اله) دارد نسق

هم "حبیب الله" و "محبوب حبیب" *** جایگه شان "قلب آن یار نجیب"

بنده عشق حق و معشوق هم *** برده محبوب از میان شان هم و غم

قصد عاشق، نی صواب و نی عقاب *** نی سؤال او راست، نی خواهد جواب

علت هر کار، "اخلاص" است و بس *** نی که پاسخ بهر خواهش های نفس

اندازه و هندسه شهر قرآن

آن چه بنهد قدر، میزان هدی است *** قدرها، روشن، به نزد کبریاست

جمله اندازه ها قدرش جدا *** حد هر چیزی در آن، حد کفا

قدرهائی جمله هم پیمان هم *** بر صراط و دین و هم، ایمان هم

جمله مرواریدهای یک صدف *** "هم صفات" و "هم نشان" و "هم هدف"

قدرهائی روشن و پاک و نجیب *** نقش صورت شان کشیدستی حبیب

بر جبینشان نور رحمانی نشان *** جملگی اهل خدا، نی این و آن

قدرهائی جمله بر دین علی علیه السلام *** بر صراط و رسم و "آئین ولی"

دل به وحدت، متحد اعضانشان *** منعکس، حق، در رخ و کردارشان

جمله ابراهیمی و اهل وفا *** در صراط و قبله، بوجه خدا

جملگی "خورشید دل"، اختر نشان *** چون "حق آئین اند" و از یک خانمان

نی چو ایمان و قلوب اشقیاء *** دینشان جهل است و دل هاشان جدا

نقش صورتشان چو رویه پُر فریب *** چون مُصورشان به دل پُر شک و ریب

قدرهائی، همچو انسان، جاودان *** نزد حق بر خوان و روزی خوار خوان

طول و عرض شهر قرآن تا خداست *** خانه دریادلان بی انتهاست

آب در شهر قرآن

هر کجا آب است، نقشی از خداست *** آب، چون راه است و، آن راه هدی است

ز آسمان، پیکش خبر می آورد *** ابر رحمت، "مهر تر" می آورد

ره نمایاند به راه او هر زمان *** و ارهاند هم ز مکر رویهان

آب مصداق است بر جُود و سخا *** بر حیات و علم و پیمان و بقا

"صد نشانی"، چون خداوند کرم *** می رساند عاشقان را تا حرم

مهر و ایثار و وفا رفتار اوست *** جود و احسان و سخا پرگار اوست

رنگ "بی رنگی" است، بر رخسار آن *** سمت بی سوئی است، در رفتار آن

هر کجا رخ می نمایاند، چو او *** می دود رقصان و می خواند ز "هو"

گاه می خندد، شَوَد گاهی دُژم *** مهر و قهرش هست چون تیغی دو دم

گاه می خندد به لب، گوهر نشان *** گه رساند تیغ را تا استخوان

در قیام و در قعود و در فراز *** پُر کند هر جا که می بیند نیاز

پُر کند چون چاله را راهی شود *** بین ره هم آمر و ناهی شود

بحر می میرد چو بی آبی شود *** وقت مرگ و هستی ماهی شود

کی شود غافل ز پیران عما *** بر ضعیفان یار و شاه اولیا

عیب می گوید، ولیکن بی صدا *** مهر می بخشد ولیکن بی دعا

سائل آر پرسد ز مولایش به راز *** چاره می سازد حبیب چاره ساز

رنگ و نقش در شهر قرآن

رنگ ها در شهر قرآن رنگ "هو" است *** هر کسی رنگی گزیند، ننگ اوست

نیست رنگی بهتر از ایمان در آن *** نیست وقتی بهتر از وقت اذان

رنگ ها، آئینه داران شهند *** هر یکی شان جلوه ای زان سرورند

نور، آن ها را نمایان می کند *** پرده از رخسارشان می افکند

رنگ ها را دلبر شیرین یکی است *** شادی شیرین، امید جملگی است

هر چه شیرین گفت، رنگ، آن می شود *** هر چه جُز آن، غیب و پنهان می شود

هر زمان، رنگی تجلی می کند *** رنگ دیگر، پرده داری می کند
بینشان حرف و نزاع و جنگ نیست *** رنگی آر پنهان بماند ننگ نیست
شاد می گردند اگر جان می دهند *** بر دل شیرین ز میدان می روند
هیچ کس را نزد حق تخصیص نیست *** خانه هاشان را ز هم تشخیص نیست
در ره یک دیگر احسان می کنند *** گاه، خون خویش قربان می کنند
گاه رنگی می شود شمس پگاه *** چون که دلبر سوی او دارد نگاه
صد هزاران رنگ دیگر در اثر *** گرد او چرخند هر یک چون قمر
صورت حق گشته هر کردارشان *** سیرت حق، جوهر گفتارشان
نقش صورت می دود از جان برون *** چون سفالین می تراود از درون
حق چو در خانه است برخوان است دوست *** هر چه در جان است در صورت هموست
رنگ ها را "هو" نمایان می کند *** همطراز شأن انسان می کند
صورت هر چیز، نقشی از خداست *** طرح صورت گر ز یاری مه لقاست
صورت از او گشته در عالم پدید *** عکس قول اوست هر فعل سدید

راه در شهر قرآن

اشاره

راه آن باشد که تا پایان رود *** مقصدش، خمخانه جانان بود
راه باید تا در شاهان رسد *** آن چه مقصود است در پایان دهد
راه حق دارد ز حق نوری نشان *** بی نشان راه است گردابی چمان
با نشان ها رنج ره گم می شود *** در پی هر رنج، راحت می رسد
هست تقوا راه و ایمان معبر است *** روی حق هر جا به هر سو رهبر است
گاه پائین، گاه بالا می رود *** لیک آخر، بر در مولا رسد

گاه حدّی می کند تنگش به عرض *** گاه وسعت یابد از نعمت به فرض

ص: 30

تنگی و وسعت ز قدر است و به جاست *** راه بی مقصد چو گولی پُر خطاست

راه طولانی است، باید صد نشان *** تا نمایاند خطرها را عیان

برف و کولاک است و طوفانی دَمان *** چاه بسیار است و راه حق نهان

قبل هر پیچ و فراز و هر نشیب *** نور باید تا کند روشن فریب

حلّ هر مشکل بگوید قبل از آن *** خوش دهد هشدار چون بانگ اذان

" انا لله " فصل راه بی بد است *** تا " الیه راجعون " اش مقصد است

راه فردوس است، راه نار نیست *** وعده اش نوش است، نیش مار نیست

راه حق گویاست، لالی منگ نیست *** بسترش پاک است، تیغ و سنگ نیست

نور، خود پیدا است، گم یا گنگ نیست *** نیست عُریان، هم نیاز لُنگ نیست

راه وحدت، راه جنگ و ننگ نیست *** راه مکر و حيله و نیرنگ نیست

در کنار راه ریحان کشته اند *** ظرف روح از عطر آن آکنده اند

در فضایش، شیون و فریاد نیست *** جای قیل و قال و جیغ و داد نیست

نیست جز صوتی الهی در فضاش *** نیست جای فحش و بانگی دلخراش

نیست جای بوق و داد و های و هو *** یا که بردارد ندا کس " آی عمو "

شُرُشُر آب است، یا تصنیف باد *** چهچه مرغ است یا صوت مراد

واحد همسایگی در شهر قرآن

شهر قرآن شهر حقّ است، گول نیست *** شهر انسان است، جای غول نیست

هر که از مردار دنیا شست دست *** رست از حیوانی و بالا نشست

طالب حق را بُود " مسکن "، " بهشت " *** هست با حق همنشین، نی دیوزشت

با حقیقت جفت گردند از جهان *** روی حق بینند، هر سو چشمشان

هر دلی با " یار ایمان " جفت گشت *** ز آب حیوان خورد و از خودگشت مست

هر که در دنیا شدی با حق قرین *** گشت در فردوس با حق همنشین

همنشینی می کند با خسروان *** با "علی و فاطمه"، نی این و آن

نیست در آن حرف "من" یا حرف "او" *** حرف جان شهر هستی حرف "هو"

رنج و رحمت هر دو بر ایشان نکوست *** فقر و ثروت نیز چون از سوی اوست

حرف انسان است حرف خانه ها *** "نور قرآن" است "سقف خانه ها"

هر که از "بازار قرآن"، "حق" خرید *** "یوسفی" گردید و حق او را گزید

نیست مرزی بین کوی و برزنش *** نیست فرقی بین پیر و رهزنش

خانه هاشان راز هم تشخیص نیست *** هیچ کس را نزد حق تخصیص نیست

با "گل مولا" جهان خوش می شود *** "خبار" در "گل بوته" مه وش می شود

یار خوش خویار خود خوشخو کند *** رسم نیکو، صورتی نیکو دهد

هست بر ایشان چو دلبرشان طیب *** "نوش" باشد "زهر" یا "جور رقیب"

هر چه می بینند بر ره نقش اوست *** هر نشانی، جای پای رخس اوست

بازار در شهر قرآن

هست بر بازار آن ناظر خدا *** حق و باطل راز هم سازد جدا

واضح "میزان" آن مولای حق *** وزن، بر پا، قسط، بر حق منطبق

رایج بازارشان جود و سخاست *** کیلشان با مشتری کیل وفاست

عدل، نور و درب آن پر مشتری است *** ظلم بیمار است و ظلمت، بستری است

کاسب شهر است محبوب خدا *** بر رضای دلبر یکتا رضا

بی نیازان، سعی بر طُغیان کنند *** در ترازو بنده کی عصیان کند

در بر او بنده و مولا یکی است *** پیر و برنا کور یا بینا یکی است

چهره هر سو می کند بیند خدا *** زشت و زیبا بوده یا فقر و غنا

مشتري ها بندگان حضرتند *** جنس ها را بهر دلبر مي خرنند
بر رسولان در آن خو برو *** كي فروشد "جنس نقص" از خوف او
خبره پيري بوده يا طفلي صغير *** جملگي هستند بر دلبر سفير
سفره ها درياي جود و رحمتند *** ريزه خواران ميهمان حضرتند
آبروي سفره ها زان خداست *** بر سر هر سفره ميهمان خداست
عرش و فرشش جمله پا انداز يار *** مي كند ايثار او دار و ندار
حرف تهمت كي بگويد يار حق *** زشت با زيبا نگردهد منطبق
شاطرش نان را به ميزان مي پزد *** هر كه آتش خورد دوزخ مي رود
ميوه هاي تاجرانس در همنده *** چون خريداران، تمامي آدمند
شير و شيره خالص است و بي دغل *** هر متاعي در مقابل، ني بعل
گوهر بي رنگ را خوش مي خرنند *** چون خريداران در آن "حق محورند"
رشوه كي گيرد كسي از دست ها *** نار دوزخ كي خرد مرد خدا
هست اندر مشك سقا آب ناب *** زنده مي سازد بدان، دل هاي خواب
مي خرد از مشتري تنها ميمات *** مي دهد جامي و راز آب حيات
كار دلالان در آن بي سگه است *** بسته در بازار آن هر دگه است

حکومت در شهر قرآن

حاکم شهر خدا مولى على است *** شهر حق را دست حق يار وولى است
تخت شاهنشاه بر آب صفاست *** آب پاكي از پليدي ها جداست
حاکم شهر است خود ميزان حق *** واضع هر حكم و هر نظم و نسق
راه انسان است بر حرفي متين *** جنس قانون است از نوري مبین

نیست انسان را خطاب و نی عتاب *** می نشاید "مرد حق" را جز "صواب"
نیست حکمی در صواب و در عقاب *** هر کسی از خود بخواهد خود حساب
هر کسی حاکم به حکم کار خویش *** "عدل" خواهد حق خود، نی گم، نه بیش
خود کتاب نفس خود خواند به عقل *** کار قاضی هست آن جا زود و سهل

قضاوت در شهر قرآن

قاضی شهر است محبوب قلوب *** هست دعوا بر سر آن یار خوب
هر کسی را مدعا، عشقی نجیب *** هر مریضی طالب لطف طیب
قصده قاضی نیست آن جا جز وصال *** نی جوابی خواهد او، نی دارد سؤال
پایه میزان او، "آب صفا" *** عاشقان را می نمایاند "وفا"
"آب"، مصداق صفاتِ خوب اوست *** اوست مرآت جمال روی دوست
صدق عشق عاشقان را "ابتلا" *** می کند از کذبشان، فاش و جدا
سنگ میزان، سنگ "صبر بر بلاست" *** حجة وصلش "زمین ابتلا"ست
قاضی شهر است "خورشید فلق" *** حکم فاروق است و بر حق منطبق
"حضرت محبوب" خود، قاضی بود *** عاشق از هر حکم او، راضی بود
گر وصال است و اگر هجر و بلاست *** گر وفایش حکم باشد، گر جفاست
هر کسی کوشد که تا گیرد سبق *** تا ببیند خوب تر روی فلق

طول عمر شهر قرآن

طول عمر شهر قرآن است "جان" *** "جاودانی" حدّ طول عمر آن
کی بمیرد مرد حق در زندگی *** نیست حدی بر حریم بندگی

اول و آخر ندارد عمر شان *** از خُدا آیند و تا حق راهشان

طول عمرش می شود، عُمَرِ خُدا *** از ازل آید، رود بی انتها

طبابت در شهر قرآن

شهر قرآن را طیبی خوش نفس *** فارغ از حرف و هیاهوی هوس

جان او روشن ز نور علم حق *** حرف "حکمت"، می نویسد بر ورق

بر جمیع دردها، نامش دواست *** یادِ شیرینش به هر رنجی شفاست

خطاب به معماران حقیقی شهر

بیانید شهر قرآن را در زمان خود بسازیم

هان، به هوش، ای مرد مهراز جوان *** باز گرد از اندرون "شهر جان"

داستان "شهر قرآن" شد تمام *** گر تو را هوشی بُد ای یار همام

قصه کردم بر تو از هر سمت و سوش *** شرح کردم رازهای تو به توش

حال در جانت شد ار شوری پدید *** تا بسازی همچو آن شهری سدید

"سرزمین جان" تو خرم گُن ز "عشق" *** "یار شیرین" بر نشان بر "تخت صدق"

یار شیرین "صد نشان" دارد نکو *** هر یکی سُلطان نقشی خو برو

گر چه نقش صورت هر یک جداست *** لیک جانش جان جمله نقش هاست

چون شوندی جفت همچون زوج ها *** صد هزاران نقش می گردد جدا

"شهر صد دروازه" ای آید پدید *** با فرازی قُرص و بنیادی سَدید

نقش هر دروازه تصویری ز یار *** در برش مبهوت جمعی بی قرار

قبله هر یک شود "میدان دل" *** سجده گاه اهل حق، نی آب و گل

راه ها را جُمَله کُن "راه شعور" *** راه هائی با هدف، نی گنگ و کور

شهر را پر کن ز عطر موی یار *** کُن تمام کوی ها را کوی یار

در دل هر کوچه، ده نهری عبور *** جاری هر نهر کُن، آبی ز نور

نقش کُن، دیوارها را، نقش "هو" *** سنگ فرش کوچه، نقش کفش او

نام هر نقشی بنه "نام نگار" *** تا بدان گردند دل ها کامکار

شهر صد کو، خانه صد رنگ و بو *** صد نشانی جامع است و تو به تو

در دلِ عشرت سرایش تخت شاه *** شه چو خورشید و محبّان گرد شاه

بر فراز تخت، ساکن، یار صدق *** صد هزاران دل، به عشقش متّفق

دلبری واحد به دور از تفرقه *** هست اندر حجله دل با همه

عاشقان در کار امرش متحد *** جملگی در کار جمع و معتمد

- محمدرضا، محمد و علی حکیمی؛ الحیاه، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1380.
- امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، شرکت سهامی انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران، 1371.
- مصباح الشریعه، ترجمه و شرح حسن، مصطفوی، انتشارات قلم، تهران، 1363.
- دیلمی، حسن، ارشاد القلوب الی الصواب، نشر شریف رضی، قم، 1412 ق.
- جرّ خلیل، فرهنگ عربی فارسی لاروس، ترجمه سیّد حمید، طبیبیان، مؤسسه انتشاراتی امیر کبیر، تهران، 1382
- طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، امیر کبیر، تهران، 1371
- قرآن کریم، ترجمه محی الدین الهی قمشه ای، انتشارات جاویدان، تهران 1368.
- قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه موسوی دامغانی، انتشارات دلیل، چاپ چهارم، تهران، بی تا.
- قمی، محمد ابن بابویه (معروف به شیخ صدوق)، امالی، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیة، چاپ ششم، تهران، 1376.
- ...، ترجمه علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران، 1397.
- ...، الخصال، ترجمه احمد قهری، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران بی تا.
- مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، اسلامیة، تهران، بی تا.
- مولوی، جلال الدین محمد؛ مثنوی معنوی، تهران، دارالکتابه میرخانی، 1327

برتری روح انسان نسبت به جان آن، در آرمان شهر رضوی.

زیربنای ساختار مدینه فاضله ساختاری ارزشی (دینی) است.

فقط انسان های فاضل هستند که جامعه و مدینه فاضله را می سازند.

1. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.

2. در تعریف واژه "Utopia" در لغت نامه Colins Cobuild English Language می خوانیم:

1. فضا یا موقعیت ویژه اجتماعی که در آن "اجتماع" در حد کمال و تمامی افراد در آن شاد (و از زندگی خویش لذت می برند)

2. سرزمینی که (بر اساس تفکر و فلسفه بعضی گروه های سیاسی و مذهبی) با نظامی کاملاً جدید و متفاوت از نظام کنونی برقرار بوده، جامعه ای کاملاً جدید که در آن تمامی انسان ها شاد هستند برای اطلاعات بیشتر ک ب Colins Cobuild English Language 1987

3. همان گونه که در بیت بعدی آمده مطابق با بیان علی علیه السلام، حقیقت وجودی انسان عقل یا اندیشه اوست، به گونه ای که بدون در کار بودن آن کالبد مادی انسان (از نظر حضرتش) مُرداری بیش نیست. بر همین مبنا جوهره این بیان منظوم (در شرح چیستی و چگونگی صفات آرمان شهر اسلامی) این نکته است که: کلمه یا حقیقت جمعیت انسانی همه انسان ها (یعنی انسان کامل) همان آرمان شهر اسلامی است و کالبد آرمان شهر اسلامی نیز (بدون در کار بودن اندیشه فعال انسان کامل) جسدی بیش نیست. امام باقر علیه السلام در شرح همین معنی (در طول حدیثی بلند) فرمود: "...، و من هستم "شجرة نبوت" و (من هستم) "خانه رحمت"، و (من هستم) "کلید حکمت" و (من هستم) "معدن علم"، و (من هستم) "محلّ رسالت"، و (من هستم) محلّ آمد و رفت ملائکه" و (من هستم) "گنجینه ای که سر الله" در آن قرار داده شده" و (من هستم) "امانت خدا" و امانتی که بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه شد، و (من هستم) "حرم اکبر خدا" و (من هستم) "بیت الله عتیق" و (من هستم) "پیمان خدا (با بندگان او مبنی بر عدم فرمانبرداری از شیطان)".... (مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج 23، ص: 244، اسلامیه، تهران،

بی تا)

امام صادق علیه السلام نیز در تعریف مقام و منزلت عقل (به عنوان حقیقت وجودی انسان) فرمودند: (دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ وَ مِنَ الْعَقْلِ الْفِطْنَةُ وَ الْفَهْمُ وَ الْحِفْظُ وَ الْعِلْمُ فَإِذَا كَانَ تَأْيِيدُ عَقْلِهِ مِنَ النُّورِ كَانَ عَالِمًا حَافِظًا

ص: 38

زَكِيًّا فَطِنًا فَهَمَّا وَبِالْعَقْلِ يَكْمُلُ وَهُوَ دَلِيلُهُ وَ مُبْصِرُهُ وَ مِفْتَاحُ أَمْرِهِ؛ ستون وجود آدمی عقل است. زیرکی و فهم و به یادسپری (حفظ مطالب و علوم) و دانشوری (علم) از خواص عقل است و هر گاه عقل از نور (معنوی) نیرو گرفته، باشد انسان دانشور و به یاد سپرنده علم و هوشمند و زیرک و فهیم خواهد بود آدمی به عقل کامل می شود و عقل راهنما و سبب بینایی و کلید مشکل گشای امور انسان است. (الحیاه، ترجمه احمد آرام، ج 1، ص 83).

4. امام علی علیه السلام: (الْإِنْسَانُ عَقْلٌ وَ صُورَةٌ فَمَنْ أَخْطَأَهُ الْعَقْلُ وَ لَزِمَتْهُ الصُّورَةُ لَمْ يَكُنْ كَامِلًا وَ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ لَا رُوحَ فِيهِ)؛ انسان عقل است و صورت پس هر که عقل از او روی گردان شود و صورت آدمی با او بماند کامل نیست و همچون کسی است که روح ندارد (الحیاه، ترجمه احمد آرام، ج 1، ص 79). در ضمن واژه "لبس" به معنای پوشش و پرده بوده و معنا و مفهوم کلی مصرع "کالبد، لیبسی است بر اندام آن" عبارت است از آن که: صورت و هندسه کالبدی هر شهری تنها در حکم و همانند لباس و پرده ای است که بر اندام روح و حقیقت شهر (و البته متناسب با آن) پوشانیده شده است.

5. مراد از "سرزمین جان" همان "عالم روح و عقل" است. مراد از کلمه "شاه" همان "انسان" است که شاه هستی بوده و علت شاهی و حکومت او بر هستی همان موهبت عقل خداداد اوست که بنا بر آیه کریمه زیر شاه هستی قلمداد شده و مراد از "شهر شهان" نیز همان "شهر حقیقت عقلانی انسان" ها بوده و پادشاه آن شهر همان "عقل کل" و مظهر او در عالم یعنی "انسان کامل" است؛ ر. ک: قرآن کریم، (الإسراء): 70:17 (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا) (70) ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم و آن ها را در خشکی و دریا (بر مرکب های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آن ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم.

6. در ادبیات اسلامی جمله "شرف المكان بالمکین" در بردارنده معنایی عالی و پذیرفته شده است تا آن جا که خداوند ارزش و منزلت هر مکانی را برابر با ارزش و منزلت ساکنین آن می داند و در بیان این معنی، و در شرح شأن مقام انسان کامل (به عنوان جوهره وجودی أمّ القریای جهان اسلام یعنی مکه مکرمه) می فرماید: (لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (1) وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ) (2) به این شهر و مقام

والای آن سوگند نمی خورم، مگر به خاطر آن که تو (ای محمد اهل این شهر بوده و) در آن محلّیت داری (2 و 1:90 بلد). بر همین اساس، شهریت آرمان شهر اسلامی نیز به محلّیت انسان کامل و اندیشه او در آن است.

7. اشاره ای است به مثالی معروف در ادبیات عرب که فرموده اند: (النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ)؛ (مردم بر دین پادشاهان خویش اند) رک: شیخ صدوق (محمد ابن بابویه قمی) الخصال، ترجمه احمد فهری، ص 33

8. همان گونه که نور ماه و بسیاری سیّارات دیگر (و از آن جمله نور زمین) همان انعکاس نور خورشید است در سرزمین اندیشه (یا شهر اندیشه جمعی انسان ها) خورشید روشنگر و زندگی بخش همان انسان کامل و "سراج منیر" است. و شاهراهی که قلب زندگی بخش همه راه های کوچک و گوناگون انسان به مقصد کمال است همان "صراط المستقیم هدایت" یعنی "رسول گرامی صلی الله علیه و آله" و اندیشه های آسمانی اوست. از منابعی که در ساختمان معنوی این بیت مورد استناد قرار گرفته اند به ترتیب می توان از آیات و روایات زیر نام برد:

1- (فَأَسْتَمْسِكُ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) (43) (43:43 زحرف)،

2- (هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ) (5) (10:5 یونس)

3- (وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا) (16) (16:71 نوح)،

4- (تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا) (61) (25:61 فرقان)

5- (أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَشُدَّ هِدَاةَ دَارِ الْفَنَاءِ وَشُفَعَاةَ دَارِ الْبَقَاءِ) (امام هادی علیه السلام، زیارت جامعه کبیره، نقل در من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 613).

9. مسلماً هر شهری را آسمانی است و زمینی، و در زبان و فرهنگ نمادها، همواره "زمین" بر نقش "آسمان" یا مظهر و آئینه پدیداری و منعکس کننده آن است در اندیشه عرفانی اسلام واژه "آسمان"

به معنی محل صدور احکام الهی و منشأ نزول نعمت ها و برکات خداوند از حقیقتی روحانی و مجرد به صورتی زمینی، کالبدمند و مادی است ضمن آن که تدبیر امور آفریدگان و تقدیر (به معنی اندازه کردن) فرآیند تکاملی ایشان نیز در آسمان انجام می پذیرد. در حقیقت اطلاق صفت "آسمانی" به چیزی یا کسی به حقیقت ملکوتی و مجرد و البته کمال یافته آن (در مقام و مرتبه "عند الله") اشاره دارد. واژه مترادف با واژه "آسمان" در فرهنگ این شهر قرآنی، همان واژه "عرش" و "ملکوت" است.

و "ایمان" (یا اندیشه ای کمال یافته و بنابراین به امنیت رسیده) هدف مقصود آفریدگار از هبوط انسان به زمین است در حقیقت "زمین" همان رحمی است که خداوند برای به کمال رسیدن طفل اندیشه انسانی (یعنی رسیدن به مقام و مرتبه ایمان) تدارک دیده است.

10. آن چه مسلم است هر شهری حدودی دارد و حدود شهر قرآن (به دلیل جنسیت آسمانی اش) همان فراغت آن از هر حد و مرزی است. همان گونه که در بیت پیشین آمده حقیقت کمال یافته شهر قرآن همان "حق یقین" است. شروع این شهر آسمانی همان شروع بنای آفرینش است، و بنای آفرینش "برحق" است و "برحق بودن" به معنای "هدفمند بودن" است و شاهد این ادعا کلام حق عز و جل است که فرمود:

(وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ يَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ) (73) (73:6 انعام)،

(خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ) (44) (44:29 عنكبوت)

این شهر توحیدی (همانند اساس خود یعنی کلمه "انا لله وانا اليه راجعون") همان "صراط المستقیم" یا "راه خدا" است و جنسیت و ساختاری "از اویی" و "به سوی اویی" دارد. و "هدف" این شهر همان گونه "به کمال رسیدن طفل اندیشه انسانی" و بازگشت آن به مبدأ و اصل خود یعنی همان "حق" در مقام و مرتبه "یقین" و "حق یقین" (یعنی کمال معرفت اندیشه انسان نسبت به حق) است.

11. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: (أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ وَهِيَ الْجَنَّةُ وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ بِأَبْهَا فَكَيْفَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَلَا يَهْتَدِي إِلَيْهَا إِلَّا مِنْ أَبْهَا)؛ رسول خدا صلی الله علیه و سلم به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: ای علی من شهر دانشم و تو درب آنی و چگونه هدایت یافته ای به شهر هدایت شود مگر از درب آن. (شیخ صدوق، امالی، ترجمه کمره ای، ص 388)

12. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود به راستی در علی علیه السلام چند خصلت است که اگر یکی از آن ها در همه مردم بود در فضل آن ها بس بود هر که من مولای اویم علی مولای اوست؛ نسبت من به علی مانند نسبت هارون است به موسی علی از من است و من از او؛ نسبت علی به من چون نسبت خود من است به من طاعتش طاعت من است و نافرمانیاش نافرمانی من؛ جنگ با علی جنگ با خداست و سازش با علی سازش با خداست؛ دوست علی دوست خدا است و دشمن او دشمن خدا؛ علی حجت خدا و خلیفه او است بر بندگانش؛ دوستی علی ایمان است و بغض او کفر است؛ حزب علی حزب خداست و حزب دشمنانش حزب شیطان؛ علی با حق است و حق با او است این دو از هم جدا نشوند تا در حوض بر من در آیند؛ علی قسمت کننده بهشت و دوزخ است؛ هر که از علی جدا شود از من جدا شده و هر که از من جدا شود از خدای عز و جل جداست؛ شیعیان علی همان کامجویان روز قیامت اند (شیخ صدوق، امالی، ترجمه کمره ای، ص 89).

13. اشاره ای است به بخشی از حدیث فوق که (رسول خدا) فرمود: علی حجت خدا و خلیفه او است بر بندگانش؛ علی قسمت کننده بهشت و دوزخ است؛ نسبت علی به من چون نسبت خود من است به من طاعتش طاعت من است و نافرمانیاش نافرمانی من (همان مأخذ)

14. علاوه بر آیه شریفه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي) امام هادی علیه السلام در شأن حقیقت وجودی انسان کامل و امام معصوم می فرماید: (وَبِكُمْ يَنْفَسُ الْهَمُّ وَبِكُمْ يَكْشِفُ الضَّرُّ)؛ به واسطه شما اندوه از دل می رود و از طریق شما گرفتاری از زندگی برطرف می گردد. (قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان زیارت جامعه کبیره).

15. همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: ای علی من شهر دانشم و تو درب آن هستی و به شهر در نیابند جز از درش دروغ گوید آن کسی که معتقد است مرا دوست داشته و تو را دشمن دارد؛ زیرا تو از منی و من از تو گوشت تو گوشت من است و خونت خون من، روح تو روح من است، و درون تو درون من است، و آشکار تو آشکار من، تو امام امت منی و خلیفه

من. پس از من، خوشبخت است آن که فرمانت برد و بدبخت آن که نافرمانی ات کند، سودمند آن که دوستت دارد و زیانمند آن که دشمنت دارد کامیاب است آن که ملازم تو است و هلاک است آن که از تو جداست؛ مثل تو و امامان پس از تو چون کشتی نوح است و هر که بر آن سوار شد نجات یافت و هر که از آن جدا افتاد غرق شد و مثل شما چون ستارگان است هر گاه ستاره ای نهان شود ستاره ای عیان گردد تا به روز قیامت. (شیخ صدوق، امالی ترجمه کمره ای، متن 269، مجلس چهل و پنجم).

16. این بیت و سه بیت پیش از آن در حقیقت اشاره ای است به بخشی از حدیث فوق است که (رسول خدا صلی الله علیه و آله) فرمود: سودمند آن کسی است که تو را دوست دارد و زیانمند آن که دشمنت دارد؛ کامیاب آن کسی است که ملازم تو است و هلاک است آن که از تو جداست (همان منبع).

17. با اشاره به حدیث (هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟) (آیا دین چیزی جز محبت است؟) از امام صادق علیه السلام، منظور از "شهر عشق" همان "شهر دین" است، و "دین" همان "قانون"، و "مدینه" همان "محل حکومت قانون" است. بنابراین امام و حجت خدا در "شهر دین" امام علی علیه السلام است.

18. اشاره ای است به جملات (وَأَسَدٌ مَاؤُكُمْ فِي الْأَسَدِ مَاءٍ وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَأَزْوَاحُكُمْ فِي الْأَزْوَاحِ وَأَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ وَأَثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ) از زیارت جامعه کبیره از امام هادی علیه السلام، حقیقت وجودی "انسان کامل" و هر یک از مصادیق بارز آن یعنی امام های معصوم و علی الخصوص نخستین ایشان امام علی علیه السلام به عنوان "جان جهان" مورد خطاب قرار گرفته است (زیارت جامعه کبیره).

19. اشاره ای است به فراز "وَأَنْتُمْ مَنَارُ الدِّيَارِ": (و شما مناره های شهرها هستید) از زیارت جامعه کبیره از امام هادی علیه السلام (قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، همان منبع).

20. اشاره ای است به فراز (وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَحُجَجُ الْجَبَّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتِمُ) از زیارت جامعه کبیره از امام هادی علیه السلام.

21. با اشاره به حدیث قدسی (كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِأَعْرِفَ)، و نیز سخن امام هادی علیه السلام که در تعریف شأن و مرتبه وجودی انسان کامل فرموده اند این بیت اشاره دارد به این حقیقت که هدف از آفرینش جهان و مخلوقات آن همانا آفرینش بستری است تا در آن "زندگی انسانی" یعنی "نمایش شکوهمند مظهریت مقام خلیفه الهی و وجه الهی انسان کامل محقق گردد. (برای اطلاعات بیشتر در باب حدیث قدسی رک: امام صادق، مصباح الشریعه، ترجمه و شرح مصطفوی،

22. آن چه در شرح مصرع "خلق عالم بر رخت شیدا شده" می توان گفت این است که: با اشاره به آیه شریفه (فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ) (29) (29:15 حجر)، "سجده مجموعه" آفرینش (اعم از جن و ملک) بر انسان کامل به عنوان نشان از شیدایی ایشان نسبت به حقیقت وجودی حضرت حق عز و جل مورد توجه قرار گرفته است.

23. منظور از "مقصد" در مصرع "کوچه های شهر را مقصد توئی" همان الگو بودن و نمونه بودن مقام انسان کامل مورد هدف است که در آیه شریفه (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا) (21) (21:33 احزاب) به آن اشاره شده است.

بر این اساس، اندیشه، گفتار و کردار رسول گرامی صلی الله علیه و اله و هر یک از امام های معصوم شیعه علیهم السلام مقصد راه کمال جویانه هر یک از ساکنین شهر قرآن در هر دو حقیقت متحد الاعضاء شریعت و طریقت، و مراد از "کوچه های شهر" همان موضوعات گوناگون مطرح در زندگی انسانی است.

24. مراد از "شهر قرآن" یا "شهر" همان حقیقت واحده انسان یعنی "انسان کامل" و حقیقت واحده وجودی او یعنی "عقل کل" است. سه واژه "شهر"، "مدینه" (city) همه و همه به معنی محل تجلی و اجرای قانون است و شهر قرآن نیز محل تجلی قانون خدا و قانون خدا نیز خود محل تجلی عقل کل است انسان کامل یا شهر قرآن (در اندیشه و حکم و رفتار) به تمامی محل تجلی قانون خداست و لذا [از آن جا که ذات عقل کل و مظهریت و تجلیات آن (یعنی قانون دائماً نوشونده شهر) را هیچ حد و مرزی نیست] مقام و مرتبه انسان کامل یا همان شهر قرآن "مقام بی مقامی" بوده و در این شعر نیز به عنوان "حقیقتی آزاد از هر محدودیت" مورد اشاره قرار گرفته است منابعی که در پشتیبانی این معنی (یعنی بی مقامی انسان کامل) می توانند مورد استناد قرار گیرند به ترتیب می توان از آیه و روایت زیر نام برد:

الف) (سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ) (21) (21:57 حدید)

(ب) (... صَحَبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانِ أَرْوَاحِهَا مُعَلَّقَةً بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى...) (ارشاد القلوب الى الصواب، ج 2، ص 315؛ همچنين رك: نهج البلاغه حكمت ها)

صفت "بی مَر" بودن برای شهر (به معنی بدون راه و محل عبور) نیز اشاره ای تمثیلی به یک پارچگی و وحدت ذاتی آن شهر و اعضای آن دارد به عبارت دیگر این شهر (در عین مطرح بودن کثرت عرضی و مجازی اعضا در آن) وحدتی ذاتی دارد و این معنی کنایه از این است که شخص در هر نقطه از شهر که باشد به مقصد حقیقت رسیده است.

25. با توجه به جمله (و بِأَسْمَانِكَ الَّتِي مَلَأْتِ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ)؛ (و به نام هایت که ارکان وجودی هر چیزی را پر نموده است) از دعای شریف کمیل و با دقت در این که حقیقت اسمای الهی مورد اشاره قرار گرفته در این دعا با توجه به حدیث امام باقر علیه السلام در تفسیر چیستی حقیقت اسماء مورد تعلیم به آدم علیه السلام (نقل در طباطبائی، تفسیر المیزان) همان حقیقت وجودی انسان کامل است جان (یا ملکوت) هر صورتی و هر صورتی از زیبایی همان اسم الله اعظم یعنی علی علیه السلام است.

26. آن چه در شرح معنای این بیت نیز می توان گفت آن است که مراد از شهر قرآن شهری است از جنس اندیشه جمعی انسان ها (و البته اندیشه ای کمال یافته و به وحدت رسیده) و بدیهی است قلب پاک چنین شهری همان عقل یا اندیشه پاک و به دور از خطای انسان کامل است و در شرح معنای مستتر در مصرع دوم، نیز جاری رگ های این شهر (یعنی خون زندگی بخش آن) همان گفتار علی علیه السلام است که زندگی حقیقی (یعنی عقل مندی در رفتار و گفتار ساکنین شهر را) به جریان می اندازد.

27. در این بیت نیز قلب یا اندیشه انسان کامل (یعنی عقل کلی) در مقام مسجد جامع شهر است که محل و مظهر وجدان وحدت اعضای شهر (یا همان عقول جزئی ساکنین شهر انسان) است و از واژه های مرکبی چون "میدان حقیقت" و "بحر بی کران" به منظور بیان نمادهایی برای بیان ذاتی بودن جنس وحدت حقیقیه عقل کلی و بیکرانگی آن استفاده شده است.

28. در این بیت نیز وحدت ذاتی حق در مظهریت این جهانی خود (یعنی انسان کامل) سبب بر وحدت داشتن همه ساکنین بر موضوع عشق شده و وحدت ذاتی عشق نیز سبب به وحدت رسیدن دل یا همان عقل ساکنین شهر می شود از منابعی که در این بیت مورد استناد قرار گرفته اند به ترتیب می توان از آیات و روایات زیر نام برد:

1- (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ

2- (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى سَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ) (103) (103:3 آل عمران).

29. در بازار شهر اندیشه مشتریان همه به دنبال متاعی هستند تا با آن نیاز خود را در جهت نیل به کمال (یعنی خداگونه شدن) برطرف نمایند و آن کالا نیست مگر صورتی از مظهریت عقل کلی که البته خود تنها آئینه گردان جمال و جلال آن محبوب، معروف یگانه و برترین (یعنی الله) است. آیه شریفه زیر می تواند در این خصوص مورد استناد قرار گیرد:

(وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (3) إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ) (4) (4 و 3: 53 نجم)

30. در شهر قرآن مقصود از تصویر هر طرح و هر نقشی همان آئینه گردانی وجه یا جوهری از حضرت محبوب است. به مصداق آیه شریفه (وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) (115) (115:2 بقره) هر آن چه در این شهر است، همگی شاهد و مثالی برای نمایش حسنی از یار و صفتی از صفات جلال و کمال اوست.

31. معمولاً بر سر هر کوچه عنوان آن کوچه (که قاعدتاً بایستی از هویت انسانی و فرهنگی - عقیدتی ساکنین آن خبر دهد) در تابلویی نصب می شود در شهر قرآن (یا همان مدینه فاضله اسلامی) نیز بر سر هر کوچه تابلویی وجود دارد و عنوانی بر روی آن خودنمایی می کند و گویای هویت فکری و رفتاری ساکنین آن است. طبیعتاً (با توجه به گوناگونی شخصیت انسانی و ساختار خاص فکری ساکنین هر کوچه) عناوین کوچه ها نیز با یک دیگر در صورت ظاهری کلمات با یکدیگر متفاوت اند. لیکن نکته حائز اهمیت آن است که همه این عناوین به ظاهر متفاوت همچون تصاویر گوناگونی که از نقاط مختلف و زوایای گوناگون از موضوعی واحد تهیه شده اند و همگی اگرچه هر یک صفات گوناگونی را تعریف و تصویر می کنند لیکن همگی در تعریف و تصویر موضوع واحدی می کوشند، و هر یک از زوایای خاص سعی بر ارائه شرح و تصویری خاص از صفات گوناگون (و البته بی نهایت)

عقل کُلی دارند. واژه "مو" نیز در فرهنگ عرفانی همچون واژه های "زلف" و "گیسو" و... همه نشان از کثرت دارد (البته کثرتی که ذات و حقیقت آن در عین وحدت است).

32. خانه (در هر جامعه و فرهنگی) محل امن و آرامش انسان است و لذا در فرهنگ اسلامی نیز، مطابق با آیه شریفه (الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (28) (28:13 رعد) و (به مصداق شعر حکیمانه "هر کسی کو دور ماند از اصل خویش *** باز جوید روزگار وصل خویش) به آرامش و به امن رسیدن حقیقت انسان (یعنی عقل) تنها با یاد خدا (یعنی همان اصل انسان و عقل کل) ممکن و میسر است.

33. در فرهنگ اسلامی، مسجد محل عشق بازی حبیب با محبوب است و محبوب خواسته تا ساکنین شهر عاشقان همگی در خانه های خود مسجدی (که خلوت گاهی برای راز و نیاز با محبوب مقصود خویش) داشته باشند و خانه ای از جنس اندیشه محرایی از همان جنس باید و آن نیست مگر "ماه چهره اندیشه کمال یافته علوی" (یعنی همان مظهریت عقل کُلی).

از منابعی که در این بیت مورد استناد قرار گرفته اند به ترتیب می توان از آیات و روایات زیر نام برد:

1- آیه (وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَ مِنْ أَصْوَابِهَا وَأُوبَارِهَا وَ أَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَ مَتَاعًا إِلَى حِينٍ) (80) (80:16 نحل)؛ (و خدا برای شما بخشی از خانه هایتان را محل سکونت (و آرامش روحانی) شما قرار داد)

2- آیه (وَ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّآ لِقَوْمِكَمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ) (87) (87:10 یونس)؛ (و به موسی و برادرش وحی کردیم که: «برای قوم خود خانه هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید؛ و خانه هایتان را مقابل یک دیگر (و یا رو به قبله، و در حکم مسجد) قرار دهید! و نماز را برپا دارید! و به مؤمنان بشارت ده (که سرانجام پیروز می شوند!)» (برای اطلاعات بیشتر در مورد تفسیر ارائه شده فوق از آیات ر.ک: طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان)

در ضمن در شرح معنای مصرع "خلوت هر خانه صحن کعبه ات" آن چه می توان گفت آن است که: مراد از "خلوت هر خانه" همان "نمازگاه خانه" است میعادگاهی که بنده با معبود محبوب خویش به راز و نیاز می نشیند لیکن چنان چه شهر قرآن را همان شهری از جنس اندیشه بگیریم، قلب هر فرد (یا همان خلوت اندیشه هر فرد) همان حقیقت مسجد و بلکه عرش معبود رحمان است. در احادیث شیعی به نمونه های متعددی بر می خوریم که انسان کامل به عنوان حقیقت خانه حقیقت کعبه (یا خانه خدا) معرفی شده است از آن جمله امام باقر علیه السلام در شرح همین معنی (در طول حدیثی بلند) فرمود.... و (من هستم) "خانه رحمت"، و (من هستم) "کلید حکمت" و (من هستم) "معدن علم"، و (من هستم) "محل رسالت"، و (من هستم) "محل آمد و رفت ملائکه"، و (من هستم) "گنجینه ای که سر الله" در آن قرار داده شده، و (من هستم) "امانت خدا" و امانتی که بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه شد و (من هستم) "حرم اکبر خدا"، و (من هستم) "بیت الله عتیق"، و (من هستم) "پیمان خدا (با بندگان او مبنی بر عدم فرمانبرداری از شیطان)".... (ر.ک: مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج 23، ص: 244، اسلامیة، تهران، بی تا).

*ترویج زیباشناسی و هنر دینی بر پایه تعالیم اهل بیت علیهم السلام در آرمان شهر رضوی/عباس عبدالله پور (1)

چکیده

الهیات هنر شاخه ای از الهیات کاربردی و شیوه های کاربرد هنر در عرضه و ارائه پیام دین و تبلیغ دینی از کانونی ترین بحث های رشته الهیات هنر است.

معرفت زایی، معنابخشی و پشتیبانی از اصول اخلاقی، معنا و نشاط بخشی به زندگی، اعتلای فرهنگ و تمدن و... به مدد آفرینش های هنری دینی، تأثیری فزون تر و رونقی پایدارتر خواهد یافت.

بی گمان جایگاه و مرتبت دین در جهان پیش رو، تابع متغیرهایی است که از اساسی ترین و مهم ترین آن ها واکنش و درکوشی کارگزاران و عالمان نهاد دین در پاسخ گویی به نیازها و مسائل انسان معاصر خواهد بود.

جریان گسترده و مدام ارائه و دریافت اطلاعات و ریزش سیل آسای اخبار و دسترسی سریع، آسان و وسیع به ارتباطات سرفصلی نور در باز تحلیل و تبیین کارکردهای فردی و اجتماعی هنر دینی فرا روی دینداران فرزانه می گشاید و آنان را به درنگی هوشمندانه و بلند نظرانه فرا می خواند.

در این نوشتار با تبیین مؤلفه ها، لوازم و آثار هنر دینی، نخست به برخی آسیب ها و تهدیدهایی که هنر دینی در روزگار ما با آن ها روبه روست پرداخته ایم و در خاتمه راهکارهایی در حوزه آموزش برای ترویج هنر دینی ارائه کرده ایم.

واژگان کلیدی: الهیات هنر، هنر دینی، آسیب ها و تهدیدها، راهکارها، ترویج آموزش هنر

ص: 49

گرچه چنین می نماید که دانش الهیات (1) (Theology) با امور زمینی و زندگی دنیوی کاری ندارد و جز درباره فرشتگان و عوالم آخروی بحث نمی کند و گستره بحث آن یکسره آسمانی و ملکوتی و لاهوتی است، اما از آن جا که این علم به بحث و کاوش درباره خداوند می پردازد و با بهره گیری از عقل و استخدام روش علمی به تدوین اصول ایمان و تجربه دینی بشر می پردازد، با زندگی عینی آدمی پیوندی وثیق دارد.

«در واقع کار اصلی یک تئولوگ تفسیر ایمان و تجربه دینی است... تئولوژی نه تنها یک بحث انتزاعی استعلایی و مفهومی درباره خداوند، بلکه بحث درباره خدا و جایگاه او در هستی و ارتباط او با خلق و انسان و موضع انسان در طبیعت و آفرینش گری او و چگونگی تبیین این رابطه و تجربه دینی بشر برای وصال مجدد و لقای پروردگار.

بحث از ارزش، هدف و معنای زندگی و رسالت و جایگاه آدمی و چگونگی

ص: 50

1- این دانش در اصل و در کاربرد نخستین و معنای لغوی اولیه اش به معنای بحث درباره خدا (Discussion about God) بوده است. سخت گفتن درباره خدا (Talk of God) یا شناخت خدا از دیگر معادل هایی است که برای آن به کار رفته است. در زبان یونانی تتوس به معنای خدا و لوگوس به معنی شناخت، فهم، دلیل، فکر، بحث و استدلال بوده است؛ لذا برای دانش تئولوژی نیز یزدان شناسی، ایزدشناسی، علم الهیات، علم کلام، علم لاهوت، (به خصوص میان عرب زبانان) و تعبیراتی از این گونه به کار می رفته است (همتی، همایون، فهم هنر و هنر دینی، ص 63 - 64).

نیل به رستگاری و نجات در آخرت و امید و با نشاط زیستن در همین دنیا.

دانش الهیات نوعی فعالیت و کاوش نظری برای تفسیر ایمان و توضیح رابطه مقولاتی مثل فرهنگ، هنر... با امر دینی (Religious) و امر معنوی (Spiritual) است» (همتی، همایون، فهم هنر و هنر فهم، ص 31).

امروزه با گسترش و تعمیق مطالعات و تحقیقات در حوزه دین از سوی مراکز علمی و دانشگاه های معتبر جهان دانش الهیات با حضور و ایفای نقش در عرصه مسائل زندگی انسان معاصر دیگر دانشی انتزاعی نیست بلکه می کوشد با فراهم آوردن پاسخ ها یا راه حل هایی برای پرسش ها و مشکلات عینی بشر این روزگار به کار آید.

بنابراین، الهیات کاربردی (Applied Theology) از مهم ترین شاخه های الهیات معاصر قلمداد می شود.

«و امروزه الهیات هنر هم شاخه ای از الهیات کاربردی است که می کوشد با به کارگیری روش های علمی نوین به مطالعه هنر و تأثیر و تعامل آن با ایمان دینی پردازد. بررسی نقش ادیان در تکوین و بالندگی هنرهای گوناگون جایگاه زیبایی در تعالیم، دینی بعد زیباشناختی، دین پیوند زیبایی با سرشت آدمی زیبایی های جهان آفرینش که تجلی خداوند است و چگونگی کاربرد هنر در عرضه و ارائه پیام دین و تبلیغ و دعوت، دینی از بحث های مهم رشته الهیات هنر است» (همان، ص 68)

مسائلی چون رابطه هنر با رستگاری و نجات نقش هنر در آفرینش ایمان و تعمیق و حفظ آن تأثیر هنر در دور داشتن آدمی از گناه و آرامش بخشی به وی

از مباحث جدی و کانونی رشته «الهیات هنر» است.

بنابراین، هنر و زندگی پیوندی ناگسستنی می یابند بلکه زیستن خود یک هنر است و بزرگ ترین و والاترین اثر هنری، خویشتن ماست.

از سوی دیگر با بهره جویی از جلوه های هنری کارکردهای فردی و اجتماعی دین پایدارتر و فراگیر خواهد شد.

بی گمان معرفت زایی، معنا بخشی و پشتیبانی از اصول اخلاقی، معنا و نشاط بخشی به زندگی دنیایی اعتلای فرهنگ و تمدن و ... از سوی دین - به مدد آفرینش های هنری دینداران - جلا و رونقی دیگر خواهد یافت و غنا و تأثیر آن فزونی خواهد گرفت.

بدین خاطر شناخت هنر، سبک ها و فرم های هنری مبانی و مؤلفه های هنر دینی و... از سوی دینداران ضرورتی انکارناپذیر می یابد.

پس شایسته است دینداران به باز شناخت مؤلفه های هنر دینی دستی برآرند و با درنگی از سر، وظیفه به کارکردهای هنر دینی بپردازند.

به ویژه در روزگار ما (دوران مدرنیته و عصر اطلاعات و ارتباطات) باید ارزیابی و بازشناسی دست آوردها و آرمان های هنر دینی و جبهه همت دینداران دانشور و کمال جو باشد تا از رهگذر آن جایگاه سترگ و شکوهمند دین در جهان آینده همواره تداوم یابد و بر پویایی آن پیوسته افزوده گردد.

بی گمان جایگاه دین در جهان پیش رو تابع متغیرهایی است. از متغیرهای اساسی و اصلی آن واکنش و تلاش کارگزاران و عالمان نهاد دین در پاسخ گویی به نیازها و مسائل انسان معاصر خواهد بود. جریان گسترده و مدام

ارائه و دریافت اطلاعات و ریزش سیل آسای اخبار و دسترسی آسان و وسیع به ارتباطات سرفصل نوینی را در تحلیل و تبیین کارکردهای فردی و اجتماعی هنر دینی فراوری دینداران فرزانه می‌گشاید و آن‌ها را به درنگی هوشمندانه و بلند نظرانه درباره پدیده «جهانی شدن» فرا می‌خواند.

هنر دینی، میان دنیا و آخرت و غیب و شهادت پیوند می‌زند چندان که جان آدمی به امداد آن با خواندن آیات و نشانه‌های ربوبی در پهن دشت آفرینش و صحیفه دل و جان خود و بیان خلاقانه آن از تخت بند تن می‌دهد و به عزت واقعی حقیقت و علت وجودی خود (یعنی پرستش و بندگی خداوند سبحان) می‌رسد؛ (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (56) (ذاریات 57)

تعریف هنر دینی

«هنگامی که ما تعبیر هنر دینی را به کار می‌بریم مقصودمان چیست؟ آیا مقصود این است که موضوعات (Themes) دینی در هنر به کار رفته است؛ یا مقصود این است که هنرمندان خلاق و دیندار محصولاتی خلق کرده‌اند؛ یا مقصود این است که یک اثر هنری (work of Art) به سفارش نهادهای دینی مثل کلیسا، حوزه علمیه یا صنف خاصی - مثل روحانیت - ساخته شده است و خلاصه دینی بودن مربوط به خود اثر هنری است یا شخص هنرمند یا مکان و زمان مورد استفاده اثر هنری و یا سفارش دهندگان آن؟» (همان، ص 56)

«محققان معاصر بر این باورند که تعبیر هنر دینی تعبیری مسئله‌انگیز است و در عین آسانی بسیار دشوار؛ زیرا امکان استفاده از سوژه‌های دینی برای مقاصد غیر دینی همیشه وجود دارد به همین سبب بعضی محققان کوشیده‌اند تا

معیار دینی بودن را تابع جهان بینی (World view) و عقاید (beliefs) هنرمند قرار دهند و اثر هنری را بازتاب این جهان بینی و عقاید بدانند؛ یعنی اگر هنرمند دیندار بود هنر او نیز دینی است و اگر بی دین بود هنر او نیز غیر دینی است؛ زیرا اثر هنری چیزی جز بازتاب عقاید هنرمند و جهان بینی او نیست» (همان، ص 56-57).

برای دستیابی به تعریفی فی الجمله پذیرفتنی از «هنر دینی» نخست باید معلوم بداریم که معنای «هنر» چیست و مراد از «دین» کدام است دشواری های فراوان تعریف هنر بسیاری از دانشوران را وادار ساخته تا به «تعریف توصیفی» و «تلفیقی هنر» دست زنند و از پرداختن به «تعریف ماهوی هنر» دست بشویند جمعی «به نظریه محاکات و تقلید» افلاطون متوسل شوند و گروهی نیز از «نظریه مبتنی بر احساس گرایی» لئو تولستوی مدد بگیرند.

از سوی دیگر لازم است که به تبیین مرادمان از دین مبادرت ورزیم. آیا از دین مناسک دینی را مراد کرده ایم یا عقاید و معارف دینی را؟ آیا از دین متون و اعمال دینی به چشم کرده ایم یا سازمان ها و نهادهای دینی را؟...

باری از آن جا که در تبیین ماهیت هنر نظر فیلسوفان و هنرمندان و دانشوران با توافقی اگرچه فی الجمله نیز همراه نیست و از سوی دیگر تعریف دین هم با ابهامات و دشواری های فراوان پیوند خورده است چگونه می توانیم به تعریفی روشن و پذیرفته همگان از هنر دینی دست یابیم؟!

لیک با پرهیز از گرفتار آمدن در کمند دشواری های تعریف «هنر دینی» و ملاحظه سطوح و مراتب دینی بودن هنر دینی را چنین تعریف می کنیم:

«هنری که مصنوع هنرمندی، دیندار ملتزم به دین ورزی و دارای جهان بینی دینی باشد؛

هنری که روش غایت و فرآیند خلق آن اثر نیز صبغه و رایحه دینی داشته باشد؛

هنری که تأثیر دینی در پی داشته و موجب انگیزش احساس دینی و رفتار دینی بشود؛

هنری که زیبایی تناسب هماهنگی و انسجام را متبلور سازد و در اندیشه احساس و رفتار و نگرش آدمی نفوذ و رسوخ کند و او را به دینداری عاشقانه، آگاهانه، به دور از تعصّب خودخواهی، تنگ نظری و رکود و تسلیم بکشاند که درد انسان ها را احساس کند و مرهمی باشد برای تسکین آلام دردمندان و «دغدغه های وجودی» (Existential Questions) را در بشر بیدار سازد؛

هنری که پرسش های سترگی همچون پرسش از مرگ، مبدأ وجود، هدف زندگی، حقیقت آدمی، اسرار آفرینش و... را مطرح سازد و هنری که موجب رهایی آدمی از بند نفس و تعلقات پست روح گش شود و آدمی را از خاک بالاتر برد؛

همه این ها هنر دینی اند با سطوح و مراتب مختلف» (همّتی، همایون، فهم هنر و هنر فهم ص 61)

مؤلفه های هنر دینی

الف) معنی بخشی به زندگی بشر

بشر برای معناداری زندگی خویش ناگزیر از گریزی هدفمند از تکرار و

روزمرگی است و آن چه این هدف را تأمین می کند «خلاقیت و آفرینش» است که بی آن حیات آدمی بی معنا می باشد.

در این میان، دین با مدیریت حیات بشر می کوشد تا با ارائه برنامه ها و آموزه هایی و حیانی او را در رسیدن به معنای زندگی - یعنی خلاقیت - مدد رساند.

دین به مدد الهام معنوی به هنرمند از آن چه سعادت و رستگاری او را فراهم می آورد آگاه است از گرایش و نیاز بنیادین آدمی به بیان خلاق (آفرینش هنری) پشتیبانی می کند. دست آورد چنین عنایت و حمایتی، پویایی ایمان و بهجت و شادابی معنوی هنرمند و تقویت باورها و ارزش های دینی و فضایل اخلاقی و عقلانی خواهد بود چرا که «هنر» در اندیشه ارسطو یکی از فضایل عقلانی است. (1)

ص: 56

1- ارسطو در فصل سیزدهم از کتاب «اخلاق نیکوماخوس» خود فضایل را به دو دسته فضایل اخلاقی و فضایل عقلی تقسیم می کند. این تقسیم بر پایه تقسیم دیگری است که خود او برای نفس دارد. ارسطو بر آن است که نفس از دو جزء فراهم آمده است یکی جزء متعقل و دیگری جزء نامتعقل او فضایل مربوط به جزء متعقل نفس را فضایل عقلانی و فضایل مربوط به جزء نامتعقل نفس را فضایل اخلاقی نامیده است. فضایل عقلانی با تفکر و آموزش به دست می آیند و فضایل اخلاقی از راه عادت. فضایل عقلانی در یک تقسیم کلی به دو قوه عالمه (to epistemonikon) و قوه محاسب (to Logistikon) تقسیم می شود. یکی از فضایل قوه، محاسب تکنه (techne) (تکنیک، هنر) است و دیگری فرونسیس (Phronesis) (بصیرت تدبّر) (ارسطو، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه و تمهید: صلاح الدین سلجوقی، کتاب اول، باب سیزدهم، ص 38-42)

فرایند جهانی شدن بر زبان هنر شیوه‌ها و سبک‌های هنری محتوا و پیام هنر اندیشه و جهان بینی هنرمند نحوه ارائه آفرینش و عرضه آثار هنری کارکردها و پیامدها و تأثیرات فرآورده‌های هنری و درک و تفسیر آن از سوی مخاطبان مؤثر خواهد بود.

بنابراین به درک استوار و متعالی مؤلفه‌های هنر دینی سخت نیازمندیم و هرگونه غفلت و کنندی در این باره میدان تاخت و تاز را به کسانی خواهد سپرد که هنر را مساوق با ژاژخایی و هرزه‌درایی و هذیان‌گویی و معنویت‌ستیزی و دین‌گریزی و تر دامنی و آلوده‌جانی قلمداد می‌کنند.

هم‌ایشان با سودجویی از غفلت دینداران و راستان و پاک‌جانان میان هنر و دین، هنر و اخلاق، هنر و مسئولیت، هنر و معنویت، هنر و آرمان‌خواهی، هنر و آرمان‌شهرجویی شکافی هولناک و چاله‌ای پُر ناشدنی و تباینی پایان‌ناپذیر دیده‌بوی زهرآگین سودای‌پلید خود را به مدد ابزارهای نوین و پیشرفته ارتباطی همه‌جا می‌پراکنند.

(ب) جلوه‌گاه امر الهی

در اندیشه دینی «عالم»، «صنع الهی» و خداوند سبحان صانع آن است.

ص: 57

مراد از صُنْع همان است که ما از آن به «هنر» یاد می‌کنیم. بنابراین «عالم» یک اثر هنری است که به دستِ خالقِ جمیل آفریده شده است. مهر و نشان آن خالق بی‌همتا بر آفریده خود که به مدد آن به آفریننده ره می‌بریم، همان «حُسن» است.

بنابراین هر زیبا در این عالم جلوه‌گاه و نشانه‌زیبایی خالق و آفریدگار آن است.

با همین عنایت اصطلاح هنر دینی (Religious Art) در زبان انگلیسی به کار گرفته شده که از کلمه لاتینی (Religat) یعنی آن چه ما را به خدا پیوند می‌دهد مشتق شده است.

و بر همین پایه، برخی هنر دینی را به هنری که مخاطب را از حضور امر الهی آگاه می‌سازد، تعریف کرده‌اند.

البته خداوند سبحان با قلم صنع به ابداع می‌کوشد و بر لوح عدم نقش می‌زند و از عدم به هستی می‌آورد.

(بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ) (117) (بقره/117) آن ماه حُسن است که به آفرینش موجودات عالم بی‌آن که پیشینه و نمونه‌ای داشته باشند قامت راست می‌کند و چون تقدیر و قضا فراهم شود و حکمت اقتضا کند به ایجاد موجودات دست می‌یازد.

از سوی دیگر خداوند بی‌انباز و نیاز نه فقط به «خلق» اشیاء، بلکه به «برء» و «تصویر» آن‌ها هم می‌پردازد:

(هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ

«فَيُعَلِّمُ مِنْ هَذِهِ الْجُمْلَةِ أَنَّ مَرْتَبَةَ الْبَرِّ بَعْدَ الْخَلْقِ وَقَبْلَ التَّصْوِيرِ، فَالْخَلْقُ مَقَامُ التَّقْدِيرِ وَالْبَرُّ مَقَامُ التَّكْوِينِ وَالْإِبْدَاعُ عَلَى وَفْقِ مَا قَدَرَ وَالتَّصْوِيرُ تَعْيِينُ الْخُصُوصِيَّاتِ فَحَقِيقَةُ الْخَلْقِ هُوَ إِبْدَاعٌ مَعَ التَّقْدِيرِ وَالتَّقْدِيرُ الْكُلِّيُّ الْعِلْمِيُّ أَوَّلُ مَرَحَلَةِ التَّكْوِينِ وَإِذَا انْتَهَى التَّقْدِيرُ إِلَى مَقَامِ الْعَمَلِ وَالْفِعْلِيَّةِ وَالْإِبْدَاعُ الْخَارِجِيُّ فَهُوَ الْبَرُّ ثُمَّ التَّصْوِيرُ» (مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن کریم، ج 1، ص 241).

از آیه یاد شده فهمیده می شود که مرحله «برء» پس از خلق و پیش از تصویر است بنابراین خلق مقام تقدیر و برء مقام ایجاد براساس آن چه مقدر شده و تصویر تعیین خصوصیات (موجود) است.

پس حقیقت خلق ایجاد براساس تقدیر و تقدیر کُلِّی علمی، نخستین مرحله تکوین است.

زمانی که تقدیر به مقام فعلیت و ایجاد خارجی می رسد به مرحله «برء» می رسیم و پس از آن مقام تصویر است.

شایسته است یادآور شویم که «برء» به معنای پیراستن موجودات از هر گونه عیب و نقص است (خواه در مرحله تکوین یا پس از آن) و ترتب میان خالق و باری و مصوّر بودن خداوند سبحان به تحلیل عقلی فراهم می آید و گرنه آن ذات مستجمع همه صفات کمال، (بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ) (117) (بقره/117) و خلق بر همه مراتب سه گانه تقدیر و

تکوین و تصویر اطلاق می شود چرا که خلق توامان هم شامل جهت نظری علمی و هم شامل جهت عملی خارجی می شود.

«و الأسماء الثلاثة تتضمن معنى الإيجاد باعتبارياتٍ مختلفةٍ و بينهما ترتُّب، فالتصويرُ فرع البرء و البرءُ فرع الخلق و هو ظاهرٌ» (الميزان، ج 19، ص 222)؛ اسماء سه گانه با اعتبارات گوناگون متضمن معنای ایجاد هستند و بین آن ها ترتُّب وجود دارد؛ یعنی تصویر، فرع بر برء و برء، فرع بر خلق است.

ج) موهبتی الهی

خداوندی که «مصور» از اسماء حُسنای اوست و به اسم حُسنایش تصویر می کند و به نگارگری می پردازد از مقامی بلند و رفیع آن چه را که بدان برآیند و بیاریند برای آدمی می آفریند و به آتش رهنمون می شود و در این کار بر وی منت می نهد: (يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ) (26) (اعراف/27)

«و توصیف اللباس بقوله: «یواری سواتکم» للدلالة على أن المراد باللباس ما تُرفع به حاجة الإنسان التي اضطرتة إلى اتخاذ اللباس و هي موارأة سواته التي يسوؤه انكشافها و أما الریش فأنما يتخذه لجمال زائد على أصل الحاجة» (الميزان، ج 8، ص 69)؛ توصیف لباس به این که شرمگاه شما را می پوشاند برای دلالت بر این است که مراد از لباس چیزی است که نیاز انسان را برطرف می سازد نیازی که او را به تهیه لباس وادار ساخته و آن پوشاندن شرمگاهی است که از آشکار شدن آن بدش می آید اما آدمی ریش (زینت) را برای زیبایی که افزون از اصل

نیاز است فراهم می آورد.

بنابراین، خداوند هدایت آدمی را به زینت و ریش (یعنی آن چه بدان خود را برکشند و رفعت خواهند و بیارایند) به خود نسبت می دهد. دو دیگر آن که با تعبیر به انزال (فروفرستادن) به زینت رفعت و رتبت می بخشد.

و در آیه: (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصَّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ) (32) (اعراف/32)

از آفرینش یکسان «زیب و زینت» برای همه بندگان خواه مؤمن یا کافر سخن گفته است.

به حکم عقل و داوری فطرت بر همه انسان ها رواست که از «زینت» بخت برخوردار داشته باشند و سخن حضرت حق در این باره، تنها مهر تأییدی بر حکم عقل و فطرت است.

«ثُمَّ يَذَكِّرُ بِالْإِسْتِفْهَامِ الْإِنْكَارِي أَنْ إِباحَةَ زِينَةِ اللَّهِ... مما لا ينبغي أن يُرتاب فيها فهو من امضاء الشرع لحكم العقل والقضاء الفطري» (الميزان، ج 8، ص 82)؛ با استفهام انکاری بیان شده که روا بودن زینت خدا از چیزهایی است که شایسته نیست در آن تردید شود. اباحه زینت، امضا و تأیید حکم عقل و داوری فطرت از سوی شرع می باشد.

باری، مؤمنان و دینداران به رأی فطرت و بارهنمون پروردگار یگانه که (يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمُّلَ وَ يَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ) و (إِذَا أَنْعَمَ عَلَيَّ عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ

يَرَى عَلَيْهِ أَثْرَةٌ) به زیبا و زیبایی، مایل و از ژولیدگی و دژمی، روی گردانند (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج 76، ص 141).

«اما هنرمند از «هستی» به «نمود» و از «غیبت» (و نه عدم) به «حضور» می آورد یعنی آن چه را که «پنهان» (Hidden) بوده «عیان» (Evident) می سازد. آفرینش هنری همانا آشکارسازی «امر پنهان» است از طریق تنزل آن به امر محسوس و طبیعی است چون تمامی حقیقت در «محسوسات» متجلی نمی شود، اثر هنری نیز قادر به نمایش اصل حقیقت نیست بلکه جلوه ای از آن را بر ملا می کند.

یعنی در عین حال که حس انس و الفت آدمی را بر می انگیزد، گونه ای غربت و نوستالژی را نیز به بار می آورد و مگر نه این است که ما از اصل خویش دور افتاده ایم؛ پس طبیعی است که در نگاه به آثار دینی حس «شوق و وصل» توأم با غربتی وجودی باشد که از هبوط به سراغ ما آمده است».

هنر دینی، آسیب ها و تهدیدها

الف) طرد علت قدسی

پیش از آن که به راهکارهای ترویج و اشاعه هنر دینی در آرمان شهر رضوی پردازیم به پاره ای از آسیب هایی که بر هنر دینی وارد آمده و تهدیدهایی که در کمین هنر دینی به ایلغار آن کمر بسته و پیایی بر آن یورش می برند، می پردازیم.

بنابر آن چه گفته آمد زیب و زینت؛ یعنی آن چه بدان «زیبا» کنند و «زیبایی» بیافرینند و تعالی یابند از موهبت های الهی است و منشایی والا و متعالی دارد. و هم از این رو «زین و زینت» را به دعا از او می خواهیم: (إِذَا أَخَذْتَ الْدُّهْنَ

عَلَى رَاحَتِكَ فَقَلِّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ الرَّزِينَ وَ الرَّزِينَ وَ الْمَحَبَّةَ (امام صادق علیه السلام، وسائل الشیعه، ج 1، ص 452)؛ خدایا آراستگی و زینت و محبت در دل ها را از تو می خواهم.

لیک غالباً در «هنر مدرن» آن سرچشمه عالی و علیت قدسی به کنار افکنده شده از حضور خداوند در آثار برساخته با این اندیشه و رویکرد خبری نیست. از میان مکاتب هنری در اروپا «مکتب پاراناسیسم» در مقابل هنر دینی قرار دارد. (پارناس، نام آپولون ربّ النوع یونانی است) در این مکتب آن چه مورد اهتمام قرار می گیرد خود زیبایی و با اندیشه ها و آرمان های متعالی انسان بیگانه است.

(به وجود آوردگان آثار هنری پیرو - چه آگاهانه و چه ناآگاهانه - وظیفه خود را در آن می بینند که هر چه بیشتر مردم را وادار کنند که از اثر هنری آنان لذت ببرند و کاری با آن ندارند که بر آگاهی ها و شایستگی ها و بایستگی های حیات مردم بیفزایند.

هدف گیری لذت در اثر هنری که تجسیمی از فعالیت ها و پدیده های لذت بخش مردم است بزرگ ترین عامل مزاحم درک مسئولیت ها و تعهدها و تزکیه و پرورش روانی است که احتیاج به تحمل ناگواری و گذشت و چشیدن تلخی ها دارد» (جعفری، محمدتقی، زیبایی و هنر در اسلام، ص 38)

(ب) جایگزینی رمز و راز با پوچ و یاوه

در اندیشه دینی هر پدیدار اشارتی به یک حقیقت متعالی و رازواری و رمز آمیزی جهان آفرینش سنتی الهی است و هم از این رو در هنر دینی، بیان

نمادین، رمزی و تمثیلی است.

هنر دینی بیان رمزی زیبایی های رازگونه عالم که از چشم دیگر مردمان پوشیده است می باشد.

هنر دینی اساساً «سمبولیک» است چرا که به رمز و راز از معنایی متعالی و پوشیده حکایت می کند.

لیک در «هنر مدرن» رمز و راز با «امر یاوه» (Absurd) یا «علامت ها» (sings) جایگزین شده است؛ یعنی در هنر مدرن به جای «رمز دینی» گونه ای «ابهام بی جواب» یا «بی معنایی وجودی» را نظاره گریم.

در هنر مدرن به جای معنا و کلید رسیدن به آن و ارائه نشانه ای از آن (رمز در هنر دینی) با نوعی اجمال و ابهام و آشفتگی عمدی روبه رو هستیم که نه تنها می توان به رمزگشایی آن نشست؛ بلکه اصلاً به رمزگشایی نیازی ندارند.

از سوی دیگر درک «علامت های» به کار گرفته شده در هنر مدرن با فهم معنای متعالی پوشیده در هنر نسبتی ندارد چرا که علامت ها جز به ظواهر پدیده های عالم نمی پردازند و درک آن ها تنها به استفاده هر چه بیشتر بشر از مصنوعات و کالاها بستگی دارد بنابراین اطلاق واژه «سمبولیک» بر هنر مدرن نارواست.

چرا که سمبل (Symbol) از ریشه سیمبولون (Sumbolon) به معنای «از نقص به کمال رفتن» می آید.

در یونان قدیم دو دوست سکه ای را از میان دو نیمه می کردند و چون با یک دیگر دیدار می نمودند دو نیمه سکه را کنار هم می نهادند که سکه ناقص کامل شود بدین کار «سیمبولون» می گفتند.

سمبل نیز با نیمهٔ دیگر خود (یعنی معنای پوشیده ای که از آن حکایت می کند) کامل می شود پس هیچ سمبلی بی معنا پوچ یا یاوه نیست و معنا نیمهٔ دیگر آن است که بدان کمال می یابد.

بنابراین کاربری هدفمند تمثیل و رمز در آثار هنری دینی، موجب می شود که هنر نسبتی بی واسطه با صور خیالی شخصی پیدا نکند و تنها تهییج احساسات و دامن زدن به تخیلات لجام گسیخته افراطی و انفعالات نفسانی بیهوده فراهم نیاید

ج) تمایز هنر محض از هنر کاربردی

«گاه ما از افتراق میان کاربرد و زیبایی در آثار هنری افسوس می خوریم و آرزو می کنیم که بار دیگر این دو جنبه با هم جمع شوند در واقع این آرزو بر این فرض استوار است که کاربرد و زیبایی دو امر مجزایند که زمانی در آثار هنر سنتی گرد می آمده اند و امروز از هم جدا شده اند آن چه از هنر سنتی به جا مانده غالباً کاربرد خود را از دست داده و به هنر محض امروزی نزدیک شده و محصولات کاربردی در بسیاری از موارد عاری از زیبایی و هنر است» (بهشتی سید محمد، زیبایی و کاربرد در هنر سنتی فصلنامه خیال، بهار 1382 ص 140).

هنر دینی مستظهر به «حکمت» است و این امر اقتضا می کند که در آثار هنری دینی به «زیبایی» آن ها بسنده نشود بلکه با سودمندی و کاربردی درخور همراه گردد؛ یعنی هم نیازی عینی در حیات بشری را پاسخ گوید و هم او را از حضور امر الهی آگاه سازد.

آناندا کو مارا سوامی، حکیم هندی و از شخصیت های برجسته نسل اول سنت گرایان معاصر بر آن است که: «در فرهنگ های بزرگ جهان، تزیین (Ornament) نه تنها تجمل نبوده، بلکه بر ویژگی های ضروری شیء با شخص دلالت می کرده است و از معنای اولیه این اصطلاح و مترادف آن در زبان ها نیز می توان این حقیقت را دریافت؛ مثلاً در زبان انگلیسی «تزیین» (Ornament) در اصل به معنای تأمین تجهیزات ضروری است واژه (decoration) به معنای «زینت» مشتق از (decoctum) به معنای «شایستگی» است و بر چیزی دلالت می کند که برای شیئی یا شخصی لازم است تا وظیفه اش را به درستی اجرا کند (بهشتی، سید محمد، زیبایی و کاربرد در هنر سنتی فصلنامه خیال، بهار 1382، ص 140).

در کلام نورانی معصوم (علیه السلام) نیز مؤمنان را رهنمون شده اند که «خیر» از نیکو رویان بخواهند چرا که آنان شایسته تر به نکوکاری از دیگران هستند، خوب رویانی که هم از حسن صورت و دیدار بهره مندند و هم از حسن کردار و رفتار برخوردارند: (أَطْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حَسَنِ الْوَجْهِ فَإِنَّ فِعَالَهُمْ أَحْرَى أَنْ تَكُونَ حَسَنًا) (مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج 74، ص 187).

چنان که در روایت یاد شده آمده است نیکو رویان نیک کردار نه فقط از صورتی نگارین برخوردارند بلکه در کار کام بخشی و منفعت رسانی و کارآمدی نسبت به حوائج و مسائل دیگران نیز سودمند و مؤثرند.

اگر در آثار هنری فراهم آمده از سوی هنرمندان دیندار زیبایی و رعنائی و کارآمدی و سودمندی فراهم آیند بر پویایی و تعالی هنر دینی افزوده خواهد

شد و این هنر در پاسخ گویی به نیازها و خواسته های انسان روزگار ما نقشی سزیده تر ایفا خواهد نمود.

راهکارهای ترویج هنر دینی

الف) آموزش هنرهای دینی

در کار آموزش هنر (به تأکید بر واژه هنر) نیز باید به هنر متوسل شویم، هنر آموزش هنر.

بنابراین هنرآوری در آموزش هنرهای دینی مستلزم آن است که به تأملی نو در شیوه ها و مبانی و مقدمات این امر همت بندیم.

بازاندیشی در مبانی و مقدمات و شیوه ها و روش های آموزش هنرهای دینی با عنایت به تحولات و مسائل بشر روزگار ما ضرورتی انکارناپذیر می یابد. هرگونه غفلت یا کوتاه اندیشی در این باره موجب می شود که آموزش ها به فرجامی نینجامند و اهداف کارکردی دین در این حوزه تأمین نشوند.

در نخستین گام بر بازنگری در مدیریت مراکز آموزش هنرهای دینی پای می فشاریم؛ چرا که (إِذَا قُلَّ أَهْلُ الْفَضْلِ هَلَكَ أَهْلُ التَّجْمُلِ)، چون فضلا اندک شوند، زیبایی پرستان به هلاکت رسند (غرر الحکم و دررالکلم، شرح آقا جمال خوانساری، ج 3، ص 192).

مدیریت هدفمند و آگاه به شیوه های پویا و کارآمد و نیازهای برین و عینی جامعه دینی و مسلط بر ابزار و امکانات نوین است که به توفیق و پیشرفت دست مییابد و ترویج و رونق هنرهای دینی را در پی خواهد داشت.

بنابراین در تأمین عقبه دانشی مدیریت آموزش هنرهای دینی به تبیین هدف و

تعیین رویکرد به هنرهای دینی و درک واقعی مسائل و نیازهای جامعه دینی و آگاهی از روش ها و ابزار تأمین کننده اهداف و تنظیم برنامه های آموزشی نیاز مندیم.

تا زمانی که در هر یک از مواد دانش پشتوانه نظری یا علمی آموزش هنرهای دینی به کفایت و توان لازم و کافی دست پیدا نکنیم ره به جایی نخواهیم برد. پس باید در مبانی و مبادی بحث از هنر دینی منقح سازیم که هنر در «هنر دینی» هنر برای «انسان در حیات معقول» است. «معنای هنر برای انسان در حیات معقول این است که ما هنر را... یک واقعیت بسیار با ارزش تلقی کنیم که حذف آن از قاموس بشری چندان تفاوتی با حذف انسانیت ندارد ولی... حیات معقول یک هنرمند آن است که... واقعیات ضروری و سودمند برای مردم را هدف قرار داده آن [بارقه ها را بارقه های ذهنی خود را] در روشن ساختن آن واقعیات به کار می برد و خواسته های معقول و احساسات عالی آنان را تفسیر و قابل درک و پذیرش نماید» (جعفری، محمدتقی، زیبایی و هنر در اسلام، ص 29).

پس مدیریت آموزش هنرهای دینی باید بر این باور باشد که گرچه در آثار هنری ابتداء احساس و عاطفه مخاطب هدف قرار می گیرد، اما آن چه در تقویت معرفت و ترویج فرهنگ دینی کارآمد است و آثاری پویا و ماندگار خواهد داشت ترغیب و وادار ساختن مخاطب به کنش های عقلانی و خردمندانه و سیر آب شدن احساس و عاطفه او از آبشخور عقلانیت و خردمندی است تا احساسات و عواطف هر چه ژرف تر اثر پذیرند.

به دیگر سخن تجربه زیباشناختی بیننده یا شنونده اثر هنری، تجربه ای باشد هر چه ژرفتر و شگرف تر و ناب تر و در عالی ترین مراتب آن به «احساس سعادت» پایان یابد. بدین خاطر باید به آموزش آن دسته از هنرهای دینی که از مبانی و مبادی استوارتر معرفت دینی برخوردارند (چون خوش نویسی که اصیل ترین هنر تصویری در اسلام است) اهتمامی در خور داشته باشند.

از دیگر درنگ های شایسته در کار آموزش هنرهای دینی (که درنگی آسیب شناختی در این باره است) پرهیز از «بیش آکادمیک» در بررسی آثار گذشته می باشد «که به آثار هنری اعصار پیشین همچون پدیده های تاریخی محض می نگرد که به گذشته تعلق دارند گویی درک هنر بدون آگاهی از شرایط تاریخی آفرینش آن محال است به رغم این دیدگاه نسبیست گرایانه... بیایید در پی زمان ندویم چرا که زمان همیشه سریع تر از ما خواهد بود. بیایید عناصر جاودانه در هنر پیشینیان خود را جست و جو کنیم. اگر این عامل جاودانگی را باز شناسیم ما نیز در چارچوب محتوم عمر خود قادر خواهیم بود از آن بهره بگیریم» (تیتوس بورکهارت، جاودانگی و هنر، نقش هنرهای زیبا در نظام آموزشی اسلام، ترجمه سید محمد آوینی، ص 36).

باری، با تطبیق دروس، سرفصل ها و شیوه های آموزش هنر با اهداف و آرمان های هنر دینی و نیازها و مسائل واقعی جامعه دینی می توان به برکات شوق آفرین هنر دینی چشم گشاد و به آینده تابناک و پرگهر هنر در این دیار بی عار و پرزیا امید بست.

راهکارهای ترویج هنر دینی:

1. آموزش هنرهای دینی: هنرآوری در آموزش هنرهای دینی مستلزم آن است که به تأملی نو در شیوه ها و مبانی و مقدمات این امر همت بندیم.

2. باید در مبانی و مبادی بحث از هنر دینی منقح سازیم که هنر در «هنر دینی» هنر برای «انسان در حیات معقول» است.

3. از دیگر درنگ های شایسته در کار آموزش هنرهای دینی که درنگی آسیب شناختی در این باره است پرهیز از «بیش آکادمیک» در بررسی آثار هنری گذشته می باشد. «که به آثار هنری اعصار پیشین همچون پدیده های تاریخی محض می نگرد که به گذشته تعلق دارند گویی درک هنر بدون آگاهی از شرایط تاریخی آفرینش آن محال است. به رغم این دیدگاه نسبیست گرایانه... بیایید در پی زمان ندویم؛ چرا که زمان همیشه سریع تر از ما خواهد بود. بیایید عناصر جاودانه در هنر پیشینیان خود را جست و جو کنیم اگر این عامل جاودانگی را باز شناسیم ما نیز در چارچوب محتوم عمر خود قادر خواهیم بود از آن بهره بگیریم.»

ص: 70

*بایستگی های مدیریت شهری در آرمان شهر اسلامی / علی اکبر نوایی (1)

چکیده

مدیریت شهری، زیربنای رشد اجتماعی و حاکمیت بهروزی و نیک فرجامی در آرمان شهر اسلامی و موجی از امواج کلی امامت اسلامی است توسعه شهری جامع و دینی پیوندی ناگسستنی با مقوله مدیریت شهری دارد مدیریت شهری در واقع هنر هماهنگ کردن عناصر انسانی و دیگر عناصر و امکانات در مسیر تحقق اهداف اصولی و کلان اسلامی است. ساختار مدیریت شهری تابعی از مسئله امامت است از این رو دارای حساسیت ویژه و چندوجهی است؛ زیرا می تواند به توازن و تعادل و نظام بخشی اجتماع کمک نماید.

اثر بخشی مدیریت شهری از جمله اندیشه های مدیریتی فعال و پویا و میزان دستیابی به اهداف و درجه نیل به آن ها است مدیریت اثر بخش دارای عنصر برنامه ریزی در ایست دغدغه اجرا و ارزیابی است؛ از این رو اثر گذار و سازنده است و برتر از مدیری است که فقط در راستای وظایف سازمانی عمل می کند

اثر بخشی شرایطی دارد از قبیل درک وظیفه و مسئولیت متخلق بودن به اخلاق فضیلت و دوری از اخلاق سود گرایانه و شخصی؛ زیرا که اخلاق فضیلت نقشی کلیدی در توسعه و تکامل شهری دارد.

منشور اخلاقی و مدیریت شهری عبارت اند از: وظیفه شناسی، مدیریت را امانت دانستن، دغدغه بندگان خدا را داشتن، معاشرت نیکو، صداقت، انتقادپذیری، رعایت حقوق عامه، دوری از آزمندی، اصل مشاوره، پرهیز از کبر و خودپسندی.

مدیریت شهری در حوزه سازمانی رسالت هایی دارد: نظیر نهادینه سازی رفتار مذهبی، تسلط نسبی بر مجموعه تجلی بخش خواست اجتماعی، در دسترس بودن، رشد و خلاقیت و ابتکار و نوآوری.

ص: 71

واژگان کلیدی: مدیریت شهر، اسلامی، اثر بخشی، وظیفه و مسئولیت، فضیلت، وظیفه، امانت، صداقت، انتقاد پذیری.

ص: 72

امید به پیروزی نهایی حق و غلبه نیکی ها بر پلیدی ها و حاکمیت بهروزی و نیک فرجامی برای بشریت و برقراری ارزش های انسانی و تشکیل «مدینه فاضله دینی» یا «آرمان شهر الهی» از مهم ترین امیدها و آرمان های بلند بشری است. این امید، در همه ادیان الهی تجلی یافته و از جمله مشترکات مهم ادیان الهی محسوب می گردد این مهم با مقوله مدیریت پیوندی ساختاری دارد؛ یعنی در فضای مدیریتی است که امیدواری، اجتماعی و حاکمیت اندیشه های متعالی روی خواهد نمود و در این صورت است که آرامش بخشی اجتماعی و ارزش مداری و حق محوری در درون واقعیت اجتماعی نهادینه خواهد گردید. مدیریت اسلامی مدیریتی حق گرا آرامش گرا امنیت آفرین و ثبات جو می باشد. مدیریتی که مصداق بارز و نمونه اصلی آن امامت اسلامی است که به گونه ای جوهری ساختار این مدیریت ذوب شدگی در حق زهد مداری و تقوا محوری و حق گرایی است. علاوه بر این خصوصیات، آمیخته با مدیریتی توانمند و ابتکاری خلاق و معطوف به اخلاق دینی و ارزش های بنیادین است. مدیریت مطلوب و بایسته شهری رکنی مهم از ارکان تحول بخش توسعه جامع دینی و الهی است و در ساختمان فلسفه سیاسی اسلام از جایگاهی والا و ممتاز برخوردار است؛ زیرا فلسفه سیاسی اسلام فلسفه پویایی و بهکرد امور اجتماعی و نهاد حکومت و قدرت و کلیه ساختارها و واحدهای اجتماعی در راستای ارزش های بنیادین اسلام است نقطه عزیمت این مدیریت، نظریه پویای توسعه همه جانبه و معطوف به آرمان ها و ارزش ها است. مدیریت

شهری، به واقع مجری سیاست های کلی و بلندی است که ملهم از روح تعالیم اسلامی است و امام به عنوان مقتدا و الگو و معیار عملی آموزه های دینی می خواهد آن ها را به مرحله عمل بگذارد.

با این نگاه بلند، مدیریت شهری در شهری دینی و الهی (که خود جزئی از کلیت مدینه فاضله دینی به شمار می آید) شهروندانی را می پرورد که با انگیزه تنظیم ساختمان کلی جامعه دینی اقبال همه جانبه ای را به ساخت نظام اجتماعی می افکنند و مشارکت حداکثری آن ها، سبب بالندگی، و شکفتگی اجتماعی می گردد.

مدیریت اسلامی و شهری، مدیریتی عمل گرا است و از همین جا است که مکانیسم پویایی جامعه اسلامی در سایه مدیریت اسلامی شهری، عملی می گردد چون عمل گرایی مدیریت شهری- با توجه به خصوصیات منحصر به فردی که دارد- سبب پویایی دائمی جامعه خواهد گردید و از همین، رهگذر به بحران زدایی و نفی بحران ها اقدام خواهد نمود.

چیستی مدیریت شهری در جامعه دینی

مدیریت شهری، اقتداری والا در هماهنگ سازی منابع انسانی در جهت نیل به ترقی و توسعه مبتنی بر رهیافت های معرفتی خاص است.

مفهوم مدیریت

مدیریت علم و هنر تشکل و هماهنگ کردن و رهبری و کنترل فعالیت های دسته جمعی برای نیل به هدف های مطلوب با حداکثر کارایی است» (1).

ص: 74

در تعریفی دیگر، «هنر هماهنگ کردن عناصر و عوامل انسانی و غیر آن به سوی اهداف کلان است» (1).

این دو تعریف و تعریف های دیگر از مدیریت نشان دهنده این است که مدیریت بایستی در طریق بسیج منابع و امکانات در راستای اهداف دارای مهارت کارآیی و قدرت بر اقدام باشد.

مفهوم شهر

شهر، محل یا مکانی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی مشخصی واقع شده و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل، دارای سیاستی با ویژگی های خاص خود است. شهر، کانون مبادلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی است.

در تعریفی درباره شهر چنین آمده:

«شهر، محور تمرکز نمودهای شیوه خاصی از زندگی است» (2).

گوناگونی اجتماعی در عنوان شهر امری طبیعی است یعنی شهر، از گروه ها، طبقات و اصناف گوناگون با گرایش های متفاوت تشکیل یافته است. شهر، محل تمرکز واحد اجتماعی کلانی است که در محلات وابسته و مجزای به هم پیوسته زندگی می کنند.

محیط شهری، اقتضای خلق و خویهای متفاوت، تقاضاهای متفاوت و

ص: 75

1- ابوالفضل گابینی، مقاله پیش فرض های مدیریت اسلامی، مجله حوزه و دانشگاه، ویژه مدیریت، شماره 37 ص 71

2- لوئیز ویرث، شهرگرایی شیوه ای از زندگی، مطالعات شهری و منطقه ای، 1358، ص 45

سلیقه های مختلف و نیز فرهنگ های متفاوت را دارد شهرها هر چه بزرگ تر و کلان تر باشند بوته فرهنگ ها و شیوه های مختلف زندگی و رفتار هستند. شهرنشینی اقتضای چند نکته را دارد:

1. خلق و خوهای متفاوت شهری که کنترل اخلاق نابهنجار را با چالش مواجه می سازد.
2. تفاوت بینش ها و بالا و پایین بودن فرهنگ ها که انجام کار فرهنگی منسجم را مشکل می سازد.
3. روش های متفاوت اقتصادی و کسب درآمد که منشأ نابهنجاری اقتصادی می گردد.
4. تفاوت های نژادی، طبقه ای و... که تفاوت گرایش ها را سبب می گردد.
5. وجود گروه های بزهکار که نظام اجتماعی را در معرض خطر قرار می دهند.
6. و...

این نکات و بسیاری از نکات دیگر از خصوصیات شهر و شهرنشینی می باشند.

چستی مدیریت شهری

مدیریت شهری یعنی کارکردن با افراد و گروه ها برای رسیدن به مقاصد سازمان است این مقاصد شامل وظایفی که عبارت اند از برنامه ریزی و سازماندهی نظارت و انگیزش می باشد در این راستا مدیریت شهری به بیان ساده باید برای شهر برنامه ریزی نماید فعالیتهای شهر را سازمان و سامان

دهد و بر نحوه انجام خدمات شهری نظارت نماید و حتی برای انجام بهینه امور انگیزش لازم را در سازمان مدیریت شهری و سایر سازمان ها و شهروندان ایجاد کند معمولاً مدیریت شهری به عنوان زیر مجموعه ای از حکومت محلی تعریف شده شهرداری خوانده می شود مدیریت شهری به مثابه نظامی است که دارای ورودی ها و خروجی های مشخصی است که کنترل کننده آن شخصی به نام شهردار می باشد که مسئول اجرای بهینه خدمات شهری با بهره گیری از کلیه امکانات و منابع مالی و انسانی است.

مدیریت شهری هنر هماهنگ کردن عناصر انسانی و دیگر عناصر و امکانات موجود در شهر در مسیر اهدافی کلان و بنیادی است پس مدیریت شهری تدبیر و توانایی و آگاهی از کیفیت تنظیم امور در مسیر اهداف بلند است.

ساختار مدیریت شهری در نظام اسلامی

مدیریت شهری، در نظام اسلامی، تابعی از عنوان امامت اسلامی است و کلیدی ترین نقش را در سازندگی اجتماعی دارد بدین روی ساختار آن باید انطباق کامل و جامعی با ساختمان جامعه دینی و نظام الهی داشته باشد.

مدیریت شهری در نظام اسلامی به لحاظ ساختار شاکله و سمت و سوی کلی، با مدیریت شهری در نظام های سکولار و لیبرالی تفاوت جوهری دارد؛ زیرا معطوف به ارزش ها سنن الهی و اصولی متعالی است که اگر این اصول و معیارها و مبانی مورد توجه و عمل کارگزاران قرار گیرد، جامعه به معنویت، عدالت، رفاه، آسایش و اخلاق دست خواهد یافت.

ساختار مدیریت شهری در نظام اسلامی دین محور و دین گراست.

تجمع شهری و سکونت در شهر، آثاری بر زندگی فردی و اجتماعی می‌نهد. چند وجهی بودن این اثرات و نیز فرایندهای درون این اجتماعات، متفکران بسیاری را از علوم مختلف به خود مشغول داشته است.

شهر، یک محیط مخلوق و محصول اجتماعی انسان‌ها است. شهر تولیدگر فرهنگ است و شیوه خاصی از زیستن را بر ساکنانش عرضه می‌نماید. رشد و توسعه کمی و کیفی شهرها فضاها را ایجاد نوع رابطه بین شهروندان جهت دهی بهره‌وری مطلوب از اقتدار موجود در شهر زدودن فقر فرهنگی فقر اقتصادی و ... همه این‌ها از مواردی هستند که در عنصر مدیریت مورد مطالعه و گفت و گو قرار می‌گیرند.

مدیریت شهری کارآمد می‌تواند در راستای توازن و تعادل و جهت‌دهی و انتظام بخشی و ایجاد فرهنگ مطلوب اثرگذار باشد از این جهت است که مدیریت شهری از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است در این میان شهرهای بزرگ با مسائل پیچیده‌تری روبه‌رو هستند که در درجه اول شناخت عالمانه آن‌ها از وظایف مدیریت شهری است مدیریت شهری عقلانی می‌باید به تنوع خرده فرهنگ‌ها در شهر توجه نماید این مسائلی است که مدیریت شهری را دارای حساسیت ویژه‌ای می‌نماید و همین حساسیت است که بایستگی‌هایی را در حوزه مدیریت شهری ایجاد می‌کند.

مفهوم اثر بخشی و لزوم آن

اثر بخشی عبارت است از میزان دستیابی به هدف‌ها و به عبارت دیگر، درجه و

میزان نیل به هدف های تعیین شده و پیش بینی شده.

در تعریف دیگر اثر بخشی effectiveness این گونه آمده است:

«اثر بخشی یعنی این که نتایج به دست آمده با ستانده ها و هدف های مورد انتظار منطبق است» (1).

این مفهوم، معیاری است که بر اساس آن بازده حقیقی و مورد انتظار در برابر هم قرار می گیرند هدف در اثر بخشی انجام درست پدیده ها است و روشی است که چگونگی تحقق هدف ها را می سنجد.

مدیریت شهری، در نظام اسلامی، به دلیل این که شاکله و ماهیت الهی دارد باید اثر بخش و کارآمد باشد و اگر چنین نباشد به کلیت نظام اسلامی ضربه وارد می سازد و چهره نظام دینی و الهی را خدشه دار می کند.

ویژگی های اثر بخشی

اثر بخشی، دارای چند ویژگی ممتاز و برجسته بدین شرح است:

1. ارائه رهنمودها؛ اثر بخشی می تواند معیاری باشد بر این که رهنمودها در هر زمینه ای به درستی ارائه شوند و افراد در جریان آن رهنمودها قرار گیرند.

2. مربوط بودن؛ اثر بخشی نشان می دهد که رهنمودهای ارائه شده کاملاً مربوط و منطقی می باشند.

3. مناسب بودن؛ اثر بخشی میزان تناسب را هم نشان می دهد و مشخص

ص: 79

می سازد که سخنان منتقل شده، کاملاً مناسب بوده اند.

4. دستیابی به نتایج مورد انتظار؛ اثر بخشی نشان می دهد که افراد و مبلغان و مروجان یا مدیران به نتایج مورد انتظار دست یافته اند.

5. پذیرش اثر بخشی فرایندی است که به پذیرش داده ها منجر می گردد.

6. اثر گذاری در افراد اثر بخشی همچنین مرادف کلمه اثر گذاری است که مثلاً مدیریت در حیطه مسئولیت و در افراد مؤثر واقع گردیده است.

مفهوم اثر بخشی در مدیریت شهری

برای جهت دار کردن مدیریت شهری تعیین میزان اثر بخشی و کارآیی مدیریت شهری در مسیر اهداف اصولی امری ضروری و بایسته است، لذا $Rol = Re + Nofinvestment$ الگوی ارزیابی اثر بخشی را مطرح می کنیم.

جهان امروز، جهان تغییر و تحول است بیشتر نهادها می خواهند خود را با شرایط تحول همگام و همسو نمایند به عنوان مثال تبلیغاتی در راستای انتقال مفاهیم دینی رخ می دهد باید ببینیم آیا این تبلیغات توانسته اند به نتایج مورد نظر دست یابند در این جا مسئله اثر بخشی مطرح می گردد. اثر بخشی معادل تحقق هدف می باشد و در درون آن جهت دهی و انتقال داده ها هم مطرح اند. اثر بخشی فرایندی است که نیازمند سه گزینه عامل است:

1. برنامه ریزی

2. اجرا

3. ارزیابی

اثر بخشی با کارآیی رابطه تنگاتنگی دارد. efficiency کارآیی، عبارت است از

ص: 80

میزان تأثیرات یک عامل بر سیستم.

به عبارت دیگر، استفاده حداقل منابع در جریان نیل به اهداف.

اثر بخشی نشان می دهد که تا چه میزان از تلاش های انجام شده نتایج مورد نظر حاصل شده است پس اثر بخشی نماد موفقیت عمل و اقدامات انجام شده است.

مهم ترین اثرات ثمر بخشی

ثمر بخشی دارای آثار و پیامدهای فراوانی است که در این جا به برخی از این نتایج یا پیامدهای آن اشاره می کنیم:

1. به بار نشستن بخش عمده ای از اهداف مدیریت شهری
2. توجه به دین به عنوان یک ضرورت و رویکرد اساسی در حوزه عمل.
3. پیدایش رفتار مثبتی بر نمادهای دینی.
4. فرصت سازی توسط کارکنان زیر مجموعه مدیریت جهت انتقال اهداف دینی مدیریت به دیگران.
5. زدودن لایه های افکار غلط و انحرافی از اندیشه دیگران.
6. انتقال داده ها و یافته ها به دیگران.
7. سودهی و سمت دهی علوم و دانش ها به سمت ارزش های نهادی دینی.
8. ایجاد عدالت اقتصادی و اجتماعی.
9. سالم سازی فضاهای عمومی.
10. ایجاد تحرک اجتماعی.

ثمر بخشی، دارای عناصری بنیادی است که بدون آن عناصر، امکان ثمر بخشی وجود ندارد این عناصر عبارت اند از:

1. در ونداد؛ به این معنا که مفاهیم منتقل شده در ذهن و اندیشه مخاطب درونی و نهادی گردد.

2. فرآیند؛ که عبارت است از میزان رضایت بخشی فرآیندهای یاددهی، یادگیری و سایر امور ساختی، ذهنی، فردی، عقیدتی، ارزشی و دینی و ...

3. دستاورد؛ به این معنا که ثمر بخشی داده ها منجر به دستاوردهایی جهت دهنده برای جامعه شهری گردیده به نوعی رضایتمندی را در افراد به وجود آورند.

4. برون داد و پیامد؛ به این معنا که میزان اثر بخشی به مرحله ای رسد که فرد مقابل ما (شهروند) بتواند پیام های درونی شده در روان خود را به برون منتقل کند و دیگران را در معرض تابش های نوری حقایق معنوی درونی خود قرار دهد به عنوان مثال مصعب بن عمیر جوانی حدود 18 یا 19 ساله را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنان متحول می سازند که خودش به عنصری الهی و روحانی تبدیل می شود و به مدینه می رود و آن جا را در معرض تابش های نورانی و معنوی حقایق عالی اسلامی قرار می دهد.

پیامد، آن است که اثر بخشی به مرحله ای رسیده که فرد چنان دستخوش تغییر

و تحول گردیده است که به شخصیتی الهی و اسلامی تبدیل گردیده و می رود که در جهان عینی و جامعه بشری اثر گذار باشد و خود تبدیل به جریانی فعال گردیده است.

مدیر اثر بخش برتر از مدیر موفق

«مدیریت» به عنوان یک پدیده اجتماعی ضروری در عصر کنونی چنان سیطره خود را بر عرصه های مختلف زندگی مردم تثبیت کرده که کمتر پدیده ای با چنین شتابی گسترش یافته است مدیریت نه تنها در نظام مدرن و متمدن کنونی و در نتیجه تأمین نیازهای بنیادین جوامع از لحاظ اقتصادی نهفته است بلکه نشان دهنده ریشه های اعتقادی جوامع متعدد و نهایتاً مؤید نظریه امکان نظارت بر زندگی و معیشت انسان از طریق سازماندهی سیستماتیک منابع انسانی و اقتصادی است که عوامل انسانی و اقتصادی را برای بهبود زندگی فردی و اجتماعی متشکل می سازد.

«مدیر» باید دانش پژوه و در عین حال هنرمندی باشد که به سبب وقوفش بر دانش مدیریت و نیز تحت تأثیر ویژگی های فردی بتواند با بهره گیری مطلوب و بهینه از کلیه امکانات موجود (از قبیل: نیروی انسانی اختیارات سازمانی، تجهیزات و سرمایه) سازمان متبوع خود را در جهت تحقق اهداف تعیین شده هدایت و رهنمون سازد عملکرد یک سازمان کوچک (خانواده)، یک مؤسسه متوسط (شرکت بازرگانی)، یک سازمان بزرگ (وزارتخانه) و... حاصل تدابیر و راهبردهای مدیر یا مدیران آن سازمان است که بر مبنای دانش، تجربه، خلاقیت و... مدیر اتخاذ می شود که باید پاسخگو هم باشد.

با وجود پذیرش نقش مؤثر مدیر در جامعه و قبول این نکته که بروز مشکلات در هر سطحی ارتباط مستقیم با توانایی های مدیریت دارد باید چند نکته را اشاره کنیم:

نکته اول: شهرداری ها به مدیران اثر بخش بیشتر از مدیران موفق نیازمند هستند و مدیریت ویژه ای را طلب می کنند ماهیت فعالیت هر سازمانی مدیریت ویژه خود را می طلبد و نمی توان مدیر یک سازمان با ماهیت کاری معین را در مؤسسه ای دیگر که ماهیت کاری متفاوتی دارد به کار گمارد.

نکته دوم: برخی به اشتباه، یکی از ویژگی های مطلوب مدیریت یعنی «قاطعیت» را با «خشونت» اشتباه گرفته تصور می کنند چنان چه مدیر در برابر کوچک ترین اظهار نظر انتقادی محکم برخورد کرده فرد منتقد را مقهور و منکوب کند مدیر مقتدری است در حالی که این مدیر ناآگاه با تیشه کم تجربگی و غرور، بر ریشه سازمان می زند.

نکته سوم: اگر تعریف مورد پذیرش اکثر قریب به اتفاق صاحب نظران این رشته که مدیریت را «انجام دادن کارها به وسیله دیگران» می دانند، محور بحث قرار داده قبول کنیم که هدایت یکی از وظایف مدیر است باید بپذیریم هنگامی مدیر می تواند خودش را اثر بخش بداند که انجام کارها به وسیله دیگران با میل و رغبت آنان انجام شود؛ زیرا لزوماً هر مدیر موفق، اثر بخش نیست.

برای مثال چنان چه مدیری مصمم به تحقق هدف های سازمان از طریق بهره گیری از «قدرت مقام» خود و ایجاد رعب و ترس در کارکنان، باشد ممکن

است به هدف های سازمان برسد و مدیری موفق تلقی شود در حالی که اگر همین مدیر بتواند با بهره گیری از قدرت شخصی و با فراهم کردن فضای مطلوب و ایجاد انگیزه کارکنان را به صورت خود انگیخته به سمت هدف های سازمان به حرکت درآورد چنین مدیر موفقی مدیر اثر بخش هم هست. تفاوت عمده میان «مدیران موفق» و «مدیران اثر بخش» این است که دسته اول تا زمانی که دارای قدرت (مقام) هستند کلامشان نافذ است و به دلیل نارضایتی و گاه خشم کارکنان، بروز اتفاقاتی مانند کم کاری شایعه پراکنی خراب کاری و... بعید به نظر نمی رسد. چنین مدیرانی می باید دائماً مراقب و مواظب گفتار و رفتار کارکنان و همکاران خود باشند که همین امر موجب اشاعه جو بدبینی و عدم اعتماد در محیط سازمان می گردد.

برای انتخاب مدیران موفق و اثر بخش رعایت نکات زیر باعث رفع تدریجی مشکلات مدیریتی و در نهایت کمک به حل معضلات جامعه نیز می شود:

الف) برای انتخاب و انتصاب مدیران معیارهای عمومی و تخصصی تدوین گردد و طبق آن عمل شود.

ب) محور اصلی معیارها «شایسته سالاری» باشد.

ج) برای ترویج روحیه مسئولیت پذیری و پاسخ گویی مدیران آیین نامه های ویژه ای تدوین گردد و بر اجرای آن ها نظارت شود.

د) در کنار تشویق های رایج برخورد قاطع با مدیران متخلف و برکناری آن ها صورت گیرد.

ه) جابه جایی مدیران تنها در حوزه تجربه و تخصص آن ها انجام گیرد، و

تعویض مدیران سطوح میانی حتی در صورت تعویض مدیران مافوق آن‌ها با دلیل و برهان انجام شود.

شرایط اثر بخشی مدیریت شهری

سیستم مدیریت شهر در نظام دینی عهده داری مسئولیت‌هایی الهی است؛ مسئولیت‌هایی که به اداره مطلوب نظام انسانی و اجتماعی بازمی‌گردد. کار ویژه مدیریت دینی تحقق اصولی‌ترین و بنیادی‌ترین اهداف الهی و خواست‌های اجتماعی و برآوردن عناصری همچون امنیت اعتلای فرهنگی عدالت اجتماعی و سیاسی و... می‌باشد که به حسب آن منزلت و حقوق اجتماعی، اقتصادی و کرامت شهروندان جامعه دینی و مرتبه اجتماعی و شغلی آنان رعایت شده و به آن پاسخ شایسته داده شود و انتظارات مردم توسط حاکمیت برآورده گردد.

در راستای تحقق این خواست‌ها و وظایف و تکالیف و مسئولیت‌ها گرایش فرد به ارزش‌های والا و برین تعیین‌کننده است و در باروری ایده‌ها اهداف و آرمان‌ها و روند آن تأثیرگذار است گرایش به اخلاقیات مثبت در این حوزه قرار دارند.

ارزش‌های اخلاقی و تقید به آن‌ها فراتر از آیین‌نامه‌ها و مرام‌نامه‌ها و ابلاغیه‌های اجباری و تحمیلی در پاسخ‌گویی به خواست‌ها (انتظارات و توقعات بایسته اجتماعی) نقش ایفا می‌نمایند و فقدان نظام اخلاقی و عدم آراستگی به ارزش‌های والا مانع بزرگی فراروی پاسخ به انتظارات خواهد بود؛ چنان‌که فقدان تعهد، عدم درک مسئولیت، دنیازدگی و ریاست‌خواهی،

ادراک نکردن فضیلت خدمت، فقدان انصاف و عدالت و... مانع های سترگ و ویرانگری، فراروی انجام تعهدات و مسئولیت ها است و بدین صورت پاسخ به انتظارات و خواسته ها عملی نخواهد شد.

مسئولیت و وظیفه در مدیریت دینی شهری

دو عنصر مسئولیت و وظیفه در پذیرش مدیریت شهری در نظام دینی بسیار تعیین کننده اند که التزام به آن ها تأمین کننده خواست ها و انتظارات خواهد بود. مسئولیت حالتی است که شخص دارای وظیفه آن را بر خود الزام می کند و خود را در قبال کار و وظیفه ای که به او نهاده شده پاسخگو می داند و اگر آن وظیفه به نحو مطلوب و شایسته ای به مرحله عینیت و تحقق نرسد خود را غیر عامل به وظیفه می داند

نهضت تربیتی اسلام، در صدد تربیت انسانی است که نمونه عملی و مثال زنده اعتقادات دینی باشد و در قبال وظایفی که بر عهده اش نهاده شده خود را پاسخگو بداند و هماهنگی کاملی بین عقیده و عمل وی مشهود باشد. انسانی جوایز فضیلت اگر در محیط کار مسئولیت و مدیریت قرار دارد باز هم اعتقاداتی پویا و معنوی دارد و نیز در عمل می کوشد مورد تأیید شریعت و صاحب شریعت باشد و در پیشگاه الهی خطاکار و مجرم به شمار نیاید.

بعد از بعثت پیامبر اسلام در اثر نوع تربیتی که پیامبر عهده دارش بود، شخصیت های اسلامی رشد یافتند و به بالندگی رسیدند و در حقیقت نیرویی تکامل یافته پدیدار گشت و کارمندان درستکار، شرافتمند، دلسوز و فعال تربیت شدند.

حکومت های دینی بعد از پیامبر نیز این وظیفه را داشته و دارند که با الگوگیری از اصول حکومت پیامبر اسلام این اصول را در نظام سیاسی و حکومتی خویش به اجرا درآورند و در مسیر ایجاد تحولی ساختاری و همه جانبه ره پویند؛ خود دارای بزرگواری نفسانی باشند و در مسیر انجام وظایف در ساحت ها و تکالیفی که بر عهده شان نهاده شده دارای صلابت و ملکه شریفه عزت نفس باشند.

در حکومت اسلامی، واژه مسئول، مناسب ترین نام برای کارگزاران، مدیران و همه کسانی است که در حکومت وظیفه ای را برعهده دارند مردم هم با مدیران در این مسئولیت اشتراک دارند که حکومتی کارآمد را در جامعه ایجاد نمایند. حکومتی که به آرمان عدالت خواهانه مردم لباس تحقق ببوشاند، امنیت را در همه حوزه ها و سطوح و مراحلش پیاده کند تا مردم طعم کارآیی یک حکومت را به نظارت نشینند و از این رهگذر مشارکت آن ها در امور حکومت سیاست و اداره جامعه افزایش یابد مشارکتی که نیاز به فراخوانی و دعوت و دست دراز کردن در برابر ملت نباشد بلکه خودشان به دلیل کارآیی حکومت الزام مشارکتی را برای خود ایجاد نمایند و عنصر، مسئولیت آن ها را به اشتراک و مشارکت فراخواند و قاعدتاً این فرایند منجر به چنین الزامی از سوی جامعه خواهد گردید.

نقش اخلاق در باروری مسئولیت

پیوند اخلاق و عنصر مسئولیت، از موضوعاتی است که قدمتی طولانی دارد و از زمانی که واگذاری پست ها و مدیریت ها به افراد مطرح شده اندیشه گران و

فیلسوفان و حکیمان، بر آن صحه گذاشته اند و بر وجود پیوندی ساختاری میان آن دو تأکید ورزیده اند.

روشن است که اخلاق انسانی و مثبت، حوزه مسئولیت پذیری و ایفای نقش سازنده و مثبت را بالنده می سازد و البته اولین زنگ های خطر در حوزه مسئولیت و مدیریت بر جامعه استحاله های اخلاقی منفی و روی آوردن به خصلت های نفس مدار شیطانی است که در این چنین وضعیتی، تعهد و مسئولیت رنگ می بازد و دیگر افراد قادر نخواهند بود به مسئولیت های خود عمل نمایند اخلاقیات منفی حجاب قداست ها و کرامت ها و بزرگواری هایند. صفاتی شیطانی، همچون پست همتی، عجب و خود را برتر دیدن همه چیز را برای خود خواستن، کتمان حق، فقدان انصاف، نداشتن ثبات و پایمردی، نداشتن حس مردم داری، نداشتن غیرت اجتماعی، حقیر شمردن دیگران، طمع ورزی، بخل، خیانت و، مکر، ریا، ترک اعانت مسلمین، سازش با دشمن، شماتت دیگران و... از جمله صفاتی هستند که مانع عمده فراروی انجام مسئولیت ها خواهند بود. این امور هم حجاب معرفت اند و هم حجاب خدمت و تحقق انتظارات و خواسته های اجتماعی.

گونه های اخلاق مدیریت شهری

با توجه به شاکله نظام های اجتماعی موجود و رویکرد هر یک از نظام های اجتماعی و سیستم های حکومتی به مقوله اخلاق در مدیریت شهری، اخلاق

مدیریت شهری را به دو نوع کلی می توانیم تقسیم نماییم:

1. اخلاق سود مدارانه

ص: 89

البته هر یک از این دو نوع اخلاق نسبتی را با پاسخگویی می نمایانند که بدان نسبت اشاره خواهیم کرد.

اخلاق سود مدارانه

اخلاق مدرنیته، اخلاقی است همپای مدرنیزاسیون، به این معنا که با رشد صنعت و تکنولوژی معطوف به سودآوری هر چه بیشتر اخلاقی به ظهور رسید که باید پاسخ صنعت سودآور را می داد با سرعت یافتن دگرگونی ها در شیوه های استفاده از ابزار و بالارفتن میزان سرمایه گذاری ها و پیدایش رقابت ها در حوزه صنعت و بازارهای جهانی تغییرات و دگردیسی های فراوانی در حوزه روابط اجتماعی و به ویژه در حوزه اخلاق شکل گرفت و نوعی گفتمان اخلاقی جدید را پدیدار ساخت اخلاقی که باید هر چه بیشتر در دایره منافع و سودآوری های بنگاه های صنعتی و شرکت های سودآور حرکت می کرد و به بیان آموزه ها و رفتارهای خود می پرداخت.

این اخلاق، عناصر اخلاقی کهن را که بر پایه نوامیس حقیقی آفرینش قرار داشتند به یک سو نهاد و اخلاقیات جدیدی را جایگزین آن ساخت اخلاق گذشته از فرد آغاز می شد و سپس به شکل دهی ساختار اجتماعی می پرداخت اما این اخلاق به تعالی فرد نمی اندیشد بلکه به تعالی بنگاه صنعتی می اندیشد ولو منش های اخلاقی فرد به یک سو نهاده شوند و فرد در برابر منش های فطری خود بایستد در نتیجه چنین نگاهی به اخلاق است که اخلاقی مبتنی بر سود یا اخلاق سود گرایانه متجلی می شود (utilitarianism).

از چنین اخلاقی، در دوره معاصر، اخلاق حرف های متولد گردید. اخلاق حرفه ای را با انگاره اسلامی و مثبت هم می توان در نظر گرفت. اما این اصطلاح زاده نظامی سودآور و سودجو می باشد اخلاق حرفه ای محض (که در بنگاه های تجاری، اقتصادی و صنعتی غرب، مطرح است) با سازواره اخلاق دینی که مبتنی بر کرامت های معنوی و ارزشی است فاصله زیادی دارد و می تواند به نوعی در تقابل با آن قرار گیرد مفاهیمی همچون نظم، قاطعیت، صداقت و... همه در راستای چنین اخلاق سودگرایانه ای مطرح اند.

نقدی بر اخلاق سود مدارانه

از ملاک های بارز در اخلاق، سود مدارانه سلب اخلاق از حوزه فردیت است؛ یعنی فرد و اخلاقیات و منش های ذاتی او در پرتو اخلاق صنعتی و حرفه ای مفقود می گردد. این مسئله در درون خود دارای نقص مبنایی است؛ زیرا این فرد است که اخلاق جمعی را به شکل مطلوب تنظیم می کند.

«داشتن دغدغه ای اخلاقی و برخورداری از تخلق فردی بر همه مسئولیت های مدیران مقدم است کسی که از مدیریت تنها نامی دارد و در نظام غیر شایسته سالارانه به قدرت و امکاناتی دست یافته و جز تمتع کامجویی و قدرت طلبی دغدغه ای ندارد چگونه می تواند در انجام مسئولیت های اخلاقی نقش ایفا کند اگر چنین کسی در مواقعی از شایسته سالاری در بنگاه سخن می گوید نه از موضع اخلاق بلکه از موضع مکانیسم دفاعی است. آینه ای بر دست گرفته با اشاره به خویش در آن لاف شایستگی می بافد. اگر چنین کسی مدیر ارشد سازمان یا بنگاه باشد جز تباهی در سازمان چه نتیجه ای را می توان

پیش بینی کرد. ماهی از سرگنده گردد نی زد م». (1)

اخلاق سود مدارانه، که امروزه با عنوان اخلاق حرفه ای هم از آن یاد می شود به گونه ای است که در چنین سیستم اخلاقی تدریجاً افراد، هویت خود را فراموش کرده تبدیل به شیء می گردند.

در جهان واقعی، زبان اخلاق درست به همان حد دچار نابسامانی است که زبان علوم طبیعی در جهان خیالی؛ در واقع ما دارای شباهتی از اخلاقییم و اصطلاحاتی اخلاقی را به کار می بریم و این همه میراث فرمانروایی عقل و دوری از احساسات و نوامیس اخلاقی است». (2)

«حرفه ها، در مفهوم نوین خود در فرهنگی به میان آمده اند که مهم ترین رکن آن تلقی ابزار انگارانه از منابع انسانی است و بزرگ ترین عارضه آن، خودباختگی انسان ها است فن آوری و صنعت رمز و راز طبیعت را به مدد مفاهیم و روابط دقیقی کمی و ریاضی گشود و دست تصرف و تسخیر آدمی را بر طبیعت باز کرد مدل هایی که برای تسخیر طبیعت برگرفته شدند در به کارگیری نیروی انسانی نیز به میان آمدند این ایده که انسان ها در تولید نقش دارند به این توهم تبدیل شد که انسان چیزی جز ابزار تولید نیست و این آغاز خودباختگی نوین آدمی بود که فرهنگ سازمانی جوامع مدرن را رقم زد و به این ترتیب شخص برخوردار از تقدس و کرامت ذاتی به شیء و ابزار مفید

ص: 92

1- فرامرز قراملکی، احد، اخلاق حرفه ای، چاپ نقش سبحان، 1382، ص 187

2- احمد اکبر پست مدرنیسم و اسلام، ترجمه سید محمد آوینی، نامه فرهنگ، شماره 17

اگر اخلاق حرفه ای، از تفکرات لیبرالی و مدرنیته و صنعتی برآمده باشد، این اخلاق فرو کاهنده منزلت آدمی و تبدیل شدن آن به شیء و ابزار خواهد بود. چنین اخلاقی نمی تواند پاسخگوی دردها و آلام بشری باشد و نخواهد توانست عدالت را به عنوان یک گفتمان جهانی به مرحله عینیت برساند و فرهنگ های متعالی را پیروانند و در راستای تحقق امنیت کاری را انجام بدهد و در قالب پاسخ گویانه، مطرح نخواهد بود و بار سنگین و مضاعف و کشنده ای را بر پیکره جامعه خواهد نشانند.

اخلاق فضیلت محور و نقش آفرینی های آن در توسعه

اخلاق فضیلت محور عبارت است از رفتارها، منش ها و عملکردهایی که بر محور ارزش ها و فضیلت ها به وجود می آید اخلاق متعالی خیر برین و مانای هستی است. اخلاق فضیلت، اخلاق شایستگی، کرامت و بزرگواری است که عامل نجات فرد و مجتمع انسانی است.

به همین جهت، آراستگی به فضایل و دوری از پستی ها و نپایستگی های اخلاقی یک رسالت برای فرد و جامعه دینداران است چنین مدیریتی می تواند در راستای توسعه و غنای شهری برین کارساز و مؤثر افتد.

مرحوم نراقی در جامع السعادات می گوید:

«فضائل الاخلاق من المنجیات الموصلة الى السعادة الابدية و رذائلها من المهلكات الموجبة للشقاوة السرمدية، فالتخلی عن الثانية و التخلی بالأولی من أهمّ

ص: 93

الواجبات و الوصول الى الحياة الحقيقية بدونهما من المحالات فيجب على كل عاقل أن يجتهد في اكتساب فضائل الاخلاق»؛ (1)

فضیلت های اخلاقی از امور نجات دهنده اند که به سعادت ابدی می رسانند و رذائل و زشتی های اخلاقی از امور هلاک کننده و موجب تیره بختی ابدی اند؛ پس خود را از دومی خالی نمودن و به اولی آراستن از مهم ترین امور واجب است و رسیدن به حیات حقیقی بدون این رهایی و آراستگی میسر نیست. پس بر هر عاقلی سزد که در کسب فضیلت های اخلاقی تلاش نماید.

سرچشمه های اخلاقی فضیلت، دین و فطرت بشری است که در همه عرصه ها باید نمود یابد مهم ترین مرکز تجلی آن در حوزه سیاست و حکومت است؛ زیرا از مجرای حکومت و سیاست اخلاق فضیلت بیشتر به جامعه سرایت خواهد نمود.

برخورداری از اخلاق فضیلت از عوامل کلیدی و ساختاری پاسخ گویی است و از جمله عواملی است که در تحول جامعه آثار عینی و اجتماعی مشهودی خواهد داشت.

علی علیه السلام در خطبه 116 از قومی یاد می کند که چنین رویکرد مبارکی در عمل داشتند:

(قَوْمٌ وَاللَّهِ مَيَّامِينُ الرَّأْيِ ، مَرَّاجِيحُ الْجِلْمِ ، مَقَاوِيلُ بِالْحَقِّ ، مَتَارِيكُ لِلْبَغْيِ ، مَصْنُوعَةٌ قُدْمًا

ص: 94

1- نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، ج 1، 1963 م / 1383 ق، مطبعة النجف، ص 9.

عَلَى الطَّرِيقِ ، وَأَوْجَفُوا عَلَى الْمَحَجَّةِ ، فَظَفَرُوا بِالْعُقْبَى الدَّائِمَةِ ، وَالْكَرَامَةِ الْبَارِدَةِ؛ (1)

به خدا سوگند مردمی بودند مبارک رأی، آراسته به بردباری، راست گفتار، وانهنده ستم و زشت کاری، پیش افتادند و راه راست در پیش گرفتند و شتابان رفتند و پیروز شدند به نعمت جاودان و کرامت گوارا و رایگان.

در اندیشه و تفکر اسلامی جامعه انسانی هرگز به خواسته های خود دست نمی یابد مگر از ناحیه حکومتی عادل و کارآمد و دارای آرا و اندیشه ها و عملکردهای مبارک حاکمانی که دارای وارستگی اخلاقی اند و دغدغه پاسخ گویی به خواسته های چندگانه دارند؛ خواسته های خدا خواسته های بندگان خدا خواسته های رهبران پاک و الهی خواسته های وجدان سلیم انسانی.

منشور اخلاقی مدیریت شهری

اشاره

اخلاق مدیریت شهری، قاعده مند است و به طور کلی دارای منشوری مقدس است که به کلیت آن به طور اجمال اشاره می نماییم.

در این منشور مقدس قواعد پایه ها و بایدهایی برای مدیریت شهری به گونه ای که اشاره می شود گنجانیده می گردد:

1. درک وظیفه و شناخت مسئولیت

مسند مدیریت پاسخگو قله ای به بلندای انسانیت و ارزش ها و کرامت ها است که در این بلندای رفیع درک وظیفه و شناخت مسئولیت رکنی بی بدیل است.

ص: 95

در این راستا مدیر باید به امور مهم اشتغال بورزد و از تضييع حوزه مدیریتی خویش به شدت پرهیز نماید علی علیه السلام در همین راستا فرموده است: (مَنْ اِسْتَعْلَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِّ صَبَّحَ الْاَهَمَّ)؛ (1) کسی که خود را به کارهای غیر مهم مشغول نماید مهم تر را ضایع گرداند.

2. مدیریت را امانت دانستن

در اندیشه اسلامی، مدیریت، طعمه ای نیست که مدیر آن را فراچنگ می آورد بلکه امانتی الهی است که به دست او نهاده شده است: (إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ)؛ (2) این عمل (مدیریت) تو، برای طعمه ای نیست و لکن امانتی بر عهده ات می باشد.

3. دغدغه بندگان خدا را داشتن

خدمت به بندگان خدا و به طور کلی به انسان ها شرافت و فضیلتی است که توفیقش به هر کس داده نمی شود؛ لذا فرد مدیر می باید دغدغه خدمت داشته باشد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: (مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ دَهْرَهُ) (3) هر کس حاجت برادر مؤمنش را برآورد همچون کسی است که تمام عمرش را به عبادت پرداخته است.

4. معاشرت نیکو

برخورداری از حسن معاشرت، وظیفه ای الهی، انسانی است. پیامبر اکرم

ص: 96

1- آمدی عبدالحسین، غرر الحکم و دررالکلم، بی تا.

2- امام علی، نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه 50

3- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج 11، تهران، مطبعة الاسلامیه، 1398 ق، ص 579

می فرماید: (يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَلِبِ إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَالْقَوْمُ بِطَلَاقِهِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ الْبَشْرِ، (1) ای فرزندان عبدالمطلب، شما نمی توانید با ثروت های خود مردم را راضی نگه دارید؛ پس با گشاده رویی و برخورد نیکو با آنان روبه رو شوید.

5. صداقت در کار داشتن

صداقت در کار، به مفهوم راستی و درستی است. مدیر باید انگیزه ای غیر از خدمت به جامعه نداشته باشد و از انگیزه های انحرافی دوری بجوید.

6. انتقاد پذیری

انگیزه نقد، تشخیص سره از ناسره و بررسی متاملانه و متفکرانه امور است و پس از نقد امور عمل ها و افکار خالصی می یابد انتقاد پذیری قبول نقدی است که به انگیزه اصلاح و سامان بخشی صورت گرفته است. انتقاد پذیر کسی است که خود در اندیشه دست یازی به حق و عمل خالصانه است. از این رو کارگزار در نظام دینی بایستی آراسته به صفت نقد پذیری باشد تا بتواند به حوزه مشاورت هم وارد گردد.

7. رعایت حقوق مردم و بیت المال

بیت المال، در واقع امانتی است که مردم به دست کارگزار حکومت اسلامی سپرده. اند رعایت و حفظ بیت المال امانتداری است که خداوند متعال در قرآن مجید به حفظ آن سفارش فرموده است: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَيْهِ

ص: 97

أَهْلِهَا) (58)؛ (1) خدا به شما امر می فرماید که امانت ها را به اهلس بازگردانید.

8. دوری از حرص و آزمندی

در منشور اخلاقی، این مسئله، مانع بزرگی در راه گرایش و عملی ساختن فضیلت ها و بایسته های امور است. آزمندی و حرص، با صفاتی کریمه همچون ایثار و عدالت خواهی و دگر دوستی، تعارض بنیادی دارد. افزون خواهی ها افزون گویی، سالوس و ریا را در پی خواهد آورد؛ زیرا افزون طلبان بر بساط پذیرش اجتماع می توانند به آزمندی های خود برسند.

9. رعایت اصل مشاوره

مهم ترین فلسفه اصل مشاورت - به عنوان سنتی رایج و عقلانی - استفاده از دیدگاه های دیگران و نظرات آن ها است؛ زیرا که فرد به تنهایی در هر زمینه ای قادر به تشخیص امور بایسته نیست در روایات وارد شده است (مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا)، (2) هرکس با دیگران مشورت کند خود را در عقول آنان سهیم نموده است.

10. پرهیز از کبر و خودپسندی

کبر و خودپسندی، ریشه بسیاری از صفات نکوهیده و بازدارنده فضیلت ها است. آنان که به بیماری خود پسندی و کبر و خود بزرگ بینی مبتلایند بر لبه پرتگاه و لغزش های فراوان قرار دارند که در صورت دستیابی به مدیریت هم خود را تباه می کنند و هم عامل سختی و تباهی مردم می شوند

ص: 98

1- نساء/ 58

2- نهج البلاغه، حکمت 161

صفات دیگری همچون کاردانی تکریم ارباب رجوع پوشش عیب ها، پرهیز از سخن چینی و حسادت در محیط کار، رفق و مدارا، تلاش در کسب روزی حلال و... اجزای دیگری از منشور اخلاق مدیریت پاسخ گو است.

بایسته های مدیریت شهری در حوزه سازمانی

1. نهادینه سازی رفتار مذهبی

گرایش ها و علایق مذهبی در جامعه نقش بنیادین در ایجاد تحول و توسعه دارد. رفتارهای مذهبی از ابتدایی ترین جوامع بشری گرفته تا جوامع متحول و پیشرفته در مسیر مطلوب حرکت اجتماعی سهمی وافر دارد فوستل دو کولانژ تأثیر رفتارهای مذهبی در شکل های مدنی را مورد دقت قرار داده و معتقد است هر چه گرایش های مذهبی افزایش یافته و وحدت مذهبی حاصل شده تجمع ها انسانی تر و ارزشی تر شده است گزارشی که دو کولانژ ارائه می دهد از این قرار است:

«جوامعی که وابستگی به دین نداشتند در حیطه حقوقی، دارای بینش خاصی نبودند و بدین روی، در چنین نظام هایی به سادگی حقوق افراد پایمال می شد. جالب است که این طبقات هنگامی به حقوق اجتماعی دست یافتند که ابتدا به شکلی وابستگی خویش را به دین تثبیت نموده و معابد شهرها از صورت پرستشگاه های خاص خارج و به صورت معابد عمومی درآمدند. به عبارت، دیگر مذهب در تعیین حقوق مردم اثر بنیانی داشته است».⁽¹⁾

«معبد علاوه بر این که مرکز شهر بوده مرکز تجمع ثروت و قدرت جامعه نیز

ص: 99

گزارش های توصیفی، تشریحی و آماری به خوبی نشان می دهند که نهادهای ساز رفتارهای مذهبی و بهادادن به نمادها و نشانه های مذهبی سهم وافری در ایجاد الفت صمیمیت وحدت و در نتیجه فرایند توسعه ارزش گرا داشته و دارد.

با این رویکرد و توضیحات به دست می آید که مدیریت شهری رسالت و وظیفه ای بس خطیر در نهادهای ساز رفتار مذهبی دارد و بهادادن به نقش، مذهب از عناصر اولیه ای است که در مدیریت مطلوب و بایسته شهری باید متجلی و نمودار باشد.

مدیریت شهری، نباید صرفاً به حمایت صوری و لفظی از رفتارهای مذهبی بسنده کند یا به گونه ای تعارف آمیز از مذهب تجلیل نماید بلکه باید آن را در نهاد مدیریتی خویش به عنوان به عنوان یک متغیر پویا و بنیادین و در درجه بالای اهمیت و اعتبار قرار دهد؛ زیرا اگر رفتار مدیر شهری با رفتار استراتژیک و آگاهانه همگام و همراه نباشد؛ اولاً، مدیریت فاقد اعتبار می شود؛ ثانیاً رفتارهای مذهبی نه تنها تجلی و بروز نمی یابند بلکه زمینه ای برای تخیلی شدن مذهب و عدم ورود آن به صحنه عمل فراهم خواهد شد که در دراز مدت آسیبی جدی را بر مذهب و مدیریت وارد خواهد کرد.

تحقق و عملیاتی شدن شهر خواص یا جامعه ای مبتنی بر آموزه های دینی،

ص: 100

پدیده ای آنی نیست که مانند معجزه های آسمانی و الهی یک شبه رخ نماید بلکه پدیده ای کاملاً مشروط و مقید است که تابع سلسله ای از شرایط، علل زیر ساخت ها لوازم ابزار و امکانات و معیارها است که در پرتو آن ها چنین امری از مرحله ذهنی و، نظری بر مرحله عینی و عملی در می آید این مسئله در سلسله نظام علت و معلولی قرار دارد؛ یعنی تا علت تامه رخ ندهد، جامعه دینی و نظام شهری خواص محقق نخواهد شد یکی از اصولی ترین شرایط آن رفتار مدیران است بینش ها، رفتارها، کنش ها و کوشش های مدیران شهری و مدیریت شهری به ویژه بسان عامل کلیدی پویا و مقتدری در این راستا عمل می نماید

ضرورت تغییرات ساختی

اشاره

در خصوص نهادینه سازی مذهب به وسیله مدیریت شهری باید توجه داشته باشیم که ایجاد تغییرات ساختی یک ضرورت است یعنی پدیده های رو به جلو و قابل رؤیت قابل اندازه گیری و مشاهده تحقق یابد.

این تغییرات ساختی باید در درجه نخست در حوزه فرهنگ رخ نماید و بدین روی است که مدیریت شهری در راستای ایجاد تغییرات ساختی باید بر بستر فرهنگی اجتماع تأثیر بگذارد.

توفیق مدیریت، بسته به تحقق ایده ها و آرمان هایی است که در مدیریت مطرح شده و می شوند تحقق این مقولات منوط به رخداد تغییرات ساختی است و تغییرات ساختی عنصری فرهنگی است و در کالبد آن فرهنگ قرار دارد، به این معنا که تا فرهنگ جامعه و ملتی در معرض تغییرات رو به جلو قرار نگیرد،

2. تسلط نسبی

یکی از لوازم مدیریت شهری که نقشی بسزا در موفقیت مدیریت و درایت اداره شهر دارد تسلط نسبی بر امور شهر است در این نکته مناسب است که به برخی از دیدگاه های مطرح در اندیشه اسلامی اشاره نمایم.

اجتماع شهری، دارای طبیعتی است و دارای خصوصیات متکثری نظیر واحدهای اقتصادی، صنفی، واحدهای سیاسی، فرهنگی، حقوقی، اجتماعی بر این اساس باید از تحلیل های تنگ اقتصادی و احیاناً سیاسی شهر، خودداری کنیم و همه جانبه نگری در امور را مورد توجه قرار دهیم.

در حقیقت پدیداری همبستگی و منافع مشترک امری دشوار است زیرا گرایش به منافع و انگیزه های اقتصادی جناحی و گرایش های مختلف فرهنگی و تیپ های متکثر اجتماعی، سیاسی مانعی بزرگ بر سر راه این مهم ایجاد می نماید.

اما در شهر می توان این پدیداری را سرعت بخشید راه اساسی آن تسلط نسبی بر امور شهر است یعنی اموری که به طور اجمال مورد اشاره قرار گرفت؛ امور اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و....

لازمه تسلط نسبی، آگاهی، اشراف، اطلاع از نحوه کار و چیش امور و... می باشد. این مهم حاصل نمی گردد مگر با برنامه ریزی استراتژیک

(برنامه ریزی استراتژیک به دلیل این که شرایط دائماً در حال تغییر است و مدیران به طور دائم باید به بررسی تغییرات پردازند یک برنامه تداومی

است... و در واقع در برنامه ریزی استراتژیک پس از تعیین رسالت ها و مأموریت های اساسی سازمان به بررسی تهدیدها و فرصت های محیطی توانایی ها و ضعف های موجود پرداخته می شود» (1)

3. تجلی بخش خواست اجتماعی

هر جامعه ای با توجه به شاکله فکری و ایدئولوژیکی اش خواست هایی دارد به عنوان مثال در جوامع لیبرال خواست اجتماعی با مقولات آزادی فرد و اباحی گری تناسب دارد این خواست اجتماعی را خواست اجتماعی لیبرال می نامیم. در جامعه رشد یافته دینی خواست اجتماعی کاملاً در جهت و راستای اراده دینی سمت و سو می یابد خواست اجتماعی متدینان در جامعه دینی ملهم از تعالیم و حیانی است. هرگز در جامعه، دینی مورد پذیرش نیست و عقلانیت جمعی جامعه دینی نمی پسندد که اعمال و رویکردهای اجتماعی در برابر آرمان های دینی قرار گیرد یعنی فضای عمومی حاکم بر جامعه دینی، طرد و نفی رفتارهای غیر مبتنی بر انگاره های اسلامی است.

مدیریت شهری در جامعه رشد یافته دینی باید تجلی بخش خواست و اراده جمع متدینان باشد. بدین روی مدیریت شهری را خصلتی باید پدید آید که این، خصلت تابعیت او از اراده جمعی متدینان را متجلی نماید. این مسئله نیز از جنبه حقوق سیاسی قابلیت ردگیری دارد که حقوق سیاسی در جامعه دینی اقتضا دارد که مدیرانی بر مصدر امور قرار گیرند که تجلی بخش اراده آنان باشند.

ص: 103

«اراده عمومی تنها به مسائل عمومی و مشترک می پردازد و با مسائل شخصی و خصوصی کاری ندارد اما در مورد این که چه چیزی جزو منافع عمومی و چه چیزی جزو منافع خصوصی محسوب می شود تنها داور همین اراده عمومی است».⁽¹⁾

مسئله دیگری که نشان می دهد مدیریت شهری باید از خواست و اراده اجتماعی پیروی کند خطاناپذیری مجموعی اراده و خواست اجتماعی است؛ یعنی ممکن است افراد جامعه هنگامی که به عنوان فرد سخن می گویند یا تصمیم می گیرند دچار خطا شوند اما هنگامی که می خواهند در یک کلیت تصمیمات خود را منتقل نمایند به شکلی ضریب خطا پایین می آید و به تناسب رشد عقلانیت و در جامعه دینی رشد باورهای دینی - خطا کاهش می یابد.

«اراده عمومی خطاناپذیر است و همیشه محق و معطوف به منافع عموم است. البته این که همیشه حق دارد به این معنا نیست که همیشه همه چیز را به خوبی تشخیص می دهد و دچار خطا نمی شود. برخی از پژوهشگران میل دارند اراده عمومی را هم طراز آرمان یک ملت به شمار آورند که در تاریخ، سنت و نهادهایش متبلور است. این آرمان شکل تعیین یافته ابدی ندارد، بلکه در معرض تعبیر و تفسیر در پرتو تکامل ملت است».⁽²⁾

با این تصویرگری از خواست اجتماعی و اراده ملی باید به این نکته برسیم که

ص: 104

1- پولادی، کمال از دولت اقتدار تا دولت عقل، نشر مرکز، 1380، ص 215

2- همان ص 216.

شهروندی در جامعه دینی مقتضی است که شهروندان سرنوشت شهر را به کسی بسپارند که تابعیت اراده ملی را در برنامه رسمی خود قرار دهد.

در منابع و متون دینی از جمله در منابع مدیریت اسلامی و مکانیزم های شهروندی دینی این نکته به وفور به چشم می خورد که رهبر، مدیر، قافله سالار اجتماع باید تجلی اراده عموم جامعه متدینان باشد.

اوج این مدیریت را در نظام امت و امامت اسلامی ملاحظه می کنیم.

4. در دسترس بودن

شهر نشینی اقتضانات فراوانی دارد از جمله اقتضانات مهم آن این است که مدیریت در شهر (همان گونه که همه مسئولان نظام اسلامی باید چنین باشند) در دسترس مردم باشد. علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر نخعی، همین مطلب را یادآور می شود:

(وَاجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قَسَمًا مَا تُرْعِغُ لَهُمْ فِيهِ شَيْءٌ خُصَّكَ وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ وَتُقْعَدَ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَ أَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَ شُرَطِكَ حَتَّى يَكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَتَعِعٍ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَتَعِعٍ)؛ (1)

برای حاجتمندان فرصتی بگذار و خود را برای آن ها در نظر گیر و مجلسی عام قرار ده که برای خدا هم تواضع نمایی نگهبانان و پاسبانان را از آن ها دور کن تا سخنگوی آن ها بدون هراس سخن خود را بگویند که من از رسول خدا شنیدم که فرمود هرگز روی سعادت را نخواهد دید امتی که حق ضعیف از

ص: 105

قوی ستانده نشود بدون هیچ گونه تعلل و هراسی.

و در موردی دیگر از همین نامه می فرماید: (فَلَا تُطَوَّلَنَّ احْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّ احْتِجَابَ الْوَلَا عَنِ الرَّعِيَّةِ شِدَّةٌ مِنَ الضُّيْقِ)؛ (1) در خفا بودن خودت را از رعیت طولانی مکن، زیرا پوشیده بودن والیان از رعیت نوعی از فشار و تنگنا بر رعیت است.

(فَإِذَا كَانَ الْإِمَامُ غَائِبًا بِحَيْثُ لَا يَصِلُ إِلَيْهِ أَحَدٌ مِنَ الْخَلْقِ وَلَا يَنْتَفِعُ بِهِ، فَمَا الْفَرْقُ بَيْنَ وُجُودِهِ وَعَدَمِهِ)، (2) پس اگر امام و رهبر به گونه ای باشد که مردم به او دسترسی نداشته از وجودش منتفع نشوند پس چه فرق است بین وجود و عدمش.

5. نضج و رشد

دیگر خصلتی که در مدیریت شهری بایسته می باشد رشد است. رشد همان بلوغ روحی، عقلی و روانی است که در پرتو چنین بلوغی فرد، شایستگی و لیاقت برای نگهداری و استفاده صحیح از امکانات و ابزار و سرمایه ها را به دست می آورد.

نضج و پختگی مقوله قابل توجهی است که در تعالیم عالی اسلام بر آن تأمل کامل شده است.

نضج، همان کمال یافتگی در درک مسئولیت و مهارت و دانایی و تدبیر در کار است.

ص: 106

1- همان ص 441

2- الشریف المرتضی، تنزیه الانبیاء، دارالاضواء، 1989 م، ص 235

(النضج، هو البلوغ الكامل و الناضج الذی بَلَغَ غایةَ الکمال)؛ (1) نضج، پختگی و بلوغ کامل است و ناضج آن کسی است که در او کمالات به مرحله نهایت رسیده باشد؛ یعنی در مدیریت به کمال رسیده و همه امور را درک نموده باشد.

6. خلاقیت و نوآوری

خلاقیت، چنان که از لفظ آن پیداست به مفهوم آفرینندگی و به ظهور رساندن امری است که در گذشته نبوده است خلاقیت صفتی الهی و اسمی از اسمای الهی است قرآن کریم خود نتیجه خلاقیت و مبنای آن است؛ نتیجه خلاقیت الهی و مولد خلاقیت در پیروان این کتاب کریم و الهی است.

مدیریت شهری، لازمه اش ابتکار و خلاقیت و نوآوری است. در خلاقیت است که فرد شکل ها و صورت ها و قالب های متعددی را می تواند برای انجام امور ترسیم نماید و بهترین آن را برای کار برگزیند.

به عبارت دیگر تدبیری را داشته باشد که از راه های مختلف که می تواند ترسیم کند راهی بهینه را که هزینه کمتری می طلبد و هم سریع تر به مقصد می رساند گزینش نماید.

امید است که مدیریت شهری در شهری مطلوب و بایسته به تدبیری لازم و توفیقی کامل دست یابد.

ص: 107

1. قرآن کریم.
2. اقتداری علی محمد؛ سازمان و مدیریت، نشر مولوی، 1366
3. گایینی، ابوالفضل؛ مقاله پیش فرض های مدیریت اسلامی، مجله حوزه و دانشگاه ویژه مدیریت، شماره 37.
4. ویرث، لوئیز؛ شهرگرایی شیوه ای از زندگی، مطالعات شهری و منطقه ای، 1358.
5. فتیحی، کوروش واجارگاه؛ اصول برنامه ریزی درسی، تهران، انتشارات ایران زمین، 1377.
6. فرامرز قراملکی، احد؛ اخلاق حرفه ای، چاپ نقش سبحان، 1382.
7. احمد اکبر؛ پست مدرنیسم و اسلام، ترجمه سید محمد آوینی، نامه فرهنگ، شماره 17.
8. نراقی، محمد مهدی؛ جامع السعادات، مطبعة النجف، 1963 م / 1383 ق.
9. امام علی؛ نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1374.
10. امام علی؛ نهج البلاغه، صبحی صالح.
11. آمدی، عبدالحسین؛ غرر الحکم و دررالکلم، بی تا.
12. حر عاملی، محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعه، تهران مطبعه الاسلامیه، 1398 ق.
13. دو کولانژ، فوستل؛ قرابت مذهبی، ترجمه دیهیم خشایار، نیما.
14. آشتیانی، جلال الدین؛ ایده بشر، تجزیه و تحلیل افکار مدیریت، شرکت سهامی انتشار، 1367.
15. زارعی متین، حسن؛ مدیریت منابع انسانی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات، 1379.
16. پولادی، کمال؛ از دولت اقتدار تا دولت عقل، نشر مرکز، 1380.
17. الشریف المرتضی؛ تنزیه الانبیاء، دار الاضواء، 1989 م.

ساختار مدیریت شهری در نظام اسلامی دین محور و دین گراست.

مدیریت شهری کارآمد، می تواند در راستای توازن و تعادل و جهت دهی و انتظام بخشی و ایجاد فرهنگ مطلوب اثر گذار باشد.

مدیریت شهری عقلانی، می باید به تنوع خرده فرهنگ ها در شهر توجه نماید. مدیریت شهری در نظام اسلامی به دلیل این که شاکله و ماهیت الهی دارد باید اثر بخش و کارآمد باشد و اگر چنین نباشد به کلیت نظام اسلامی ضربه وارد می سازد و چهره نظام دینی و الهی را خدشه دار می کند.

شهرداری ها به مدیران اثر بخش بیشتر از مدیران موفق نیازمند هستند و مدیریت ویژه ای را طلب می کنند. ماهیت فعالیت هر سازمانی مدیریت ویژه خود را می طلبد و نمی توان مدیر یک سازمان با ماهیت کاری معین را در مؤسسه ای دیگر که ماهیت کاری متفاوتی دارد به کار گمارد.

برخی به اشتباه، یکی از ویژگی های مطلوب مدیریت یعنی «قاطعیت» را با «خشونت» اشتباه گرفته تصور می کنند چنان چه مدیر در برابر کوچک ترین اظهار نظر انتقادی محکم برخورد کرده فرد منتقد را مقهور و منکوب کند، مدیر مقتدری است! در حالی که این مدیر ناآگاه با تیشه کم تجربگی و غرور، بر ریشه سازمان می زند.

اگر تعریف مورد پذیرش اکثر قریب به اتفاق صاحب نظران این رشته که مدیریت را انجام دادن کارها به وسیله دیگران می دانند محور بحث قرار داده قبول کنیم که «هدایت» یکی از وظایف مدیر است باید بپذیریم هنگامی مدیر می تواند خودش را اثر بخش بداند که انجام کارها به وسیله دیگران با میل و رغبت آنان انجام شود؛ زیرا لزوماً هر مدیر موفق اثر بخش نیست.

برای انتخاب مدیران موفق و اثر بخش رعایت نکات زیر باعث رفع تدریجی مشکلات مدیریتی و در نهایت کمک به حل معضلات جامعه نیز می شود:

الف) برای انتخاب و انتصاب مدیران معیارهای عمومی و تخصصی تدوین گردد

و طبق آن عمل شود.

(ب) محور اصلی معیارها شایسته سالاری باشد.

(ج) برای ترویج روحیه مسئولیت پذیری و پاسخ گویی مدیران آیین نامه های ویژه ای تدوین گردد و بر اجرای آن ها نظارت شود.

(د) در کنار تشویق های رایج برخورد قاطع با مدیران متخلف و برکناری آن ها صورت گیرد.

(ه) جابه جایی مدیران تنها در حوزه تجربه و تخصص آن ها انجام گیرد، و تعویض مدیران سطوح میانی حتی در صورت تعویض مدیران مافوق آن ها با دلیل و برهان انجام شود.

منشور اخلاقی مدیریت شهری:

1. درک وظیفه و شناخت مسئولیت.

2. مدیریت را امانت دانستن.

3. دغدغه بندگان خدا را داشتن.

4. معاشرت نیکو.

5. صداقت در کار داشتن.

6. انتقاد پذیری.

7. رعایت حقوق مردم و بیت المال.

8. دوری از حرص و آزمندی.

9. رعایت اصل مشاوره.

10. پرهیز از کبر و خودپسندی.

بایسته های مدیریت شهری در حوزه سازمانی:

1. نهادینه سازی رفتار مذهبی.

2. تسلط نسبی.

3. تجلی بخش خواست اجتماعی.

4. در دسترس بودن.

5. نضج و رشد.

6. خلاقیت و نوآوری.

ص: 111

*شبکه ارتباطی روان، مطمئن و مؤثر کارگزاران با شهروندان و زائران در آرمان شهر رضوی/ سید حسین هاشمی (1)

چکیده

شهر و سازمان شهری از عناصر سه گانه فضا شهروندان و مدیران شهری تشکیل می شود با این که نقش مدیریت در میان عناصر یادشده در شکوفایی و بهزیستی شهری و ایجاد فضای آرمانی از همه مهم تر و اثر گذارتر است با این حال نمی توان کار کرد شبکه سالم روان و مطمئن، ارتباطی میان شهروندان و مدیران را در، رفاه آسایش و بهبود فضای شهری نادیده انگاشت به ویژه در کلان شهرهایی همچون مشهد که افزون بر ساکنان بومی سالیانه پذیرای میلیون ها مسافر زائر و توریست است راه دست یازیدن به تعامل روان مطمئن و مؤثر کارگزاران و شهروندان را با دو نگاه درون دینی و برون دینی می توان به مطالعه نشست. از منظر درون دینی آن چه می تواند در این فرآیند کمک کند سلسله ای از ویژگی های رفتاری و سازمانی است؛ همچون ارتباط پیوسته و روزآمد مدیران و شهروندان ایجاد مکانیسم پاسخگویی مستمر و بی وقفه کارگزاران به شهروندان ایجاد بستر ارتباط کارگزاران با زائران و سیاحان بسترسازی فرهنگی حذف واسطه ها صداقت در عملکرد قانون گرایی انضباط اداری ممنوعیت رشوه ستانی قاطعیت و مدارا در عمل سرعت پاسخ دهی به ارباب رجوع با نگاهی از برون نیز می توان گزینه هایی را در روانسازی و اطمینان بخشی روابط کارگزاران و شهروندان یادآور شد که بهترین سند در این باره سند انتشار یافته از سوی سازمان ملل در زمینه ارتباط کارگزاران با شهروندان است.

کلیدواژه ها: جایگاه مدیریت شهری، رفتار کارگزاران، رابطه کارگزاران و شهروندان، ارتباط روان، ارتباط مطمئن، عوامل افزایش اطمینان، عوامل روان سازی تعامل

ص: 112

آرمان شهر رضوی سیمایی غیر از آرمان شهر دینی ندارد؛ زیرا که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و نیز تمامی امامان معصوم - با صرف نظر از تفاوت نیازها و شرایط زمان و مکان - همگی در پی تأسیس جامعه ای با شاخصه های همانند و همسان بوده اند بدین ترتیب آن چه از کتاب و حیانی قرآن سنت نبوی، سیره گفتاری و رفتاری امامان معصوم علیهم السلام و نیز دریافت های عقل و خرد جمعی بشر در تبیین شمایل جامعه دینی استفاده می شود نمایانگر سیمای آرمان شهر رضوی است و این بدان معناست که پژوهنده در موضوعات مختلف آرمان شهر، رضوی می تواند از عرصه گسترده آموزه های دینی بهره بگیرد بی آن که الزام و تقیدی در استفاده از سنت رضوی علیه السلام داشته باشد مگر آن که در آن موضوع خاص امام علیه السلام دارای سنت و تبیین مشخصی باشد که بی گمان عنوان بحث بهره وری از چنان میراثی را اولویت می بخشد.

مؤلفه های شهر

شهر، به مفهوم امروزی خود از دو مؤلفه: عنصر مادی - با تمامی گستره معنای آن - و عنصر انسانی تشکیل می شود. مؤلفه دوم و انسانی به نوبه خود از دو مؤلفه ریزتر؛ شهروندان و مدیران صورت می بندد.

از میان مؤلفه های سه گانه پیش گفته هرگاه به دیده ارزش داوری و از منظر تاثیر گذاری و تاثیر پذیری درون سازمانی بنگریم نقش بنیادین و اساسی را نخست به عنصر انسانی شهر می باید وانهاد؛ زیرا عنصر مادی، جز فرآیند فکر، هنر، اراده، ذوق و سلیقه و ابتکار عنصر انسانی نیست اما در نسبت سنجی

درونی میان دو عنصر انسانی مؤلفه شهر (یعنی مدیران و شهروندان) داوری چندان سهل و ساده نیست؛ زیرا مدیران و شهروندان به دلیل ارتباط پیوسته و شبکه ای، بر یکدیگر تاثیر متقابل و دوسویه دارند مدیران در آغاز راه برای تصدی مقام مدیریت از سوی شهروندان برگزیده و به کار گمارده می شوند و در نتیجه نیازمند عطف و جلب توجه مردم اند؛ چنان که در تداوم مدیریت و اجرای بهینه تکالیف و مسئولیت ها و نیز رفع کاستی های شهر و نیازهای شهری و شهرسازی، طراوت، سرسبزی، زیبایی، پاکی و بهداشت اخلاقی و محیطی، به همیاری شهروندان نیازمندند از سوی دیگر شهروندان نیز به مدیران، طرح ها، ابتکار، خرد، دلسوزی و تعامل مثبت آنان با شهروندان در پاسخ گویی و رسیدگی به مشکلات و معضلات روزانه شان نیازمندند.

اما در فرجام و پس از درنگ و تأمل نمی توان بر این واقعیت چشم فرو بست که در تمامی شکل های سازمانی و از جمله مدیریت شهری عنصر مدیریت کلیدی ترین نقش را در رسیدن به شهر مطلوب و آرمانی دارد، رهیافت به این حقیقت از رهگذر استدلال عقلی و نیز آموزه های دینی میسر است.

دین و نقش محوری مدیریت

هرگاه از منظر دین به مدیریت و کارکرد آن بنگریم، اصرار متون قرآنی و روایی را بر مدیریت صالحان و سامان یابی تمام سویه جامعه انسانی در ابعاد اساسی اقتصادی اخلاقی در زمان حاکمیت مدیران صالح و شایسته، آشکار می بینیم. مدیریت، عنصر اساسی در سمت و سو دهی حیات و سعادت شهروندان است؛ زیرا شهروندان در هر دو زمان (مدیریت صالحان و مفسدان)

ثابت اند، تنها با تغییر مدیران است که تمامی تغییرات گسترده در محیط و حیات شهروندی آغاز می شود و گسترش می یابد.

خرد و کارکرد مدیریت

اشاره

براساس رهیافت عقل و داوری خرد، انسانی نیز این مدیران جوامع هستند که از استعداد، هنر، ذوق و سلیقه شهروندان سود می جویند و دیدگاه ها و توان های آنان را از مرحله تئوری و نظر به منصفه بروز و ظهور می رسانند. شهروندان هر چند از برترین استعدادها و ابتکارات بهره مند باشند ابزار و امکانات اجرایی کردن طرح ها و ایده های خویش را ندارند مگر آن گاه که مدیران به این طرح ها و تئوری ها توجه نشان دهند و در مقام اجرای آن ها برآیند.

از این رو در تعریف مدیریت گفته شده است:

«اگر شهر، همچون سازمانی در نظر گرفته شود لازم است که در راس آن عنصری برای برنامه ریزی آینده و اداره امور کنونی قرار گیرد. این عنصر را می توان مدیریت شهر نامید».⁽¹⁾

با این حال و با فرض پذیرش مرتبت نخست کارکرد اداره و مدیریت شهری در دست یازیدن به شهر مطلوب و آرمانی باید اعتراف کرد که مدیران شهری آن گاه در این فرآیند توفیق خواهند داشت که تعامل و روابط آنان با شهروندان

ص: 115

1- کیا کجوری، داود، و ملک محمدی زنجان، علی اصغر، مقاله: ارائه و توسعه مدلی به منظور ایجاد هماهنگی بین دو و یا چندین سازمان متولی مربوط به مدیریت شهری مجموعه مقالات، کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، ص 3

سالم، و منطبق با معیارهای اخلاقی و مدیریتی باشد تا بتوانند از یک سوا اعتماد و اطمینان شهروندان را به دست آورند و در نتیجه توان های بالقوه آنان را در ساحت نظر و عمل به کار گیرند و از سوی دیگر، ابتکارها طرح ها و ایده های مدیران مورد قبول و پذیرش شهروندان قرار گیرد چه اگر فضای بی اعتمادی و گمانه ناتوانی مدیران در امر مدیریت یا عاری بودن مدیران از ارزش های اخلاقی و تقوا بر روابط دو طرف سایه افکند توان های شهروندان و ایده ها و برنامه های مدیران قربانی این تنش و تخاصم می گردد.

از میان صفات اخلاقی، رفتاری و شاخص های مدیریت مطلوب و آرمانی، این نوشتار با نگاه از دو منظر درون دینی و برون دینی به عوامل روان ساز ارتباط مدیران و شهروندان و گزینه هایی که این تعامل و ارتباط را اطمینان بخش و اثر گذار می کند، می پردازد.

الف) نگاهی از درون

عوامل روان سازی ارتباط شهروندان و مدیران

اشاره

روان شدن مطلوب و سازنده بودن ارتباط میان مدیران و شهروندان هنگامی میسر می گردد و تحقق و عینیت می یابد که تعامل و روابط مدیران با شهروندان برخوردار از شاخصه های زیر باشد:

1. ارتباط سالم پیوسته و روزآمد مدیران با شهروندان

اصل این موضوع که مدیران شهر باید در مدیریت شهری از رأی و نظر طیف وسیعی از شهروندان به صورت روزآمد مطلع باشند و هیچ طرح و برنامه ای را بدون نظر سنجی شهری و استفاده از تجربه ها و دیدگاه های شهروندان در

دست اقدام نگیرند، نیازمند استدلال نیست با این حال ممکن است گاه برخی از مدیران به دلیل تحصیلات تخصصی های نظری یا منزلت اجتماعی و اداری خود را از نظر و مشورت شهروندان بی نیاز ببینند و این نوع نگاه آنان را به ویژگی ناپسند خود بسندگی فکری دچار سازد و این فرآیند در تعامل و ارتباط روان و مثبت مدیران با شهروندان اثر بگذارد پرهیز از این کاستی با مشورت و نظر خواستن مستمر و روز آمد از شهروندان میسر است چندان که این کار، تبدیل به یک رویه و عرف اداری شود.

اندیشه دینی نیز گویای آن است که در یک جامعه مطلوب دینی انسان در هر پست و موقعیتی که قرار داشته باشد بی نیاز از رأی و نظر دیگران نیست

بخشی از فلسفه و حکمت این راهبرد دینی را اگر در کامل شدن طرح ها و دستیابی مشورت گیرنده به دیدگاه بهتر و صائب تر بدانیم، بی گمان بخش دیگر حکمت را می باید در مسایل روانی و شخصیت دادن به مشورت دهندگان جست و جو کرد که خود به استحکام روابط دو جانبه اعتماد سازی و تسهیل روابط می انجامد.

معمر بن خلاد می گوید: «یکی از غلامان امام رضا علیه السلام به نام سعد وفات یافت، امام به معمر فرمود: شخص با فضیلت و امین به من معرفی کن!

با تعجب گفتم: من کسی را به شما معرفی کنم؟!»

حضرت با حالت شبیه انسان خشمگین فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با یارانش مشورت می کرد و بعد درباره آن چه که می خواست تصمیم می گرفت.» (1)

ص: 117

1- حر عاملی، آداب معاشرت از دیدگاه اسلام، ترجمه محمد علی فارابی و یعسوب عباسی علی کمر، چاپ ششم، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، 1382

در روایت دیگر، به نقل از حسن بن جهم آمده است:

«جمعی در خدمت امام رضا علیه السلام بودیم ایشان یادی از پدر بزرگوارش نمود و فرمود: هیچ عقلی با عقل او برابری نمی کرد در عین حال، در بسیاری اوقات با یکی از غلامان سیاه پوست خود مشورت می کرد به آن حضرت گفته شد، آیا با چنین کسی مشورت می فرمای؟»

در پاسخ فرمود: چه بسا خدای تبارک و تعالی مشکل را به زبان چنین شخصی برطرف کند». (1)

بسیاری اوقات درباره مزرعه یا باغ آن حضرت را راهنمایی می کردند و امام علیه السلام به آن راهنمایی عمل می فرمود. (2)

در این دو روایت، اگر مقام و منزلت امام معصوم که به تمام جوانب امور آگاهی کامل دارد با نظر غلام و برده ای از بردگان (که در عرف آن روزگار شهروندان درجه دوم به حساب می آمده اند) در نظر گرفته شود، مشخص می گردد که در تعامل سالم شهروندان با مدیران در آرمان شهر اسلامی، رضوی این نوع رابطه نه تنها امر عجیب و شگفت نیست که مطلوب و بایسته می نماید نمونه های غیر متعارف تر از این نمونه را نیز می توان در شیوه مدیریتی امامان معصوم سراغ گرفت (که بی تردید پی نهادن یک سنت و مدل مدیریتی از سوی امامان را نیز می توان در انگیزه های این گونه برخوردها و

ص: 118

1- همان، ص 45 و 46

2- همان.

رفتارها جست و جو کرد.) مانند آن چه از علی بن، مهزیار صحابی و نماینده امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام در اهواز روایت شده است:

امام جواد علیه السلام به من نوشت: به فلانی بگو با ما مشورت کند و پس از مشورت آن چه نظر خودش است انتخاب کند؛ زیرا او از آن چه در سرزمینش (اهواز) می گذرد و از این که با سلاطین چگونه رفتار کند آگاه تر است. مشورت باعث برکت و خوش بختی است خداوند به پیامبرش در قرآن کریم می فرماید: در کارها با مردم مشورت کن، لکن آن چه خودت تصمیم گرفتی با توکل بر خدا، انجام بده.

«حضرت افزود: پس اگر هر چه می گذرد به من گزارش دهد بهترین نظر را برایش می نویسم و اگر رای و نظر من بهتر نباشد امیدوارم او را به راه روشن حق راهنمایی کرده باشم» (1)

رهیافت به کار کرد مثبت این رویه در دنیای معاصر از راه مطالعه در شیوه مدیریت و تعامل جمعی در کشورهای پیشرفته و صنعتی که به توفیقات چشم گیر و غیر قابل انکار دست یازیده اند میسر است. «ایشی رو کاوازاکی» از محققان و پژوهشگران ژاپنی در تبیین عوامل موفقیت و پیشرفت کشور ژاپن علی رغم ویرانی و خرابی بسیاری که در جنگ جهانی دوم بر آن کشور تحمیل شد می گوید:

«بعد از یک فاجعه نظامی که باعث شکست ژاپن شد، ملت ژاپن تمام کوشش و فکر خود در راه سازندگی به کار برد و در بازسازی کشور، آثار

ص: 119

شگفت انگیزی به وجود آورد... جواب این پدیده شگفت انگیز و غیر قابل، توصیف در چیزی است که من به آن فعالیت ناشناخته و اجتماعی ملت ژاپن نام داده ام. من شرح داده ام که ژاپنی ها چقدر به طور دسته جمعی فکر و عمل کنند شاید فرد به تنهایی در مقام مقایسه با غرب، کوشش و فعالیت شدیدی نداشته باشد ولی کار دسته جمعی در ژاپن بیش از کار دسته جمعی در غرب قابل توجه است»

(1)

2. ایجاد مکانیسم پاسخ گویی بی وقفه به شهروندان

افزایش و رشد جمعیت شهری گسترش شهرک های اقماری و حاشیه نشینی و توسعه قلمرو کاربری مدیریت شهری در کلان شهرهایی چون شهر مشهد که افزون بر میلیون ها شهروند ساکن سالانه پذیرای ده ها ملیون زائر و توریست می باشد و بر تنوع کارهای مرتبط با شهرداری می،افزاید عوامل و گزینه هایی هستند که ضرورت افزایش زمان حضور کارگزاران در بخش های پر رفت و آمد را می طلبد و این یکی از مهم ترین راهکارهایی است که می تواند بر سهولت و روانی ارتباط شهروندان با،مدیران مؤثر افتد اجرایی ساختن چنین ایده ای از چندین راه (که هر کدام آن در دنیای امروز و پاره ای از کشورها تجربه شده) میسور است:

یک: از راه افزایش ساعات حضور مدیران و معاونان در مناطق پر رفت و آمد در ساعات بعد از ظهر.

ص: 120

دو: از راه ایجاد شیفت و تقسیم کارمندان و معاونان در بخش هایی که مراجعه کننده زیاد دارند در دو شیفت روزانه و شبانه.

از مهم ترین و نیز روشن ترین چالش هایی که ممکن است بر این دو راهکار وارد آید موضوع افزایش حقوق کارمندان براساس عملیاتی شدن راهکار نخست یا افزایش شمار کارمندان و کارگزاران شهرداری بر اساس راهکار دوم است. این مشکل را می توان بدین گونه برطرف ساخت که از کارمندان بخش های غیر ضروری و کم تردد در حد امکان کاسته شود و به جای آن از این نیروها در شیفت های شبانه یا ساعات اضافی کارهای روزانه استفاده به عمل آید تا هم به ساعات کاری کارمندان شهرداری افزوده شود و هم به اخراج کارمندان نینجامد و هم افزایش حقوق و هزینه های شهرداری را در پی نداشته باشد. اگر چنین چیزی جوابگو یا عملی نباشد می توان با دریافت هزینه های ساعات اضافی کارمندان از مجرای خود مردم اقدام کرد (هر چند اگر مدیران شهری تصمیم بگیرند از راه های بسیاری که می شناسند، می توانند این میزان هزینه را به دست آورند). اگر مردم به صداقت و امانت کارگزاران شهرداری در این خصوص اطمینان داشته باشند و بدانند که در ساعات غیر معمول اداری یا به صورت شبانه روزی به مشکلات آنان رسیدگی می شود هزینه های اندک این ناحیه را با جان و دل پذیرا خواهند بود.

سه: ایجاد ارتباط شبکه ای و دیجیتالی و دادن اختیارات مدیریت ها به سیستم ها تا بتواند با برنامه هایی که به آنان داده می شود به مشکلات و مراجعات مردم در اوقات غیر اداری یا حتی در زمان حضور کاربران و کارمندان پاسخ بگویند

و نیز زمان دقیق مراجعات دفعات بعدی را مشخص کنند و در همان زمان نیز شهروند مراجعه کننده واقعا پاسخ کامل خود را دریافت کند.

3. ایجاد بستر ارتباط مستمر با زائران و سیاحان

مدیریت شهرهایی چون مشهد که پس از تهران بیشترین میزان جمعیت شهری را در خود جای داده و افزون بر جنبه داخلی و سکونت شهروندان بومی شمار زیادی از توریست ها، سیاحان و زائران مذهبی از کشورها و ملیت های مختلف (و براساس پاره ای از آمارها تا سقف هفده میلیون مسافر سالانه) در آن رفت آمد دارند می طلبد که مکانیسمی در نظر گرفته شود تا این گروه ها نیز بتوانند در مواقع ضرورت به مدیران شهری دسترسی داشته، دیدگاه ها و احیانا نیازها و خواسته های خویش را با آنان در میان بگذارند (ارائه طرح اجرایی و عملیاتی این کار را باید به عهده متخصصین امر و مطالعه بر امکانات و ظرفیت ها بسترها و هزینه های لازم برای این کار گذاشت).

این کار با اختصاص غرفه هایی در میادین و چهار راه های نزدیک به حرم مطهر یا ورودی های شهر مشهد با عنوان روابط بین الملل شهرداری مشهد یا هر نام دیگر امکان عملیاتی شدن دارد یکی از وظایف و کارهای نخستین این غرفه ها می تواند ارائه نقشه شهر معرفی اماکن تاریخی آثار فرهنگی و باستانی مشهد برای زائران و سیاحان باشد و نیز همراه کردن افرادی به عنوان راهنما با زائران و سیاحان و رزرو کردن هتل یا محل اقامت متناسب با وضعیت فرهنگی، مذهبی و گرایش های دیگر مسافران و در برخی از موارد همراهی کردن آنان در گشت و گذار داخل شهر و ارتباط پیوسته و مستمر با آنان تا

زمان عزیمت و خروج مسافر و زائر از مشهد.

البته این کار به گونه ای نباید باشد که احساس ضیق و تنگنا و قرار داشتن تحت مراقبت و کنترل را در ذهن زائر و مسافر تداعی کند بلکه باید به گونه ای باشد که مسافر حضور و همراهی را به نفع خود و برای اقامت بهتر و حفظ و صیانت از حقوق خویش بداند بخشی از این کار در تلافی با وظایف سازمان گردشگری و ایرانگردی است. اما سازمان گردشگری بیشتر با جهانگردان و افراد و گروه هایی شاخص و بیشتر غیر مسلمان از کشورهای اروپایی و غیر اسلامی در ارتباط اند که به صورت رسمی به عنوان سیاح و جهانگرد وارد ایران می شوند اما افراد یا گروه های مذهبی که به صورت غیر رسمی و به عنوان مسافر یا زائر وارد مشهد می شوند چندان ارتباطی با سازمان جهانگردی ندارند یا سازمان جهانگردی چنان رسالت و مسئولیتی را بر عهده خود احساس نمی کند.

4. بسترسازی فرهنگی

از جمله مسایلی که در عرصه زائر پذیری و صنعت توریسم مهم می نماید و از وظایف مدیریت شهری در راستای رسیدن به شهر آرمانی دینی و اسلامی به شمار می رود مؤلفه های زیر است:

* نخست ایجاد فرهنگ توریسم و زائر پذیری برای شهروندان و ساکنان بومی شهر از راه آموزش های تعامل سالم و اسلامی با زائران و مسافران برای یکایک اقشار و اصناف مختلف مشهد- که به نوعی در ارتباط و تعامل با زائران و سیاحان اند- از رانندگان تاکسی و مسافرکش های شخصی گرفته تا

ص: 123

مغازه داران هتل، داران و مسافرخانه داران و حتی اعضای خانواده ها و تمامی اقشار جامعه؛ زیرا که آنان نیز در مواجهه با زائران و مسافران قرار خواهند گرفت و با رفتار و برخوردی که از خود بروز می دهند پیام ها و الگوهایی از فرهنگ و ارزش های این جامعه را منتقل می کنند.

* ایجاد بسترها و قابلیت های شهری و رفاهی که بتواند همزمان نیازهای مسافران و زائران در حال اقامت و گردش و بازدید را برآورده سازد.

* ایجاد بستر فرهنگ و نهادی که بتواند داشته های تاریخی، مذهبی و فکری مشهد و در مجموع اندیشه شیعی را به مسافران و زائران انتقال دهد مانند تکثیر و چاپ جزوه های مشهد شناسی توزیع فیلم های مستند از آثار تاریخی فرهنگی مشهد و نیز بیان چکیده ای از شرح حال مشاهیر این دیار و مهم تر از همه تبیین غیر مستقیم باورهای شیعی ورد و نفی اندیشه های معارض با تفکر شیعی در عرصه هایی چون زیارت، دعا، گریه بر سر زیارت ها، شفاعت، آداب زیارت گو این که پرداختن به چنین مهمی بر اساس تعریف رسمی و تقسیمات کارهای سازمانی وظیفه نهادها و مراجع فرهنگی دیگر نیز هست که این خود تعامل و هم اندیشی بین سازمانی را می طلبد و نیازمند آن است که کانون و نهاد مشترکی با مشارکت و سهم داشت تمامی سازمان ها و نهادهای ذی ربط برای هم اندیشی و روی هم گذاشتن توان های فکری و سرمایه ها و بودجه های اختصاص یافته برای هر نهاد و مؤسسه فرهنگی تشکیل گردد تا هم کار در خور و شایسته شأن شهری چون مشهد انجام پذیرد و هم از تکرار و چندباره کاری و ضایع شدن سرمایه های انسانی و اتلاف بیت المال و

عوامل اطمینان ساز در روابط مدیران با شهروندان

اشاره

اثر گذاری ارتباط برآیند مستقیم اطمینان آور بودن ارتباط و تعامل میان دو طرف ارتباط است بنابراین به هر میزان که رابطه میان مدیران و شهروندان اطمینان آور باشد به همان پیمانه اثر گذار نیز خواهد بود. عوامل اطمینان آوری ارتباط را می باید در ویژگی های اخلاقی، رفتاری و اداری مدیران سراغ، گرفت چه این که شهروندان در این تعامل در جایگاه ارباب رجوع و صاحبان حاجت و نیاز تلقی می شوند و به طور طبیعی همان سان که خواهان ساده سازی و آسان بودن ارتباط و دسترسی به مدیران و کارگزاران هستند همان گونه در پی آناند که مدیران شهری با آن ها روابط مطمئن داشته باشند. گذشته از این که تسهیل و روان سازی و نیز اطمینان بخشی ارتباط در اختیار و حوزه عمل شهروندان نیست تا چنین خواسته و تقاضایی از آنان صورت پذیرد.

بدین ترتیب می باید قواعد و اصولی را نسبت به رفتار و عملکرد و اخلاق جمعی مدیران پیشنهاد داد تا در پرتو اجرایی کردن و کاربست آن قواعد و اصول روابط مدیران با شهروندان در عین روانی و سهولت، اطمینان آور و اثر گذار شود.

1. کاستن واسطه ها

یکی از معضلات روابط شهروندان با مدیران دسترسی نداشتن شهروندان به مقامات و مدیران اصلی است وجود واسطه های لازم و احیاناً غیر لازم چندان

در مسیر راه ایجاد وقفه و بن بست می کنند که ارباب رجوع پس از روزها انتظار و رفت و شدها نمی توانند مشکلات پیشنهادها یا هر موضوع دیگر- را که مستلزم ملاقات و دیدن مدیران اصلی- است با آنان در میان بگذارند حال آن که در جامعه مطلوب اسلامی مدیران در دسترس مردمان به ویژه قشر آسیب پذیری هستند که به چشم نمی آیند و برای گره گشایی کار خویش وسیله و واسطه ای ندارند. امام علی علیه السلام به کارگزار خود مالک اشتر می نویسد:

«بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند تا شخصا به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدای که تو را آفریده فروتن باش و سربازان یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دورکن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفت و گو کند».

این مطلب را نیز باید در نظر داشت که اگر رفت و شد و ملاقات با مدیران اصلی به گونه ای سهل گردد که هر کسی و در هر زمان که بخواهد آن ها را ببیند سبب می شود هر کسی با اندک مشکل و کاری نه چندان مهم که از عهده مقامات دون پایه تر نیز ساخته است به سراغ مدیران و کارگزاران اصلی برود و در نتیجه تمام وقت آنان با مسایل غیر مهم پر شود و افزون بر آن فلسفه وجودی سایر کارمندان و زیر مجموعه های اداری نیز زیر سؤال برود.

راه جمع این هر دو آن است که مدیران شهری همه روزه ساعت های مشخص و اعلام شده ای را به ارباب رجوع اختصاص دهند و هر کس و هر مشکلی را از کوچک و بزرگ از نظر بگذرانند و زیاده بر این لازم است در ساعات کاری کارمندان و مدیران بخش های کوچک تر نظارت و مراقبت از پیش اعلام نشده

و سرزده، دست کم در روزی یک بار انجام پذیرد و از یک یا دو نفر ارباب رجوع در هر پرونده ای نسبت به شکل سبب مراجعه و نحوه برخورد کارمندان با آنان پرس و جوی هر چند مختصر صورت پذیرد که این خود بستر شناخت کارگزاران خوب و بد و در نتیجه ترغیب یا نکوهش آنان را فراهم می آورد و زمینه های کم کاری کارگزاران و بدبینی و سلب اعتماد ارباب رجوع را از میان بر می دارد.

2. صداقت در عملکرد

صداقت در عملکرد و سیاست گذاری ها اصلی ترین سیاست های مدیریتی اسلام رمز جاذبه های جاودانی حکومت دینی و مرز میان سیاست دینی و غیر دینی است.

دروغ گویی اصلی ترین ابزار فعالیت های سیاسی در بازار سیاستمداران رسمی و حرفه ای است در عالم سیاستمداران حرف های اگر دروغ گویی از سیاست حذف شود چیزی از آن باقی نخواهد ماند در مقابل در فرهنگ دینی، صداقت، شرط سیاستمداری است و اگر صداقت نباشد حق مداری قانون گرایی حقوق بشر و عدالت اجتماعی پوچ و بی معنا می گردد و ابزار تجاوز بیشتر به حقوق مردم می شود هرگاه شهروندان از کارگزاران شهر خود بی صداقتی و نیرنگ و فریب و اغفال گری را مشاهده کنند جای تردید ندارد که اعتماد در روابط رخت بر می بندد و مدیران نمی توانند اثر گذار بر شهروندان باشند و طرح ها و ایده های خود را بر آنان بیاورانند.

سلیمان جعفری گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

ص: 127

«آیا می دانی که چرا اسماعیل علیه السلام صادق الوعد [مریم 54] نامیده شد؟ گفتیم: نه، حضرت فرمود: اسماعیل به شخصی وعده داد و یک سال به انتظارش نشست» (1)

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله کنار تخته سنگی به مردی وعده داد فرمود من این جا منتظر تو هستم تا برگردی امام می فرمود تابش آفتاب بر حضرت رسول شدید شد، یارانش عرض کردند: یا رسول الله چه خوب است که به مکانی سایه دار تشریف ببرید فرمود من در همین جا به آن شخص وعده داده ام و اگر نیاید در روز رستاخیز باید پاسخ گو باشد». (2)

امثال این متون روایی و دینی را نباید سفارش های اخلاقی و بدون کاربرد جدی در حیات و تعامل مثبت انسانی به حساب آورد که راهکارهایی هستند در جهت سعادت و آسودگی خاطر آدمیان در تعامل اجتماعی و مایه اطمینان سالم سازی و بهبود روابط اعضای جامعه در هر سطح و مسئولیت سازمانی و حکومتی چه این که در سلسله مراتب دینی، فردی بالاتر از پیامبر سراغ نمی رود که در آن زمان بالاترین میزان تعهد و صداقت را در برخورد با مردم داشته است.

3. قانون گرایی

احترام به قانون در اندیشه سیاسی دینی و شهر و جامعه مطلوب اسلامی به

ص: 128

1- عیون اخبار الرضا، 233، به نقل از: آداب معاشرت از دیدگاه معصومین، ص 46.

2- صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، ص 37

حدی است که هیچ مدیری خود را در برابر قانون صاحب اختیار نمی شناسد. در جامعه دینی هیچ کس فراتر از قانون نیست و هیچ کس نمی تواند و نباید مانع اجرای قانون الهی گردد.

امام علی علیه السلام می فرمود:

«مبادا رعایت و بزرگداشت کسی مانع شما از اجرای حد بر او شود».

از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

«امام علی علیه السلام مردی از بنی اسد را که حدی از حدود الهی بر او واجب شده بود دستگیر کرد اما قوم او جمع شدند تا وساطت کنند و از امام حسن خواستند آنان را همراهی کند.

امام حسن علیه السلام فرمود: نزد امام علی علیه السلام بروید. آنان نزد حضرت رفتند و خواسته خود را مطرح ساختند.

حضرت فرمود: هر خواسته ای که در قدرت من باشد انجام خواهم داد. آنان از نزد حضرت خارج شدند و می پنداشتند که به هدف خود رسیده اند.

امام حسن علیه السلام نتیجه ملاقات را پرسید و آنان گفتند: با موفقیت آمدیم و جمله حضرت را بازگو کردند.

امام حسن به آنان گفت: خودتان را برای تازیانه خوردن رفیقان آماده کنید امام علی علیه السلام آن مرد را بیرون آورد و حد را بر او جاری ساخت و سپس به آنان گفت: به خدا سوگند این در قدرت من نبود».

4. انضباط اداری

اندیشه دینی خواهان نظم و انضباط و سامان مندی امور است و از پراکندگی

کار اجتماع و از مدیران سهل انگار و بی تفاوت بیزار است. بی توجهی و سهل انگاری مدیران سبب از هم پاشیدن شیرازه اجتماع و سلب اعتماد مردم به مدیران جامعه می گردد امام علی علیه السلام به عنوان مدیری که می خواست جامعه مطلوب دینی را به تصویر بکشد در امور فردی و اجتماعی و به ویژه امور حکومتی طرفدار جدی نظم و انضباط بود و از حکمت های قرآن را ایجاد نظم در جامعه می دانست و می فرمود:

«آگاه باشید که در آن است علم آینده و خبر از گذشته و شفای بیماری و نظم آن چه در میان شماست».

و به کارگزاران خود مکرر توصیه می کرد که انضباط اداری را در کارها فراموش نکنند و تلاش کنند هر کاری در وقت مقرر خود انجام شود.

امام علی علیه السلام با این که از سیاست سرعت در پاسخ گویی به ارباب رجوع حمایت می کرد هرگز توصیه نمی کرد که سرعت مایه گسست نظم و انضباط و پاشیدگی شیرازه امور گردد آن حضرت در نامه به مالک نوشت:

«کار هر روز را در همان روز انجام ده که هر روزی کار مخصوص خود را دارد . . . از شتاب کردن در کارهایی که وقت آن ها نرسیده یا سستی در کارهایی که امکان آن فراهم شده یا لجاجت در اموری که مبهم است، یا سستی در کارهایی که روشن است پرهیز؛ هر کاری را در جای خود انجام ده و هر امری را به موقع خود آن به جای آور».

اعتقاد امام به ضرورت رعایت نظم در امور به حدی بود که حتی در بستر شهادت فرزندان خود را به نظم در کارها توصیه می فرمود:

شما را به تقوا و نظم امورتان سفارش می‌کنم.

5. ممنوعیت هدیه و رشوه

رشوه ستانی با هر عنوان و نام مقبول و مشروع نما که انجام پذیرد ریشه اعتماد مردم به آن نهاد و سازمان را از بن بر می‌کند از این رو در نظام آرمانی دینی و رضوی برای مبارزه با فساد اداری علاوه بر ممنوعیت اخذ رشوه گرفتن هدیه از مردم توسط کارگزاران دولت نیز ممنوع است در کلامی از امام علی علیه السلام آمده است

«هر زمامداری که از بر آوردن نیازهای مردم خود را پنهان کند، خداوند در روز واپسین میان او و نیازهایش فاصله خواهد انداخت و اگر هدیه ای دریافت کند خیانت کرده است و اگر رشوه بگیرد، مشرک است».

6. قاطعیت توأم با مدارا

در نظام آرمانی و مدیریت شهری کارگزاران و مدیران باید در عین قاطعیت از رفق و مدارا برخوردار باشند از دیدگاه اسلام خشونت مطلق، افت مدیریت است چنان که نرمش بی حساب هم برای اداره امور مردم زیانبار است و مدیریتی موفق است که بتواند میان نرمش و قاطعیت را با هم جمع کند. امام علی علیه السلام در نامه به یکی از کارگزاران و مدیران خود نوشت:

«اما بعد، بزرگان و زراعت پیشگان منطقه تو از سخت گیری و خشونت و تحقیر و ستم تو شکایت کرده اند و من درباره آنان اندیشیدم نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتم؛ چرا که مشرکاند و نه سزاوار سنگدلی و بدرفتاری هستند؛ چرا که با آنان پیمان بسته ایم پس در برابر لباسی از نرمش همراه با کمی درشتی برتن کن و رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باش و میانه روی

را در دور کردن و نزدیک کردن رعایت کن؛ ان شاء الله».

7. سرعت در پاسخ دهی

کارگزاران تهی از اخلاق انسانی و عاری از ترس و نگرانی محازات های دنیوی و اخروی در روابط خود با ارباب رجوع از شیوه ملاحظه و کار امروز را به فردا وانهادن پیروی می کنند و در نتیجه اعتماد و اطمینان و میزان تأثیرگذاری سیاست های ارگان و نهاد منتسب به خود را نزد ارباب رجوع از میان بر می دارند مدیران ارشد و سیاست گذاران اصلی، شهر که خواهان اعتماد شهروندان تأثیر سخن مقبولیت طرح ها محبوبیت مردمی و پاداش اخروی اند، باید از سیاست ملاحظه و امروز و فردا کردن مراجعان بپرهیزند و کارمندان خطا کار را مجازات کنند. بنابراین سازمانی چون شهرداری می باید با کارشناسی بر روی نوع کارهای ارباب رجوع مدت زمان معینی را به عنوان میانگین و نیز حداقل ها و حداکثرهایی را برای کار شهروندان معین کنند تا هم مایه شفافیت کار سازمان و هم مایه اطمینان و اعتماد شهروندان گردد. در راهبرد مدیریتی امام علی علیه السلام به کارگزاران آمده است:

«یکی دیگر از اخلاق مدیران بایسته برآوردن نیاز مردمان در همان روزی است که به تو عرضه می کنند»

(ب) نگاهی از برون

عوامل مؤثر در روان سازی و اطمینان افزایی روابط مدیران و شهروندان

اشاره

از میان اسناد موجود در زمینه معیارها و ویژگی های ارتباط سالم روان و مطمئن مدیران شهر با شهروندان و به دیگر سخن مدیریت شهری سند

ص: 132

انتشار یافته از سوی سازمان ملل را می توان جامع ترین بیانیه در این زمینه دانست. در این بیانیه چون معیارها و ویژگی های حکمروایی شهری بر ارزش های عام و جهان شمول و فارغ از تفاوت های سیاسی، فرهنگی و مکانی استوار شده است می توان آن ها را معیارهای مطلوب مدیریت شهری دانست. جز آن که با در نظر داشت شرایط خاص کشوری چون ایران معیار تمرکز زدایی را نیز باید به معیارهای مطلوب مدیریت شهری افزود در شهرهای ایران مکانیسم یا شبکه روان، مطمئن و مؤثر کارگزاران با شهروندان و زائران را با الهام از سند سازمان ملل به شرح زیر می توان معرفی کرد:

2. مشارکت شهروندان

منظور از مشارکت قدرت تأثیر گذاری بر تصمیم گیری ها و سهمی شدن شهروندان در قدرت مدیران شهر است مشارکت فقط به حمایت مردم از تصمیم گیران و تایید سیاست های آنان محدود نمی شود، بلکه فرآیندی است که در آن شهروندان و مسئولان در تصمیم گیری شهری سهم می شوند.

2. اثر بخشی و کارآیی

این معیار بر استفاده مناسب از منابع موجود برای تأمین نیازهای شهروندان، ارائه خدمات شهری و رضایت مردم استوار است.

3. پذیرا بودن و پاسخ گو بودن

این معیار، دو نکته را که بر روی هم مکمل یکدیگرند، در بردارد. مسئولان شهری هم باید نیازها و خواسته های شهروندان را دریابند و هم نسبت به آن واکنش و پاسخ صحیح را از خود نشان دهند، بنابراین همسویی با خواسته های شهروندان و اقدام، مسئولان در روانسازی ارتباط و همزمان جلب اطمینان و

حمایت مردم ضروری است.

4. مسئولیت پاسخ گویی

این معیار بر مسئول بودن و به عبارت گویاتر حساب پس دادن مسئولان و تصمیم گیران در قبال شهروندان استوار است بنابراین وجود ساز و کارهایی برای پاسخ گویی مسئولان ضروری است.

5. شفافیت

شفافیت، نقطه مقابل پنهان کاری در تصمیم گیری است. پنهان کاری، امکان بروز فساد در تصمیم گیری را افزایش می دهد حال آن که شفافیت مانع از گسترش آن می شود این معیار برگردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن وضوح اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان از روندهای موجود استوار است.

6. قانونمندی

منظور از قانونمندی در تصمیم گیری شهری وجود قوانین کارآمد، رعایت عادلانه چارچوب های قانونی در تصمیم گیری و دور بودن دست افراد غیر مسئول از تصمیم گیری هاست پایبندی به، قوانین مستلزم آگاهی شهروندان از قانون و همچنین احترام مسئولان به قانون است.

7. جهت گیری توافقی

شهر، عرصه صه گروه ها و منافع مختلف و گاه در حال ستیز یا رقابت با یکدیگر است منظور از جهت گیری توافقی، تعدیل و ایجاد توافق میان منافع مختلف است این کار مستلزم وجود ارتباط و تلاش مشترک میان سازمان های دولتی شهروندان و سازمان های غیر دولتی (نماینده گروه های مختلف) است.

منظور از عدالت، ایجاد فرصت های مناسب برای همه شهروندان در زمینه ارتقای سطح رفاهی، خود تلاش در جهت تخصیص عادلانه منابع و مشارکت اقشار محروم در اعلام نظر و تصمیم گیری است.

9. بینش راهبردی

فرارفتن از مسائل روزمره شهر و غرق شدن در آن ها، مستلزم وجود بینشی گسترده و دراز مدت نسبت به آینده یا داشتن بینش راهبردی در زمینه توسعه شهری است.

10. تمرکززدایی

این معیار، بر واگذاری اختیار به سازمان ها و مراکز مختلف و صلاحیت نهادهای محلی بر انجام وظایف تأکید می کند. تمرکززدایی بر اصل "تفویض مسئولیت به سطح پایین تر" subsidiarity استوار است. (1)

ص: 135

1- برک پور، ناصر، حکمروایی شهری و نظام اداره شهرها در ایران، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری ص 11-16

الف) نگاهی درون دینی

عوامل روان ساز ارتباط مدیران و شهروندان:

1. ارتباط سالم پیوسته و روزآمد مدیران با شهروندان.

2. ایجاد مکانیسم پاسخگویی بی وقفه به شهروندان به طرق ذیل:

- افزایش ساعات حضور مدیران و معاونان در مناطق پر رفت و آمد در ساعات بعد از ظهر.

- ایجاد شیفت و تقسیم کارمندان و معاونان در بخش هایی که مراجعه کننده زیاد دارند در دو شیفت روزانه و شبانه

ایجاد ارتباط شبکه ای و دیجیتالی و دادن اختیارات مدیریت ها به سیستم ها تا بتوانند با برنامه هایی که به آنان داده می شود به مشکلات و مراجعات مردم در اوقات غیر اداری یا حتی در زمان حضور کاربران و کارمندان پاسخ بگویند و نیز زمان دقیق مراجعات دفعات بعدی را مشخص کند و در همان زمان نیز شهروند مراجعه کننده واقعا پاسخ کامل خود را دریافت کند.

3. ایجاد بستر ارتباط مستمر با زائران و سیاحان.

4. بسترسازی فرهنگی از طریق:

- ایجاد فرهنگ توریسم و زائر پذیری برای شهروندان و ساکنان بومی شهر

- ایجاد بسترها و قابلیت های شهری و رفاهی که بتواند همزمان نیازهای مسافران و زائران در حال اقامت و گردش و بازدید را برآورده سازد.

- ایجاد بستر فرهنگ و نهادی که بتواند داشته های تاریخی مذهبی و فکری مشهد و در مجموع اندیشه شیعی را به مسافران و زائران انتقال دهد.

عوامل اطمینان ساز در روابط مدیران با شهروندان

کاستن واسطه ها

صداقت در عملکرد

قانون گرایی

انضباط اداری

ممنوعیت هدیه و رشوه

قاطعیت توأم با مدارا

سرعت در پاسخ دهی

(ب) نگاهی برون دینی

عوامل مؤثر در روان سازی و اطمینان افزایی روابط مدیران و شهروندان

مشارکت شهروندان

اثر بخشی و کارآیی

پذیرا بودن و پاسخ گو بودن

مسئولیت پاسخ گویی

شفافیت

قانونمندی

جهت گیری توافقی

عدالت

بینش راهبردی

تمرکز زدایی

نقش مشارکت های محله ای در مدیریت شهری در آرمان شهر رضوی / سید محسن میرسندسی - حسین رضانی

* نقش مشارکت های محله ای در مدیریت شهری در آرمان شهر رضوی / سید محسن میرسندسی - حسین رضانی (1) (2)

چکیده

شکل بهینه روابط سازمان های متکفل امور شهری مثل شهرداری با اجتماعات محلی از دیرباز مورد بحث و سؤال بوده است در دوره ای با رشد بی رویه شهرنشینی در بسیاری از نقاط جهان از جمله ایران برای مدیریت امور شهری پتانسیل و توانایی اجتماعات محلی نادیده گرفته شد و شهرداری ها یک تنه متکفل تمامی این امور شدند و در حال حاضر با مشکلات متعدد روبه رویند این مقاله بر آن است تا با واکاوی ادبیات نظری مفهوم مشارکت و محلات به بررسی تأثیر افزایش مشارکت محلات در بهبود این رابطه و افزایش موفقیت و کارآمدی شهرداری پردازد و به الگوی آرمانی مشارکت در رابطه محله شهرداری دست یابد.

برای این مهم، از آیات قرآنی و روایات جهت چارچوب سازی بهره جسته شده است. همچنین با مرور دانش علوم اجتماعی مربوط به این بحث دستاوردهای بشری در این حوزه نیز یاد شده اند در نهایت با بازشناسی تأثیرات مشارکت در شکل دهی اجتماعات و شهر آرمانی و شناسایی پیامدها و عوامل موثر بر افزایش آن به وضعیت مطلوب مشارکت در اجتماعات محلی دست یافتیم در پایان نیز بنا بر رسالت های مفروض برای مشهد- به عنوان آرمان شهر رضوی - برخی پیشنهادهای عملیاتی و پیشنهاد چند طرح پژوهشی مطرح گردیده است. امید است موجب فایده مندی و بهبود شکل رابطه و حصول عواید مثبت آن گردد.

کلیدواژه ها: مشارکت، اجتماعات محلی، آرمان شهر رضوی، مدیریت شهری، شهروند فعال

ص: 138

1- عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

2- کارشناس برنامه ریزی اجتماعی دانشگاه تهران

جامعه به عنوان مجموعه ای در هم تنیده از افراد نهادها و سازمان ها برای حفظ بقا و تداوم حیات خود از ساز و کارهای متفاوتی بهره می جوید که هر یک به میزانی و به شکلی خاص در این راستا عمل می کنند. بنیادی ترین این ساز و کارها را می توان نظام تعهدات و حقوق دانست نظامی که شکل دهنده بخش وسیعی از روابط بین فردی فردی سازمانی و بین سازمانی را شکل می دهد. با استمداد از این نظام تعاملات و روابط در درون جامعه جهت می یابد سطح تعهدات و حقوق طرفین از تناسب نسبی برخوردار می گردد تعهدات ضمانت اجرایی پیدا می کنند و در نهایت امور به جریان می افتند و تعاملات اجتماعی در پویاترین شکل خود برقرار می شوند.

از مهم ترین نهادهای اجتماعی می توان به نهاد سیاست و حکومت اشاره نمود. نهادی که متکفل بخش عمده ای از تعهدات و امور جامعه بوده و طیف گسترده ای از وظایف را بر عهده دارد علاوه بر تعاملات گسترده این نهاد با نهادهایی مثل نهاد اقتصاد و نهاد فرهنگ نهاد سیاست (و به طور خاص حکومت و سازمان های وابسته آن) روابط و تعاملات وسیعی را با سطوح خرد نظام اجتماعی یعنی مردم و یا به تعبیر دقیق تر شهروندان دارا هستند طبیعتا این تعاملات دو طرفه بوده و طرفین از هم انتظاراتی داشته و در قبال هم وظایفی را بر عهده دارند که مشخص و روشن بودن این ها سهم قابل توجهی در پایداری این تعامل و رضایت طرفین برعهده دارد.

با ظهور دولت های رفاه در غرب و سرایت آن به دیگر نقاط دنیا دولت ها

تبدیل به سرپرستان جامعه شدند و علاوه بر مسئولیت های مرسوم خود از جمله: هدایت و کنترل جهت عملکرد نظام اقتصادی جامعه، حفظ امنیت ملی و بین المللی کشور سامان دادن نظام آموزش و کمک به شکوفایی نظام فرهنگی جامعه در جهت موازین و چارچوب های مورد قبول اکثریت اعضای جامعه به طور فزاینده وارد حوزه روابط بین فردی در جامعه شده و مسئولیت هایی را بر دوش گرفتند که پیش از آن بر عهده اجتماعات محلی و یکایک آحاد جامعه قرار داشت.

این فرآیند دارای دو تأثیر مخرب بود از یک طرف روند رو به رشد انتظارات شهروندان از سازمان های دولتی و انباشته شدن وظایف متعدد و گوناگون بر دوش این سازمان ها و رشد ناگزیر بدنه دولت در جامعه، منجر به ناکارآمدی بدنه های اجرایی دولت ها گردید و هزینه های جاری این سازمان ها را به ارقامی سرسام آور رساند. از طرف دیگر این مداخله و سلب مسئولیت های پیشین از دوش شهروندان باعث سرباز زدن آن ها از انجام و پذیرش اموری شد که تا پیش از این - بنا بر تعهدات اجتماعی و مسئولیت های مدنی - ملزم به انجام آن ها بودند.

با نگاهی دقیق تر به بخشی از مسائل شهر و مدیریت شهری خواهیم دید که شکل ناکارآمد نامتوازن و نامتناسب روابط سازمانی مثل شهرداری با شهروندان منجر به بروز نابسامانی ها و اختلالات متعددی گشته است که از جمله مهم ترین آن ها می توان به کمرنگ شدن هویت های محله ای سست شدن انسجام و همبستگی اجتماعی و ایجاد شکاف فزاینده بین شهرداری و مردم

در این مقاله، تلاش خواهد شد به بخشی از روابط شهروند - شهرداری (به عنوان نمایندگان دو طرف مورد بحث)، شهرداری به عنوان حکمران محلی و نماینده نهاد سیاست و شهروند هم به عنوان نماینده جامعه، پرداخته شود.

بیان مسئله

نظام حقوق- تعهدات در هر رابطه ای از اهمیت قابل توجه برخوردار بوده مزایای گوناگونی را در پی خواهد داشت. از مهم ترین آن ها می توان به مشخص شدن حدود و ثغور رابطه بین طرفین و شکل گیری انتظارات روشن اشاره نمود که این خود نیز منجر به شکل گیری رابطه ای پایدار می شود که در آن هر دو طرف سطح تعهدات معقولی را بر عهده دارند و یک رضایت دوجانبه در طرفین احساس می شود

موضوع بحث این مقاله، بررسی روابط از این منظر واری دستاوردهای حاصل از برقراری یک نظام صحیح و شناسایی پیامدهای منفی حاصل از به بیراه رفتن این نظام تعهدات می باشد برای نیل به سمت حصول دستاوردهای علمی و عملی محسوس و اجتناب از کلی گویی های بدون پایه و مبنا، از دو جنبه به تحدید موضوع می پردازیم:

اول: رابطه مورد بررسی رابطه شهروند شهرداری است. به بیانی دقیق تر، روابط بخش های مختلف شهرداری با اجتماعات محلی یا همان محله ها مورد بحث قرار می گیرد.

دوم: با توجه به کثرت عوامل و متغیرهای تأثیرگذار در تنظیم این رابطه و عدم

امکان بررسی این طیف وسیع به واکاوی پدیده مشارکت و نقش آن در رابطه شهرداری- محله و مدیریت شهری می پردازیم.

در این نوشتار، برای تشریح پدیده مشارکت و بررسی تلویحات و پیامدهای آن ابتدا به کارکرد آن در شکل گیری اجتماعات محلی و دستاوردهای حاصل از ارتقا و بالا رفتن سطح مشارکت های درون گروهی و تعهدات و مسئولیت های درون محله می پردازیم سپس با تصویر کردن شکل آرمانی رابطه محله - شهرداری در شهر به تحلیل عوامل موثر بر افزایش آن خواهیم پرداخت از آن جا که استفاده از مشاهدات و مطالعات تجربی و واکاوی دستاوردهای حاصل از آن ها در مطالعات از اهمیت ویژه ای برخوردار است به بررسی دستاوردهای دو پژوهش که درباره مشارکت شهروندان در امور شهری انجام شده است همت می گماریم نتایج این تجربیات گویای این است که نقش مشارکت و همراهی محله و ساکنین آن در اجرای این پروژه ها غیر قابل انکار و ضروری است همچنین همیاری محلات در اجرای پروژه ها باعث کاهش هزینه اجرا مشروعیت و مقبولیت بیشتر پروژه و کاهش شکاف بین شهرداری و شهروندان می گردد.

پیشینه نظری

در دوران پس از رنسانس و انقلاب صنعتی که جوامع رو به توسعه گام برداشتند، نظریه ها و رویکردهای مختلفی نسبت به روش نیل به توسعه مطرح گردید. این نظریه ها هر یک در گذر زمان با نواقص و کاستی هایی روبه رو

گردیدند که این کاستی‌ها ضرورت اصلاح نگرش و به کارگیری رویکردهای جدید و بهتری را مطرح می‌نمود در راستای طرح ظهور رویکردهای مختلف هدایت، برنامه ریزی و توسعه جوامع مباحث متنوعی از جمله برنامه ریزی متمرکز و بازار آزاد (به عنوان دو سر طیف نظام سیاست اجتماعی) قرار داشته و دارند به کارگیری صرف هر کدام از این دو نظام در کشورهای مختلف سراسر دنیا، تجاربی نه چندان مطلوب را به دست می‌داد که این شواهد حاکی از نیاز مجدد به جرح و تعدیل و اصلاح این رویکردهاست. گام بعدی در این روند تلفیق نسبی این دو رویکرد با هم بود به این معنا که هر کدام از اصول بنیادین و اولیه خود دست کشیدند و کمی به سوی هم نزدیک تر شدند. نظام های برنامه ریزی متمرکز رو به سیاست های غیر متمرکز و واگذاری بخشی از اختیارات و تصمیم گیری ها به سطوح پایین تر نمودند و نظام های بازار آزاد نیز شروع به تدوین چارچوب ها و سیاست هایی کلی برای تعیین خط مشی اصلی عملکرد خود نمودند.

علی رغم این چرخش ها و تغییر جهت ها در رویه های سیاست گذاری اجتماعی همچنان مسائل و مشکلاتی گریبان گیر دولت ها بود؛ از جمله عدم انطباق برنامه ریزی های کلان با نیازهای واحدها و مناطق خردتر، عدم پیشرفت مناسب برنامه ها به دلیل منطبق نبودن پیش نیازها و الزامات اولیه طرح ها با توانایی ها و پتانسیل های مناطق عدم همکاری و همیاری سطوح پایین دستی با پروژه ها و طرح ها و مانند این ها.

بنابراین روند تغییرات و اصلاحات این نظام ها و راهبردها دنبال گردید تا

حلقه های مفقوده این چرخه به دست آید و برنامه ریزی ها و سیاست ها از تأثیر گذاری مطلوب و قابل قبول تری برخوردار گردد.

مشارکت جزو آن دسته مباحثی است که در نتیجه بازاندیشی در رویکردها پیشین توسعه و برنامه ریزی مطرح گردید بحث مشارکت مردم و محلات در نقد رویکرد از بالا به پایین برنامه ریزی و سیاست گذاری دولت شکل گرفت و بر این مدعاست که فرآیند برنامه ریزی و سیاست گذاری باید از پایین آغاز گردد یا حداقل در قالب یک تعامل سطوح پایین و بالا انجام شود. در پی افزایش نقش سطوح پایین در برنامه ریزی به تبع آن نقش مردم نیز در حوزه حکومت و تصمیم گیری و اجرا پررنگ تر شد. مردم به عنوان اعضای شکل دهنده سطوح خردتر و پایین تر حکومت تبدیل به کنشگرانی گردیدند که باید بیش از پیش نقش آفرینی می کردند در واقع مشارکت سطوح پایین نظام حکومتی به مردم تسری یافت و نقش مشارکت مردم در ساختار وظایف و فعالیت های حکومت پررنگ تر شد.

در پی این تغییر، جایگاه و اعطای حقوق جدید به مردم و وارد کردن آن ها در حوزه اختیارات حکومت، نقش ها و تکالیف جدیدی نیز به مردم واگذار گردید مردم از نقش افرادی که پذیرا و مطیع تمام و کمال و منفعل اوامر و دستورات و اقدامات حکومت بودند به «شهروندانی» تبدیل شدند که در این فرآیند فعال و تأثیر گذار بوده به عنوان ناظرینی آگاه بر اعمال حکومت نظارت داشتند این افزایش نقش شهروندان روند فزاینده ای را پیمود و در حوزه های مختلفی بسط و ظهور یافت به تدریج این نکته آشکار گردید که توسعه و

پیشرفت ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه بدون تبلور نقش شهروندی و توانمندسازی شهروندان میسر نیست و دستیابی به توسعه ممکن نخواهد بود مگر از طریق حضور فزاینده و فعال شهروندان در ساختارها و فعالیت های حکومتی (همایون پور 1383)

در پی گسترش مفهوم شهروندی و نفوذ شهروندان در لایه های مختلف ساختار و وظایف حکومت بنابر ضرورت های متعددی شهروندان در امور شهری نیز وارد شدند که برخی از این ضرورت ها به شرح ذیل است

- انطباق برنامه ها و عملکرد مدیریت شهری با نیازها و اولویت های شهروندان

- عدم توانایی دولت ها در تأمین منابع مالی اداره و عمران شهرها.

- پیچیدگی روزافزون زندگی شهری و عدم توان مدیریت همه آن ها.

- ظهور مباحث آموزش اجتماعی توانمندسازی و استفاده از ظرفیت شهروندان در توسعه شهری.

- عدم توان یک جانبه دولتها در تحقق توسعه شهری (کمانرودی)

مشارکت در این معنا در ایران جزو ناموس انقلاب مشروطیت بوده است که پس از آن در زمان شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی بارزترین نمود خود را پیدا کرد. حتی نمود ضرورت این بحث در قانون اساسی نیز منعکس گردیده است و در آن بر ضرورت مشارکت مردم در کلیه امور تأکید شده است. این امر در اصول سوم، هفتم، صدم، یکصد و یکم، یکصد و سوم و یکصد و ششم قانون اساسی به صراحت بیان شده است. از جمله این مصادیق،

می توان به طرح نهادی مثل «شوراهای اسلامی شهر و روستا» اشاره نمود که با هدف تحقق مشارکت مستقیم شهروندان در اداره امور شهرها و روستاها در سال 1378 آغاز به کار نمود در قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهروندان مصوب سال 1375 درباره وظایف شوراهای اسلامی شهر در بند پنجم ماده 71 آمده است: «برنامه ریزی در خصوص مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی با موافقت دستگاه های ذیربط».

مثال دیگری از این تأکید را می توان در اصل یکصدم قانون اساسی دید که در آن بر نقش مشارکت مردم همراه با نظارت شوراها جهت پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی تأکید گردیده است.

با توجه به آن چه در بالا آمد شاهد این هستیم که تغییر چشم گیری در نقش مردم در قبال و در تعامل با حکومت پدید آمده است.

مشارکت و آموزه های دینی

بخشی از مسئولیت های اجتماعی مسلمین در جامعه اسلامی مشارکت در رفع مسائل افراد جامعه است و به بیانی دیگر آن قبیل مسئولیت هایی است که شهروندان در قبال دیگر شهروندان بر عهده دارند این نوع مشارکت و همیاری مسلمین اشکال متنوعی دارد و بیشتر در قبال نیازها و مایحتاج فردی سایر مسلمین است؛ نیازهایی که وجهه اجتماعی کم تری داشته و کمک به رفع آن ها

کارکرد مستقیم در عرصه اجتماع ندارد.

این قسم مسئولیت ها عموماً در دو دسته قابل تقسیم است:

اول کمک و دستگیری از افراد در ناملايمات زندگی در زمان رویارویی با یک مشکل و مسئله در زندگی روایت حضرت رضا علیه السلام: (... لِأَنَّ اللَّهَ كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَالْأَبْلَوَى)؛ (خداوند توانمندان را مکلف کرده است تا برای اداره امور بیماران زمین گیر و دیگر مبتلایان و گرفتاران قیام کنند..)

مبتنی بر این نوع دستگیری از نیازمندان در شرایط دشوار است.

این نوع همیاری و کمک که ضرورتاً جنبه مادی و مالی ندارد، منجر به ایجاد حس همدلی و همدردی در میان مردم شده علاوه بر سبک کردن مشکل انسان او را در مقابل حس تنهایی و سرگشتگی محافظت کرده، مصون می دارد.

شهید مطهری با توجه به اهمیت این موضوع می فرماید:

«انسان کامل، انسان دوست است، در رنج و غم دیگران شریک است، می خواهد خودش را به هلاکت برساند به دلیل آن که چرا، مردم گمراه و بیچاره و بدبختانند؛ (فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا) (6) (کهف: 6)

البته در جامعه اسلامی به برکت ایمان و باورهای مقدس و خالصی که به وجود ذات باری تعالی و همیاری و کمک او به انسان وجود دارد این حس کمتر به فکر انسان سرایت و رسوخ می کند و اعتقاد به دین انسان را از سرگشتگی نجات می دهد اما همدلی یک انسان دیگر نیز دارای جایگاه و

کارکردی بس تأثیر گذار است که باید آن را غنیمت شمرد.

همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید: (لا والله! لا یكون المؤمن) مومنأً أبداً حتی یكون لأخیه مثل الجسد! إذا ضرب علیه عرق واحد، تداعت له سائر عروقه؛ نه، به خدای سوگند! مؤمن نیست تا آن که برای برادر مومن خویش همچون تن او باشد که اگر رگی از آن ضربه خورد رگ های دیگر نیز درد آن را حس کنند».

دوم، آن قسم مسئولیت هایی است که بر رفع نیاز مالی و مادی از مسلمین تأکید می ورزد و موکداً بر آن توصیه شده است. بارزترین آن سفارش و توصیه به قرض الحسنه است که نمود یاری و کمک در جامعه اسلامی است خداوند در آیات بسیاری سفارش به این امر می فرماید و یکی از اوصاف پرهیزکاران را اتفاق در حال توانگری و تنگدستی معرفی کرده می فرماید: «بهشتی که وسعت آن آسمان ها و زمین است برای پرهیزکاران آماده شده است؛ همان ها که در توانگری و تنگدستی، اتفاق می کنند» (آل عمران /133 و 134).

همچنین آیه دیگری از قرآن مؤمنین را بر این امر سفارش می کند: (وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ) (38) (شوری /38)؛ «و آنان که امر خدا اجابت کردند و نماز را به پای داشتند و کارشان را به مشورت یک دیگر انجام دهند و از آن چه روزی آن ها کردیم به فقیران اتفاق می کنند».

البته این آیه علاوه بر مسئولیت فردی، بر مسئولیت اجتماعی نیز صحنه می گذارد.

نوع دیگر مسئولیت های اجتماعی که اسلام بر دوش انسان وا می نهد، آن دسته مسئولیت هایی است که در قبال جمع و جامعه دارد. با توجه به ماهیت اجتماعی دین انسان ساز اسلام آشکار است که توصیه های گسترده و جامعی که در باب بایدها و نبایدهای مسلمانان در عرصه اجتماعی، توسط تعالیم آن ارائه شده است - در واقع - مقتضیات اسلام در این حوزه است و کامل ترین تصویر را در باب چگونگی جامعه آرمانی مورد تاییدش و مختصات جامعه ای که در آن انسان به بهترین شکل ممکن به کمال همه جانبه دست یابد، ترسیم نموده است دستورات و توصیه های ارائه شده در باب تعهدات اجتماعی انسان در جامعه وظایف گوناگونی را شامل می شود که در چند دسته قابل گنجاندن است:

* اولین مقوله در راستای تعهدات اجتماعی انسان در قبال جامعه عبارت است از مشارکت و مشورت در تصمیم گیری در آیات متعددی به پیامبر اسلام توصیه به مشورت برای تصمیم گیری در باب امور شده است که نمونه بارز آن آیه 159 سوره آل عمران است؛ (فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَقْبَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) (159) «با رحمت و عنایت و لطف خدا تو در برابر مردم نرم (خوش خلق) شدی، و اگر سخت دل بودی، مردم از گرد تو متفرق می شدند پس چون امت بد کنند از آنان در گذر و از خدا بر آن ها طلب آمرزش کن و برای دلجویی آن ها در کار جنگ مشورت نما لیکن آن چه خود تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند

در این آیه، به حضرت رسول توصیه شده است که برای جنگ با دیگران مشورت نماید مشارکت در تصمیم گیری که اولین سطح مشارکت در امور حکومتی و مسائل جنگی است به شدت در متون دینی ما مورد تأکید و توصیه قرار گرفته است. از مزایای مشارکت در این سطح را می توان پذیرش بیشتر تصمیم توسط کسانی دانست که در فرآیند تصمیم گیری حاضر بوده اند. چنان چه مردم در گرفتن تصمیمی مشارکت نمایند از اجرای آن پشتیبانی بیشتری خواهند نمود از تبعات آن رضایت خواهند داشت یا حداقل تبعات آن را به خوبی می پذیرند و همچنین در صورت امکان در مراحل اجرا نیز همکاری خواهند نمود.

همچنین در آیه 38 سوره شوری به صراحت به مشورت امر می شود (وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ) (38)؛ «و آنان که امر خدا اجابت کردند و نماز را به پای داشتند و کارشان را به مشورت یک دیگر انجام دهند و از آن چه روزی آن ها کردیم به فقیران اتفاق می کنند».

* مقوله دیگری که مورد تأکید و توصیه متون دینی، است، امر به همیاری در اجرای مسئولیت ها و امور جامعه و حکومت است مسلمانان مکلف اند تا حد توان نسبت به همیاری در امور همگانی همکاری داشته در این کارها مشارکت ورزند در روایتی از رسول اکرم آمده است هر مسلمانی که گروهی از مسلمانان را خدمت، کند خداوند به تعداد آنان در بهشت به او خدمتکار

دهد (اصول کافی، همان، ج 2، ص 207، ح 1).

همچنین از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کنند که در هنگام وفاتشان پیوسته به این آیه قرآن سفارش می فرمودند: «در کارهای نیک و تقوا با یکدیگر همکاری کنید و در کارهای گناه و دشمنی با یک دیگر مشارکت نکنید».

همکاری در اجرای مسئولیت ها علاوه بر صرفه جویی در صرف منابع بیت المال موجب افزایش همدلی در جامعه می شود و همچنین از بار کاری سازمان های اجرایی مسئول می کاهد و می تواند منجر به ارتقای میزان بهره وری آنان گردد این امر به نزدیکی هر چه بیشتر مردم و حکومت کمک کرده فاصله بین مردم و حکومت را از بین می برد (آن چه امروز دغدغه بسیاری از دول سراسر دنیاست).

از دیگر فواید همکاری مردم در امور جمعی این است که با درگیر شدن افراد در این امور آگاهی آن ها بالا-رفته از چالش ها موانع و فرصت ها بیشتر اطلاع می یابند نتیجه ای که می تواند منجر به معقول تر شدن انتظارات افراد از جمع و به طور خاص حکومت گردد. آیه دوم سوره مائده گویای این تکلیف است.

* وظیفه دیگری که از خلال توصیه ها و تعالیم اسلام برداشت می گردد تعهد افراد به اصلاح ساختار جامعه و مسئولیتی است که در قبال کیان ارزش های انسانی و اسلامی دارند حضرت علی علیه السلام در نامه معروف خود به مالک اشتر عامه مردم را ساز و برگ می داند که والی در انجام امور مملکت (مانند دفع دشمن و ...) باید به آن ها توجه کامل داشته باشد و پس از آن اهمیت اصناف مختلف مردم را این گونه بیان می نماید.

ص: 151

بدان که رعیت را صنف‌هایی است که کارشان جز به یک دیگر اصلاح نشود و از یکدیگر بی‌نیاز نباشند» (نهج البلاغه، ترجمه آیتی، 1378، ص 727).

سپس آنان را به صنف‌های لشکریان، دیران، قاضیان کارگزاران تقسیم می‌کند و به تفصیل درباره لزوم توجه و بهره‌گیری از آنان در پیشبرد امور حکومت سخن می‌گوید.

اسلام مسلمانان را موظف می‌نماید تا نسبت به سرنوشت دیگران بی‌پروا و بی‌توجه نبوده آنان را به کار خیر رهنمون سازند و از راه ناصواب بر حذر دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ)؛ همه شما شبانید و همه در شبانی مسئول هستید.

علاوه بر این، اسلام سفارش می‌کند که مردم نسبت به اصلاح و راهنمایی سایر اقشار جامعه همکاری نموده حکومت را در این مهم یاری رسانند. خداوند می‌فرماید: (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ) (110) (آل عمران/110)؛ «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید؛ چه (این که) به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید».

در واقع، این شواهد گواه این امرند که اسلام آحاد جامعه را نسبت به سرنوشت دنیوی و اخروی یکدیگر مسئول دانسته به آن‌ها توصیه می‌کند که یک دیگر را در جهت نیل به ثواب و راه خیر یاری رسانند.

اما چهارمین توصیه اجتماعی اسلام در حوزه تعهدات و مسئولیت های اجتماعی در خصوص حفظ انسجام اجتماعی و همبستگی ملی است. انسجام اجتماعی که در واقع چسب نگه دارنده اجزای اجتماع در کنار یکدیگر بوده، آن ها را در دستیابی به هدف مشترکشان یاری می رساند امری است که با تأکید در خلال آیات و روایات بدان اشاره شده است. برای نمونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مادام که امت من امر به معروف و نهی از منکر می کنند و با یک دیگر در انجام کارهای نیک همکاری می کنند در جهت خیر و صلاح اند. اما هر زمانی این امور را ترک کنند برکات از آن ها دور می شود و برخی از آنان بر برخی دیگر مسلط می شوند. در این هنگام هیچ یآوری نخواهند داشت، نه در زمین و نه در آسمان».

این امر به طور صریح - یا غیر صریح - مورد توجه پیامبر و ائمه بوده است و با اقدامات گوناگونی از جمله تأکید مکرر به تعیین رهبر در شرایط مختلف و لزوم پیروی و پشتیبانی از امام به این مقوله توجه می نموده اند. قرآن کریم در این مورد می فرماید: (أَهُمْ يُقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَدٌ مِّنَّا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ) (32) (زخرف/32)؛ «معیشت آن ها را در زندگی دنیا، در میان آن ها تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده و با هم تعاون و خدمت نمایند...».

این آیه به حکمت خداوند در کنار هم نگه داشتن اجتماع اشاره دارد.

حفظ انسجام اجتماعی و همبستگی ملی وظیفه ای است که اسلام با تعهداتی

مثل لزوم بیعت لزوم حفظ همبستگی در مقابل دشمنان و لزوم حفظ جماعات بر آن تأکید ورزیده است.

اسلام نه تنها در حوزه رابطه مردم با حکومت تعهدات و مسئولیت هایی را بر دوش انسان نهاده است بلکه همچنین در حوزه روابط بین فردی نیز وظایف گوناگونی را بر مسلمین واجب داشته است این نگرش جامع و همه جانبه نگر گویا و گواهی است بر حقانیت هر چه بیشتر تعالیم اسلام برای تربیت انسان هایی که قابلیت تشکیل یک جامعه آرمانی اسلامی را داشته باشند تا در آن بتوانند به بهترین وجه ممکن به کمال مطلوب و نهایی انسان دست یابند.

مشارکت

مشارکت از آن قسم واژه ها و مفاهیمی است که کاربرد گسترده ای در حوزه علوم انسانی دارد مشارکت با مفاهیمی مثل شهروندی توسعه اجتماعی توسعه سیاسی، سرمایه اجتماعی، سیاست گذاری های پایین به بالا و مردم سالاری گره خورده است؛ زیرا در ادبیات معاصر این مفاهیم مشارکت از جایگاه ویژه ای برخوردار است مشارکت را می توان هسته مرکزی تمام این مفاهیم دانست؛ زیرا نیل به این مفاهیم نیازمند انسان توانمندی است که از آزادی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قابل توجهی برخوردار باشد و این انسان جز در سایه مشارکت و وارد شدن در صحنه تعیین سرنوشت خود از این توانایی ها و امتیازات بهره مند نمی گردد.

در ادامه به بررسی برخی تعاریفی که از مفهوم مشارکت ارائه شده

* مشارکت، یک فرآیند تعاونی فراهم می آورد که توسط آن ساکنین اجتماعات به اهداف مشترک دست می یابند در تصمیمات جمعی وارد می شوند و مکان هایی ایجاد می کنند و این مکان ها به نوبه خود در نقش مظاهر مادی تلاش های جمعی آن ها عمل می کند (فلدمن، روبرتا ام و وست فال، این ام. 2000)

* مشارکت فرآیندی است که از طریق آن مردم قادر می شوند فعالانه و صادقانه در تعریف مسائل و دغدغه های خود در تصمیم گیری درباره عواملی که بر زندگی آن ها تأثیر می گذارد در صورت بندی و اجرای سیاست ها در برنامه ریزی توسعه و ارائه خدمات و عمل در جهت نیل به تغییرات مطلوب درگیر شوند (اگیس دی. سوروس، 2002)

* مشارکت اجتماعی، تمام فعالیت های خارج از بازار و دولت، مشارکت اجتماعی یک هدیه زمان است در کمک و حمایت از افراد و گروه ها در سه سپهر اجتماعی:

- شبکه اول (خانواده، خویشاوندان و دوستان نزدیک)

- شبکه دوم (همسایگان، همکاران، آشنایان)

- شبکه سوم (سازمان های اجتماعی و سیاسی)

(استفانی گادت و سوزان مک دانیل، 2003).

* سنت جمهوری ماهیت دموکراتیک شهروندی را با لحاظ کردن آن به عنوان شکلی از مشارکت سیاسی در زندگی عمومی، به حدکثر می رساند.

به بیانی کلی ترا، جامعه مدنی یک حوزه مشارکت عمومی است که به همراه همکاری همدلی و بده بستان پایه گذاری شده است (رنی اروین و جان استنسبری، 2007)

با توجه به تعاریف بالا، چند ویژگی را می توان در خصوص مشارکت استخراج نمود:

ویژگی اول، فرآیندی بودن مشارکت است این ویژگی حاکی از این است که مشارکت یک دستاورد مقطعی نسبت بلکه در طول زمان و در صورت پیوستگی و استمرار یک سری رفتارها و رویه ها قابل حصول است.

ویژگی دیگر، عبارت است از تعاونی بودن آن که جزو بدیهی ترین ویژگی های آن است؛ زیرا مشارکت صرفاً در یک قالب جمعی است که منجر به نیل به دستاوردهای اساسی می گردد و فراهم شدن بسترهای مورد نیاز برای توسعه، سیاسی توسعه اجتماعی شهروندی، مردم سالاری و مثل این ها را ممکن می سازد.

از دیگر ویژگی های خاص و متمایز آن صداقت و فعالانه بودن مشارکت است؛ آن چه خصیلت ویژه ای به دستاوردهای حاصل از این فرآیند اعطا می کند. با توجه به خصیلت های صداقت مندی فراگیری و منفعت طلبانه نبودن مشارکت ورود این نوع کنش در حوزه سیاست می تواند به مثابه یک تحول جدی در ساخت روابط آن حوزه تلقی شود.

لزوم برابری انسان ها و حفظ آزادی، آن ها جزو دیگر پیش نیازها و

پیش شرط های تحقق مشارکت است چنان چه فرصت برابر به همه افراد داده نشود و افراد آزادی ارائه نظر و بحث در خصوص مسائل جمعی را نداشته باشند امکان مشارکت افراد در مسائل عمومی و تأثیرگذاری آن ها بر سیاست ها وجود نخواهد داشت و این مفهوم از معنا تهی می گردد.

از دیگر ضرورت های مشارکت باید به آگاهانه بودن آن اشاره نمود. آگاهانه بودن مشارکت به دو معناست:

اول این که: مشارکت امری فرمایشی یا اجباری نیست و افراد آگاهانه بر اساس مقتضیات جمعی در مسائل مربوط به خودشان دخالت کرده مشارکت می کنند.

دوم این که: برای تشخیص صحیح و دقیق مسائل و مشکلات جمعی لازم است افراد از آگاهی لازم درباره خود و مشکلات خود برخوردار باشند.

بنابراین مشارکت دستاورد فرآیندی آگاهانه است که از طریق آن شهروندان نسبت به مسائل خود آگاهی یافته در مراحل مختلف حل آن همکاری می کنند و حضور فعال خواهند داشت.

از بین تعاریف بالا ما در این نوشتار از تعریف «سوروس» استفاده خواهیم نمود.

محلله

*محلله (1)

محلله، از آن جمله مفاهیمی است که معادل سازی و ترجمه آن به زبان فارسی بسیار دشوار است و این به دلیل عدم سابقه و نبود این مفهوم در فرهنگ و

ص: 157

جامعه ایران و کلا مشرق زمین است (پیران، 1383) این مفهوم در بین شهرسازان و عالمان علوم اجتماعی معانی متفاوتی را به خود می گیرد به طوری که در بین شهرسازان بیشتر به وجه فضایی آن اشاره می شود، ولی در بین عالمان علوم اجتماعی روابط بین ساکنین این نواحی مورد نظر است. این امر، منجر به پیدایی مناقشات متعدد در باب این مفهوم گردیده است.

در ادامه برخی از تعاریفی که از این مفهوم توسط نظریه پردازان مختلف ارائه گردیده آورده شده است:

* محله ها، مجموعه هایی مرکب از اعضا و بخش های مجزا بوده و ضمن دارا بودن خصالت های متمایز دارای روابط متقابل با یکدیگر هستند آن ها می توانند بر اساس ویژگی های افراد ساکن در یک محل، مرزهای جغرافیایی، ارزش های مشترک، منافع، پیشینه و یا توان و نیروی پویایی (سازماندهی) تعریف شوند (سی. دی. سی، 1998: منقول از حاجی پور، 1385)

* یک محله، باید فرصت ایجاد تعاملات شبکه ای و بین فردی را در درون یک واحد مورد ملاحظه قرار دهد (هانکوک و همکاران، 1997: منقول از حاجی پور، 1385)

* عناصر یک محله، عبارت اند از: احساس تعلق، نظام نمادی مشترک، ارزش های مشترک، تأثیرات دوسویه، نیازهای مشترک و التزام به برآوردن این نیازها و یک پیشینه (تاریخ) مشترک (اسرائیل و همکاران، 1994: منقول از حاجی پور 1385).

* محلات می توانند به مثابه یک اجتماع جغرافیایی درک گردند (به عنوان مثال واحدهای همسایگی تعریف شده به لحاظ جغرافیایی) یا اجتماعات خویشاوندی سببی (مثل گروه ها و انجمن های مذهبی) (کامپفر و همکاران، 1993: منقول از حاجی پور، 1385)

* یک محله به یک نظام چند بعدی تعاملات رجوع می کند که همه سطوح افقی و عمودی را شامل شده به وسیله مردم سازمان ها، اقدامات، زمینه (بافت اجتماعی) و آگاهی اجتماعی توصیف می گردد؛ نفوذ پذیر و متغیر بوده شکل می گیرد و دائماً به وسیله تغییر اقدامات و ارتباطات میان اعضا تجدید شکل می یابد (والتر، 1997: منقول از حاجی پور، 1385).

* در یک محله، زندگی مردم در کنار هم لزوماً به معنی انجام تعاملات و ارتباطات دوسویه بین آن ها نیست و این امکان هست که تعاملات اندکی میان همسایگان در یک محل وجود داشته باشد و این ماهیت ارتباطات «متقابل» میان افراد هست که منجر به شکل گیری «شبکه های اجتماعی» شده و اغلب به عنوان مهم ترین جنبه یک محله مدنظر است (لی و نیبی، 1983: منقول از حاجی پور، 1385)

در این تعاریف، بر عناصر و اجزایی به عنوان معرف ها و تعریف کننده های محله تاکید شده است که بررسی بیشتر آن ها درک روشن تری از این مفهوم را به دست می دهد بخش قابل توجهی از این تعاریف بین محله و گروه مشترک است و یا به بیانی بهتر بین تعاریف گروه و محله اشتراکات زیادی وجود دارد. این امری آشکار و بدیهی

است؛ چرا که محله عبارت است از گروهی از افراد که با ویژگی‌هایی خاص و به شکلی خاص گردهم می‌آیند ویژگی‌هایی مثل دارا بودن منافع مشترک ویژگی‌های فرهنگی مشترک وجود روابط و تأثیرات متقابل در بین اعضا وجود تعهدات و التزام‌های متقابل و احساس تعلق بین این دو مفهوم مشترک است.

اما مهمترین فصل تمایز بین این دو- که محله را از گروه متمایز می‌سازد- وجود حیطة جغرافیایی مشخص است. (1) حیطة ای که توسط شهرسازان تحت عنوان همسایگی خوانده می‌شود. در واقع چنان چه بخواهیم یک جمع بندی از تعاریف بالا ارائه کرده و به تعریف موردنظر مؤلفان (که در این نوشتار از «محله» استنباط می‌گردد) دست یابیم، باید محله را به این شکل تعریف نماییم:

محله، عبارت است از گروهی از افراد که در یک حیطة جغرافیایی مشخص ساکن بوده شبکه روابط التزام آوری بین آن‌ها برقرار است. در بین این افراد تمام ویژگی‌های یک گروه از جمله منافع مشترک اشتراکات ارزشی و فرهنگی قابلیت تغییر و دگرگونی و احساس تعلق به گروه (و البته محدوده جغرافیایی) وجود دارد.

ص: 160

1- البته باید خاطر نشان ساخت که در این نوشتار صرفاً اجتماعات محلی و مکانی مورد توجه بوده و اجتماعات علاقه در حوزه بحث نمی‌باشد. بنابراین، تعاریف و مباحث ارائه شده صرفاً به اجتماعات مکانی اشاره دارد.

جایگاه مشارکت در نظام مدیریت شهری

مدیریت شهری با رویکرد جامع نگر جغرافیایی درصدد ایجاد انسجام میان سه جزء نظام شهری (یعنی طبیعت، انسان و فضا) می باشد. در تعاریف متعارف تر، مدیریت شهری فرآیند اداره شهر اعم از برنامه ریزی سازماندهی هماهنگی و نظارت در راستای دستیابی به اهداف توسعه شهری است. این اهداف به تمامی یا برخی موضوعات و حوزه های زندگی شهری، بسته به گونه های مدیریت شهری مرتبط است.

محافظه کاران، مدیریت محلی (شهری) را به عنوان بخشی از ساختار دولتی و گروه های مردم محورتر آن را به عنوان عامل توزیع و تعدیل قدرت می دانند از دیدگاه مدنی نیز مدیریت محلی (شهری) پل ارتباطی بین جامعه مدنی و حکومت مرکزی تلقی می شود. مدیریت شهری و واژه هایی چون شهرداری و مدیریت محلی معمولاً به جای یک دیگر به کار می روند.

البته مدیریت شهری را می توان بخشی از دانش مدیریت و شهرداری را سازمانی که با استفاده از دانش مدیریت شهری به اداره و عمران شهر می پردازد در نظر گرفت گذشته از این که مدیریت شهری به چه تعبیری صحیح تر است واقع امر این است که در کشور ما شهرداری جایگاه ویژه ای در اداره و عمران شهرها دارد

مدیریت و برنامه ریزی شهری در جوامع غربی دارای مراحل تهیه تصویب و اجرای طرح های توسعه شهری بر مبنای مشارکت شهروندان

است. این مراحل عبارت از آگهی عمومی اجتماعات و گردهمایی‌ها نظرسنجی عمومی و تایید و تصویب و اعلام و اطلاع رسانی عمومی است. ضرورت عبور از بحران ساختاری مدیریت توسعه شهری ایران حرکت به سوی ساختار و فرآیندهای مردم سالارانه یا شهروندمداری است این مهم جز با کاهش نقش دولت در حوزه مدیریت شهری به عنوان حوزه مدیریت عمومی و گسترش حوزه مشارکت عمومی و مردم میسر نیست.

این رویکرد با تحقق نظریه حکمروایی یا حاکمیت شهری خوب به جای حکومت یا مدیریت شهری امکان پذیر است مدیریت شهری فرآیندی مدیریتی است که به ایجاد و حفظ زیربنایها و ارائه خدمات شهری می پردازد، اما حکمروایی شهری فرآیندی کاملاً سیاسی است.

این نگرش مختص آن دسته از حکومت های محلی است که امورشان را با مشارکت شهروندان و نهادهای عمومی و خصوصی برنامه ریزی و به انجام می رسانند. در این ساختار کلیه بازیگران عرصه امور عمومی شهر در سرتاسر فرآیند برنامه ریزی و مدیریت شهری اعم از تصمیم سازی تصمیم گیری و اجرا مشارکت دارند.

حوزه های شهروندی و مشارکت شهروندان در امور شهری را می توان به انتخاب مدیران شهری شناسایی و اولویت بندی نیازها، برنامه ریزی برای رفع یا تأمین نیازها مشارکت در اجرا و نظارت، و پاسخ گویی نهادینه و برنامه ریزی شده تقسیم کرد در این خصوص محلات نقش و اهمیت

ویژه ای دارند محلات شهری کانون و کارگاه مدیریت و برنامه ریزی مشارکتی هستند؛ چرا که کوچک ترین واحد سازمان فضایی در تقسیمات سازمان فضایی شهر محسوب می گردند و بیشترین انسجام اجتماعی و مکانی در بین سایر رده های سازمان فضایی شهر را دارا هستند.

مشارکت و اجتماعات محلی

محلّه، بدون برقراری پیوندها و روابط اجتماعی چیزی نیست جز یک قلمرو و حیطة همسایگی آن چه مفهوم همسایگی را از محلّه جدا می کند می کند وجود روابط و شبکه های اجتماعی بین افراد حاضر در آن حیطة جغرافیایی است بنابراین محلّه و مشارکت ارتباط دوگانه و دو جانبه ای با یک دیگر دارند که وجود و تقویت هر یک منجر به تقویت وجود دیگری می شود و همچنین تضعیف یا فقدان هر یک از آنها موجب تضعیف و فرسایش دیگری می شود. البته نکته ای که درباره ارتباط این دو مفهوم با یکدیگر باید تصریح گردد عبارت است از سطوح دوگانه مشارکت که هم در سطح درون محلّه ای قابل تعریف است و هم در سطح برون محلّه ای؛ یعنی مشارکت اعضای محلّه با یکدیگر و مشارکت محلّه به عنوان یک کل با دیگر ساختارها نهادها و سازمان های جامعه.

در این بخش ما به سطح درون محلّ های مشارکت توجه خواهیم نمود.

شکل گیری روابط اجتماعی در درون محلات منجر به پیدایی معنا و مفهومی به نام محلّه در یک محدوده جغرافیایی مشخص می شود؛ محدوده ای که در صورت فقدان این شبکه روابط چیزی جز یک

همسایگی محض که در آن افراد هیچ آشنایی رابطه و در نتیجه همدلی و تعهدی نسبت به هم ندارند نخواهد بود (پدیده ای که در حال حاضر به طور گسترده در شهرهای ایران به وفور به چشم می خورد).

ظهور و تقویت این شبکه روابط، به تدریج موجبات حس همدلی و یک دلی را در بین اعضای آن فراهم می آورد همدلی به عنوان اولین پیش نیاز و پیش شرط شکل گیری روابط پر دوام و تعهدآور (که به تدریج برای طرفین مسئولیت ها و حقوقی را در پی دارد) جزو اولین دستاوردهای مهم این شبکه روابط است که بدون وجود آن بسط و تقویت این شبکه ها و محلات امکان پذیر نیست. در سایه همدلی و نزدیکی ساکنین محله، انسجام اجتماعی (که دستاوردی گران بها بوده، قوه جاذبه و نگهدارنده هر گروه است) حاصل می گردد.

انسجام گروهی با نزدیکتر کردن افراد یک گروه به یکدیگر و ایجاد مفاهیمی مثل خیر گروهی و حفاظت و مراقبت از صیانت گروه و اعضای آن عمق جدیدی به شبکه روابط ساکنین اضافه می کند. پیدایی انسجام گروهی در یک گروه زمینه ساز پیدایی شبکه ای است که در آن افراد احساس امنیت و حمایت می کنند و علاوه بر بستر خانواده یک بستر حمایتی گرم برای اعضای خود فراهم می آورد تا بتوانند در آن احساس آرامش نموده از حمایت اعضای آن بهره مند گردند. شکل گیری چنین بستری و عضویت در آن و بهره مندی از مواهب و دستاوردهای آن به قدری برای اعضای حاضر در گروه ارزشمند است که افراد برای تداوم

حضور در آن حاضر به پذیرش تعهدات و مسئولیت هایی در قبال سایر اعضای گروه می گردند.

بهره مندی از مواهب و حمایت های گروه علاوه بر کارکردهای آشکار خود، نقش بسیار مهم تری را در ارتقای کیفیت زندگی افراد ایفا می کند این نقش (که در واقع آن نقشی است که سازمان های دولتی توان ایفای آن را نداشته و به همین دلیل علی رغم ارائه خدمات و پوشش های حمایتی مختلف برای شهروندان تا به حال نتوانسته اند جایگزین حضور محله ها و اجتماعات گردند) عبارت است از نقش حمایت معنوی و پشتیبانی معنوی گروه که فرد را در میان گستره وسیع و بی حد و حصر روابط اجتماعی گوناگون او در جامعه امروز حفظ کرده او را از حس تنها ماندن و بیگانگی محافظت می کند حلقه گمشده ای که به وضوح در بسیاری از شهرهای مدرن و پسامدرن غرب دیده می شود و هر روزه خبرهای متعددی حاکی از وجود چنین احساسات و فقدان چنین چتر حمایتی به گوش می رسد.

مصیبت و فاجعه ای که همراه با مدرن شدن و صنعتی شدن قرن هیجدهمی به بسیاری از دیگر نقاط دنیا رسوخ کرد و غیر از محدود جوامعی که در کنار پذیرش و سازگاری با اصول و راهکارهای جدید توسعه از اهمیت بعد معنوی وجود آدمی غافل نگشته و حاضر نشدند کمر به قتل هویت های جمعی خود به نفع رسیدن به فردیت فزاینده و دولت های فراگیر و همه کاره بدهند بسیاری مردمان را با سرگشتگی

و

حس بیگانگی و تنهایی رها نمود، البته در خانه و شهری با امکانات شهری گوناگون و پیشرفته!!

در سایه شکل گیری، قوام و گسترش فزاینده این شبکه (که برای ساکنین محله بسیار مطلوب بوده و دستاوردهای گوناگونی را برای آن ها در بردارد) امکان گفت و گو و مذاکره بین ساکنین فراهم می آید و افراد با توجه به ارزشی که برای چنین شبکه ای قائل هستند آماده می شوند تا از فردیت افراطی خود دست بردارند و در کنار حفظ ترجیحات، علایق منافع و خواسته های فردی زمینه ظهور مفهوم پراهمیت خیر جمعی را فراهم سازند.

این فایده مندی هر چیز است که میزان بهای پرداختی برای آن را مشخص می کند. اگر افراد از کارکردها و منافع چنین شبکه هایی برخوردار شوند، حاضر خواهند بود قدری از منافع فردی خود چشم پوشی کرده، در راستای برآورده شدن خیر جمعی که یکی از الزامات بنیادین بقای چنین شبکه ای است قدم بردارند.

خیر جمعی را می توان یکی از اساسی ترین کارکردهای وجود اجتماعات محلی در شکل دهی تعامل بین شهرداری و شهروندان و محلات دانست؛ چرا که عدم توافق بر سر امری که به نفع همگان بوده و صلاح جمع را تامین می کند بارها و بارها موجبات بی تفاوتی و حتی مقاومت منفی مردم نسبت به پروژه های شهری را باعث گردیده است.

خیر جمعی کانال و بستری است که محلات از طریق آن حاضر به

اجماع بوده و در سایه آن در یک صف قرار گرفته و با بیانی شفاف آشکار خواسته های جمعی خود را به شهرداری ها منتقل می کنند و به دلیل این که این امر مورد پذیرش و خواست همگان است حاضر به همکاری و تعامل مثبت و سازنده با شهرداری برای اجرای این خواسته ها- که در واقع در فهرست ماموریت های شهرداری قرار می گیرد- هستند.

بنابراین، روند تدریجی شکل گیری محلات منجر به شکل گیری مشارکت در دو سطح می گردد که هر کدام پیامدها و آثار گوناگونی را در بر دارند:

اول این که: موجبات پیدایی حس همدلی انسجام درون گروهی، حس تعلق به یک جمع حامی کمرنگ شدن انزوای اجتماعی کم رنگ تر شدن فردیت های افراطی و در نهایت شکل گیری خیر جمعی می گردد. این ها در واقع کارکردهای درون گروهی وجود شبکه های محلی و محلات می باشند که کارکردهای پراهمیتی را در سطح محله ایفا می کند.

دوم این که: شکل گیری خیر جمعی و جمعیت بین این ساکنین، سطح دیگری از مشارکت بین محلات به مثابه یک کل و شهرداری را فراهم می آورد.

این سطح از مشارکت، در واقع تداعی کننده وجود یک محله آگاه توانمند یک پارچه منسجم و مسئول است که پس از شناسایی نیازها و توافق بر سر اولویت های خود حاضر شده اند تا با اقدام فعالانه و جمعی نسبت به بهتر کردن و بهبود محیط شهری خود اقدام نمایند.

اجتماعی مسئول که نسبت به سرنوشت خود حساس بوده قبل از هر کس خود را مسئول بهسازی امور و مسائل خود می داند.

اجتماعی که می تواند نمونه آرمان شهر اسلامی و رضوی باشد که در آن آحاد افراد جامعه نه تنها نسبت به سرنوشت خود بلکه نسبت به سایر اعضای جامعه خود را مسئول می دانند و بنا به حکم (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ)؛ (در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند) بر این باورند که تنها زمانی بهبود و تغییر حاصل می گردد که خود آگاهانه و فعالانه در این راستا گام بردارند.

وجود این بستر، یک کانال برای تعامل مثبت و دو طرفه بین شهرداری و محله را فراهم می آورد و به مسئولین شهری نیز کمک می کند تا بهتر و به شیوه های کارآمدتر با جامعه مخاطب خود ارتباط برقرار نموده از نیازهای آن ها آگاه گردند دستاوردی که در جهت دهی فعالیت های شهرداری بسیار ضروری بوده و حتی برای شناسایی آن ها طرح های نظر سنجی متعددی انجام گرفته و می گیرد اما به یقین چنان چه این اقدامات از کانال اجتماعات محلی صورت گیرد؛ اولاً از طرح نیازهای فردگرایانه افراطی که بدون توجه به مقادورات سازمانی شهرداری یا حتی متضاد با بافت فرهنگی و تمایلات عرفی حاکم بر آن ناحیه و منطقه از شهر است اجتناب می گردد؛ و در ثانی با رویکردهای مسئولانه و فعالانه

و فاقد نگرش های منفی و بدبینانه این همکاری صورت می گیرد.

از دیگر فواید شکل گیری این روند می توان به شکل گیری حس تعلق به محله و شهر اشاره نمود افراد زمانی که در تغییر وضعیت محیط اطراف خود دخیل بوده خود را سهیم می دانند به یقین حس تعلق و تملک بیشتری نسبت به محیط خود خواهند داشت که این حس به نوبه خود می تواند در تقویت و تشدید فعالیت های شهروندان برای تغییر محیط پیرامونی و شهر خود نقش آفرین باشد.

از دیگر کارکردهای احساس تعلق به محیط شهری می توان به آرامش روحی و روانی حاصل از آن برای شهروندان اشاره نمود؛ یعنی احساسی که منجر به این می گردد که پدیده هایی مثل وندالیسم و آسیب رسانی به فضای عمومی شهر به حداقل برسد یا از بین برود.

در سایه مشارکت فعال و احساس تعلق فزاینده، سطح مشارکت شهروندان در مسائل شهری روز به روز ارتقا یافته زمینه گسترده تری را به خود اختصاص می دهد. در واقع سطح مشارکت از نیازسنجی و طراحی گرفته تا اجرا و ارزیابی قابل بسط است این مشارکت ها اشکال متعدد و متفاوتی را به خود می گیرد و از مشارکت در تصمیم گیری و مشاوره گرفته تا مشارکت مالی در پروژه ها و بعضا مشارکت در تأمین نیروی انسانی مورد نیاز پروژه بسط می یابد.

از دیگر مقوله هایی که می توان آن را هم پیامد و هم پیش نیاز شکل گیری محلات و روندهای مشارکتی دانست سرمایه اجتماعی است
مفهوم

سرمایه اجتماعی که توسط نظریه پردازانی مثل بوردیو، کلمن و پاتنام نظریه پردازی شده است به تبیین تفاوت های پیشرفت تحصیلی کودکان چرخه های فقر طرد یا ادخال اجتماعی سطوح مشارکت اجتماعی میزان کارایی و عملکرد شبکه های روابط اجتماعی میزان توانایی افراد در بسیج منابع و توانایی گروه ها و اجتماعات در انجام اقدامات جمعی می پردازد.

معنای محوری مفهوم سرمایه اجتماعی، عبارت است از اهمیت روابط سرمایه اجتماعی مانند دیگر اشکال سرمایه از قبیل سرمایه اقتصادی سرمایه فرهنگی سرمایه مالی و سرمایه فیزیکی کارکردهای سرمایه ای داشته بخشی از نیازهای انسان را در حوزه های مختلف از جمله اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مرتفع می سازد.

در واقع، سرمایه اجتماعی، عبارت است از روابط التزام آور و تعهد آوری که انسان با افراد درون گروه افراد برون گروهی همسطح و افراد برون گروهی غیر همسطح برقرار می نماید این روابط پتانسیل این را دارند که در جهت نیل به اهداف فردی یا جمعی به عنوان تسهیل گر عمل نموده دستیابی به اهداف را تسریع نمایند.

البته عده ای از عالمان علوم اجتماعی سرمایه اجتماعی را دارایی فردی ندانسته آن را متعلق به گروه می دانند و معتقدند که سرمایه اجتماعی دارایی گروه است و در جهت نیل به اهداف گروه مورد استفاده قرار می گیرد سرمایه اجتماعی یک گروه که عبارت است از سرجمع روابط و ارتباطات درون گروهی و برون گروهی اعضای یک گروه میزان توانایی

همکاری درون گروهی آن گروه و همچنین میزان توانایی آن گروه در برقراری ارتباط با سایر گروه ها و سازمان ها جهت نیل به خیر جمعی آن گروه را مشخص و تبیین می کند (رمضانی و غفاری، 1386).

با توجه به توضیحات ارائه شده سرمایه اجتماعی هم کنش جمعی را تسهیل می کند و هم در نتیجه تعدد و تکرار کنش جمعی افزایش پیدا می کند البته اشکال مختلف سرمایه اجتماعی زمینه تولید و ایجاد سایر اشکال سرمایه اجتماعی را نیز برای افراد و گروه ها فراهم می آورد. باید اشاره نمود که میزان و انواع سرمایه اجتماعی یک گروه توانایی آن را در نیل به اهداف مختلف تبیین می کند و همچنین بسط سطح روابط اعضای گروه که در این جا منظور ما محلات - است تأثیر مستقیمی بر سطح سرمایه اجتماعی محلات دارد.

عوامل مؤثر بر مشارکت

عوامل مؤثر بر مشارکت را می توان به دو دسته عوامل فرهنگی - اجتماعی و عوامل سیاسی تقسیم نمود.

از عوامل فرهنگی - اجتماعی تأثیر گذار بر مشارکت باید ابتدا به دانش و آگاهی اشاره نمود. آگاهی به منزله اولین گام در رویارویی پروژه و شهروندان دانست هر چه آگاهی شهروندان و محلات نسبت به پروژه ها دستاوردها و مضرات احتمالی آن ها بیشتر باشد تصویر روشن تری از پروژه در نظر محلات ایجاد می شود و امکان تصمیم گیری آگاهانه تر را برای شهروندان فراهم می آورد در واقع آگاهی نسبت به پروژه موجب

شکل‌گیری مسئله در ذهن شهروندان شده اولین گام را در جلب مشارکت آن‌ها بر می‌دارد.

با توجه به تعریف آگاهی، به عنوان یکی از مؤلفه‌های مفهوم شهروندی و یکی از ویژگی‌های فرآیند مشارکت کارکرد و لزوم آگاهی به عنوان اولین مرحله مشارکت مطرح و آشکار است و سهم بسزایی در پیشبرد فرآیند دارد.

پس از انتقال آگاهی از پروژه به جامعه مخاطب وجود حس همدلی در بین محله و توافق بر سر خیر عمومی از پیش شرط‌های اساسی شکل‌گیری مشارکت است. همدلی و توافق بر سر خیر جمعی که خود ما حاصل وجود اعتماد درون گروهی در بین اعضای محله و وجود شبکه ارتباطی گسترده در بین اعضای گروه است نقش کلیدی در تعیین تکلیف مشارکت ایفا می‌نماید چنان‌چه خیر جمعی گروه شکل گرفته باشد و همگان از منفعت جمعی خود آگاه باشند پس از کسب آگاهی درباره پروژه به راحتی موضع مثبت یا منفی خود را نسبت به پروژه و مشارکت در آن بیان می‌دارند اما چنان‌چه این توافق در بین آن‌ها شکل نگرفته باشد امکان تصمیم‌گیری درباره پروژه برای این افراد مقدور نخواهد بود.

در واقع شکل‌گیری همدلی و توافق از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا مشارکت سطوح متعددی دارد و از تصمیم‌گیری شروع شده تا اجرا و نظارت ادامه می‌یابد چنان‌چه این بستر آماده نباشد حتی در صورت

توافق اولیه محله با انجام و اجرای پروژه مراحل بعدی آن با مشکل و مانع جدی روبه رو خواهد بود.

علاوه بر عوامل یاد شده برخی ویژگی های فردی اعضای این محلات (که گاه تبدیل به ویژگی جمعی محلات نیز می گردد) در تمایل آن ها به مشارکت نقش آفرین هستند. از جمله این ویژگی ها می توان به خود محوری انعطاف و پذیرش ذهنی و اعتماد به نفس اشاره کرد این ویژگی ها که بیشتر جزو ویژگی های روان شناختی موثر در مشارکت قرار می گیرند تأثیر قابل توجهی در نحوه رویارویی افراد با فرآیند مشارکت دارد. البته چنان چه این ویژگی ها در بین تمام یا اکثر اعضای محله مشترک نباشند، در فرآیند ورود محله به مشارکت قابل تغییر و انطباق هستند که این را می توان جزو فواید و کارکردهای مثبت مشارکت دانست.

انطباق و تغییر محلات در جهت مشارکت و وارد شدن و قبول مسئولیت در قبال مسئولیت خود یکی از پیامدهای مشارکت است و در واقع یک رابطه دو سویه بین عوامل موثر بر مشارکت و پیامدهای مشارکت برقرار است و هر دو یک دیگر را تقویت می کنند (اسدی، 1370، به نقل از طوسی، 1379).

از میان عوامل سیاسی تأثیر گذار بر مشارکت، باید به پیش نیازهای توسعه سیاسی اشاره نمود پیش نیازهای توسعه سیاسی که عواملی مثل تقسیم عادلانه درآمد و امکانات توسعه تقویت روحیه گفت و گو و تساهل و تسامح است زمینه ساز شد محلات و توسعه آن ها در جهت فعال تر شدن و

ایفای نقش پررنگ تر در آینده سیاسی خود است؛ امری که نیازمند و تقویت کننده مشارکت مردم است.

توسعه سیاسی که بنا بر نظریه دانشمندانی چون هانتینگتون زمینه ساز گرایش محلات به مشارکت بیشتر در اجتماع و سیاست است، در نتیجه عوامل یاد شده تقویت می شود و باعث رشد سیاسی افراد و محلات گشته و آن ها را در عرصه سیاسی و تعقیب منافع فردی و جمعی توانمندتر می سازد (سعیدی، 1382)

به طور کلی چهار دسته عوامل در مشارکت دخیل هستند و می توانند میزان آن را تبیین کنند عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روان شناختی). ارتباط دو سویه و متقابلی بین این ها و مشارکت وجود دارد و تقویت مشارکت - به نوبه خود - موجب تقویت هر چه بیشتر این ها می گردد.

علاوه بر این پژوهش های مختلفی حاکی از نقش آموزش بر میزان مشارکت دارند همچنین یافته های قابل توجهی در باب تأثیر یادگیری و انجام الگوهای مشارکت در سنین پایین و ادامه این فرآیند در بزرگسالی است. این پژوهش ها توصیه می کنند برای ترویج الگوهای مشارکت در بین بزرگسالان، اقدام به آموزش این بحث در سنین نوجوانی شود تا این رفتار مشارکتی در آنان نهادینه گشته و در بزرگسالی تداوم یابد (کامیل میلر، 2008)

این واقعیت هم همواره مورد توجه بوده که این آموزش ها زمان بر است

و می باید از سنین کودکی به آن توجه شود به همین منظور آموزش های شهروندی در قالب های سنی تعریف شده است به عنوان مثال این آموزش ها را از سن چهار تا یازده سال در قالب شهردار خانواده به جامعه ارائه می کنیم از یازده تا پانزده سال با عنوان شهردار مدرسه مورد توجه قرار می گیرد از پانزده تا هجده سال تحت عنوان یاوران شهر از هجده تا بیست و دو سال که سن دانشگاهی است شهروندان جوان و بعد از آن نیز در قالب شورایاران این آموزش ها ارائه می شود.

این آموزش ها از کودکی تا بزرگسالی و در حدود 20 سال فعالیت مستمر آموزشی شهروندانی فعال پویا و مشارکت جو را که مسئولیت پذیر و مطالبه گر هستند پرورش خواهد داد (ناری ایبانه)

واکوی دو تجربه

بر اساس آن چه در صفحات قبل آمد عوامل متعددی در شکل گیری

مشارکت مطرح شد و همچنین پیامدهای متعددی به عنوان خروجی مشارکت شناسایی گردید در این بخش به دنبال این خواهیم بود تا با استفاده از دو پژوهش انجام شده درباره مشارکت شهروندان در امور شهری به بازشناسی عوامل موثر بر مشارکت پردازیم.

پروژه دانمارک

در پروژه نوسازی شهری در کشور دانمارک 12 شهر در فهرست این پروژه قرار گرفتند که عملیات اجرایی در این مجموعه در سال 1997 آغاز گردید و مابقی در سال 2001 شروع شد. اهداف این پروژه

ص: 175

همان گونه که از عنوان آن پیداست نوسازی بافت و فضای شهری و نوسازی سکونتگاه ها در این شهر بود پس از تحلیل 30 ماه فعالیت در 7 شهر اولیه مونک در قالب یک گزارش عملی دستاوردهای تحلیلی خود از این تجربه را ارائه نمود. او در جمع بندی عوامل موثر بر مشارکت موفق شهروندان موارد ذیل را نام برده است

- وجود تجارب قبلی همکاری شهروندان با شهرداری.

- برآورده شدن انتظارات شهروندان.

- وجود شفافیت درباره منافع پروژه، فرآیند تصمیم گیری و حدود اختیارات اجتماعات محلی

- حضور فیزیکی سازمان مسئول پروژه در محل.

- وجود تجارب مشابه در محله.

- احساس فایده مندی مشارکت برای شهروندان و احساس مفید بودن شهروندان در پروژه

با نگاه دقیق تر به این دستاوردها به این جمع بندی می رسیم که اعتماد بین شهروندان و شهرداری در وهله اول و پس از آن اطمینان شهروندان از رفع نیازها و انتظاراتشان از طریق اجرای طرح دو عامل اساسی در پیشبرد طرح به حساب می آیند که زمینه ساز مسائل دیگری هستند. برخی از موارد مذکور در فهرست بالا در جهت نیل به همین دو مقوله است؛ به عنوان مثال لزوم حضور فیزیکی مجری در محل در راستای کسب اطمینان نسبت به مجری است و نشان از عدم اعتماد به سازمان مربوطه

پروژه اردبیل

پژوهش دیگری به طور خاص عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان شهر اردبیل را مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش که توسط آقای شفیع شفیع انجام شده است بر اساس مبانی نظری و نتایج مطالعات مجموعه ای از متغیرهای اجتماعی مؤثر در مشارکت مشخص شده اند؛ از جمله متغیرهای فردی- اجتماعی (جنس، سن، تاهل، تحصیلات شغل، طبقه اجتماعی و میزان درآمد سابقه سکونت احساس تعلق اجتماعی، احساس مالکیت بر محیط رضایت از خدمات شهری سنت گرایی، عضویت در تشکل ها و انجمن های داوطلبانه و صنفی آگاهی اجتماعی شهری و روستایی بودن انسجام اجتماعی میل به کار گروهی، تعهد اجتماعی، نگرش به مشارکت، سابقه فرد در زمینه مشارکت و ...).

این پژوهش نشان می دهد که:

1. میزان مشارکت شهروندان مرد در امور شهری بیشتر از زنان است. در تحقیق یاد شده نسبت مردان به زنان دخیل در مشارکت چنین است؛ 53/6 درصد مردان و 43/6 درصد زنان افلاطون معتقد است جامعه ای که از توان زن ها استفاده نکند در واقع نیمی از توان خود را نادیده گرفته است لذا تلاش برای مشارکت زنان به تغییر بهتر شهرها خواهد انجامید.

2. افراد در سنین بالاتر بیشتر از نوجوانان و جوانان به مشارکت علاقه دارند. لزوم برنامه ریزی برای مشارکت جوانان (که بخش عظیمی از

جامعه ما را تشکیل می دهند ضروری به نظر می رسد.

3. افراد شاغل بیشتر از غیر شاغلان اهل مشارکت هستند.

4. شهروندان دارای تحصیلات بالا بیشتر از افراد دارای تحصیلات پایین به مشارکت علاقه نشان می دهند..

5. افراد متاهل مشارکت بیشتری در امور شهری دارند. در این پژوهش 56 درصد افراد متاهل و 43/8 درصد مجرد هستند.

6. میزان مشارکت در میان شهروندان دارای پایگاه اجتماعی پایین کم تر از افراد صاحب پایگاه اجتماعی بالا و متوسط جامعه است.

این پژوهش نشان می دهد 29/4 درصد دارای پایگاه اجتماعی پایین و بقیه افراد پایگاه اجتماعی متوسط و بالا دارند.

7. هر چه میزان احساس مالکیت فرد بر اموال عمومی شهری بیشتر باشد میزان مشارکت او نیز در امور شهری بیشتر می شود.

8. هر چه میزان احساس تعلق اجتماعی فرد بیشتر باشد میزان مشارکت او نیز در امور شهری بیشتر می گردد.

9. هر چه فرد سنت گراتر باشد میزان مشارکت او در امور شهری کم تر می شود.

10. هر چه میزان رضایت فرد از خدمات شهری بیشتر باشد، میزان مشارکت او نیز در امور شهری بیشتر می شود.

11. هر چه سابقه سکونت فرد و خانواده اش در شهر بیشتر باشد میزان مشارکت او نیز در امور شهری زیادتر از ساکنان جدید شهر است.

12. میزان مشارکت شهروندان عضو تشکل‌ها با شهروندانی که در این تشکل‌ها عضو نیستند تفاوت دارد؛ بدین معنی که شهروندان عضو تشکل‌ها مشارکت بیشتری در امور شهری دارند.

پیشنهادها

با توجه به آن چه در این نوشتار ارائه گردید اتخاذ سیاست‌ها و راهکارهایی برای نیل به اهداف ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

احیای هویت محلات شهری و کمک به تقویت شبکه روابط درون محلات.

ارتقای میزان آگاهی شهروندان از حقوق و وظایف خود که این مهم در سایه تبیین ابعاد مفهوم شهروند فعال و در راستای بسط و گسترش آن به بهترین شکل قابل انجام است.

فرهنگ سازی و ظرفیت سازی در درون ساختارهای دولتی برای پذیرش حضور و مشارکت مردم در حوزه عملکرد آن‌ها و آمادگی ایشان برای واگذاری بخشی از اختیارات خود به مردم.

گام برداشتن در راستای برنامه ریزی از پایین به بالا در شهرداری‌ها.

البته شایان ذکر است ارائه فهرست عریض و طویل از این پیشنهادها نه تنها مفید نبوده بلکه قلم فرسایی و اتلاف وقت خواننده است. اما در پایان انجام چند پروژه تحقیقاتی که نیل به اهداف بالا را تسهیل می‌کند ضروری به نظر می‌رسد:

سنجش سرمایه اجتماعی محلات و مناطق شهر مشهد جهت شناسایی میزان ظرفیت و توانایی آن‌ها برای انجام کار جمعی و طراحی مداخلات ضروری در مواردی که سطح سرمایه اجتماعی پایین است.

شناسایی بسترهای ارتباطی موثر جهت آشنا سازی شهروندان با حقوق و وظایف شهروندی خود.

شناسایی ابعاد مختلف فرهنگ شهروندی و نحوه بومی سازی آن برای افزایش میزان عملیاتی و کاربردی بودن این مفهوم.

شناسایی موانع فرهنگی برای ارتقای مشارکت در پروژه های شهری

جمع بندی

در این نوشتار سعی بر این بود تا با کمک گرفتن از آیات احادیث و روایات دینی و بهره جستن از انباشت علمی موجود در حوزه مشارکت محلی و تعامل با سازمان هایی مثل شهرداری به ارائه یک چارچوب نظری و تعریف این مباحث پرداخته شود. هدف این پژوهش، طرح حدود و ثغور و میزان دخالت شهروندان و محلات در مسائل شهری بود و نشان دادن سهمی که شهروندان و محلات بر دوش بگیرند تا به محیط و فضایی بهتر دست یابند. پس از ارائه پیشینه نظری دینی و دانشگاهی از، بحث به بررسی نقش جدید شهروندان و محلات در تعامل با شهرداری

و فضای شهری پرداخته شد. علاوه بر این عوامل موثر بر مشارکت را بررسی نموده با مرور دو پروژه تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده بود یافته های آن ها را نیز مرور کردیم

به طور کلی، مشارکت و تعهد اجتماعی در دو سطح بین فردی و محلی سازمانی قابل تعریف است سطح اول منجر به رفع نیازهای فردی و شکل گیری انسجام گروهی ارتقای سطح سرمایه اجتماعی و توافق بر سر خیر جمعی می شود در حالی که سطح دوم مشارکت اجتماعی منجر به پیشبرد منافع جمعی پررنگ تر شدن شهروندان در تصمیم گیری، اجرا، و نظارت سیاست های شهری توانمندتر شدن شهروندان و دستیابی به سیاست های موفق تر و کارآمدتر در حوزه مدیریت شهری می شود.

از دیگر پیامدهای شکل گیری و ارتقای بسترهای مشارکت می توان به کاهش هزینه اجرای پروژه های شهری مشروعیت بیشتر تصمیمات و سیاست های شهرداری و شکل گیری اعتماد بین محلات و شهرداری اشاره نمود.

از میان دیگر پیامدهای مشارکت می توان به توانمندسازی محلات اشاره نمود توانمندسازی محلات که در نتیجه بالا رفتن میزان آگاهی

شهروندان از امور شهری و ایفای نقش موثر آن ها در مدیریت شهر حاصل می گردد زمینه ساز مدیریت موفق تر کم هزینه تر و سریع تر امور شهری خواهد شد و از شاخص های اصلی توسعه اجتماعی و سیاسی به شمار می رود.

آموزش نیز از دیگر پیامدها و دستاوردهای مهم افزایش مشارکت است. در واقع آموزش را می توان در یک نگاه جامع تر از مؤلفه های توانمندسازی دانست؛ زیرا امکان رفع موانع موجود بر سر راه سیاست گذاری کارآمد را فراهم می آورد شهروندان قادر به تشخیص موقعیت های پیچیده و فنی می شوند و می توانند یک نگاه کل گرایانه نسبت به اجتماع مبذول دارند در پایان پس از بررسی دو پژوهش انجام شده درباره مشارکت به بررسی دقیق تر عوامل موثر و دستاوردهای پژوهش پرداخته شد.

1. اصول کافی، ج 2، ص 207، ح 1.
2. پیران، پرویز (1383) برداشت های نادرست در باب مفاهیم علمی، وقایع اتفاقیه، شماره 16.
3. حاجی پور، خلیل (1385)، برنامه ریزی محله مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، نشریه هنرهای زیبا، شماره 26، 46-37.
4. رمضان، حسین و غفاری، غلامرضا (1386) سرمایه اجتماعی، تهران، نشر کویر.
5. سعیدی، محمدرضا (1382)، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان های غیر دولتی، تهران، انتشارات سمت.
6. شفیع، شفیع (بی تا)، بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر اردبیل، به راهنمایی: علی ملک پور، دانشگاه آزاد رودهن.
7. طوسی، محمد علی (1379)، مدیریت و مشارکت کارکنان، تهران مرکز آموزش مدیریت دولتی.
8. عالم عبدالرحمن (1380)، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.
9. منصوری جهانگیر (1382)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دوران.
10. همایون پور، هرمز (1383)، سیاست اجتماعی چیست؟ موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، تهران.
11. نهج البلاغه، ترجمه آیتی، 1378، ص 727
12. Feldman, Roberta M. Westphal, Lynne M. (2000), Sustaining human settlement: A challenge for the .new millennium. Great Britain: Urban International Press
13. Agis, D. Tsouros (YY), community participation in local health and sustainable development: approaches .and techniques, WHO
14. Stephanie Gaudet Susan McDaniel (2003), social participation across the life course, General Social .Survey on Social Engagement, cycle 17: an overview of findings
15. Renee Irvin and John Stansbury (v), Citizen Participation in

Decision Making: Is it Worth the Effort? The International Journal of Public Participation, Volume 1, Issue .1, Y..v

Camille Miller (YA), Patterns of Social Participation: Assessing the Long-Term Effects of Creating .16
.Social Capital, Master of Science Thesis, Department of Sociology Brigham Young University. IV

Munk, Asgar (...) what has Y/Y years of urban regeneration taught us? National Secreteriat for Urban .17
.Regeneration, www.kvarterloeft.dk

ص: 184

اتخاذ سیاست‌ها و راهکارهایی برای نیل به اهداف ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

1. احیای هویت محلات شهری و کمک به تقویت شبکه روابط درون محلات.

2. ارتقای میزان آگاهی شهروندان از حقوق و وظایف خود که این مهم در سایه تبیین ابعاد مفهوم شهروند فعال و در راستای بسط و گسترش آن به بهترین شکل قابل انجام است.

3. فرهنگ سازی و ظرفیت سازی در درون ساختارهای دولتی برای پذیرش حضور و مشارکت مردم در حوزه عملکرد آن‌ها و آمادگی ایشان برای واگذاری بخشی از اختیارات خود به مردم.

4. گام برداشتن در راستای برنامه ریزی از پایین به بالا در شهرداری‌ها.

ارائه فهرست عریض و طویل از این پیشنهادها نه تنها مفید نبوده، بلکه قلم فرسایی و اتلاف وقت خواننده است. اما انجام چند پروژه تحقیقاتی که نیل به اهداف بالا را تسهیل می‌کند ضروری به نظر می‌رسد:

الف) سنجش سرمایه اجتماعی محلات و مناطق شهر مشهد، جهت شناسایی میزان ظرفیت و توانایی آن‌ها برای انجام کار جمعی و طراحی مداخلات ضروری در مواردی که سطح سرمایه اجتماعی پایین است.

ب) شناسایی بسترهای ارتباطی موثر جهت آشناسازی شهروندان با حقوق و وظایف شهروندی خود.

ج) شناسایی ابعاد مختلف فرهنگ شهروندی و نحوه بومی سازی آن برای افزایش میزان عملیاتی و کاربردی بودن این مفهوم.

د) شناسایی موانع فرهنگی برای ارتقای مشارکت در پروژه‌های شهری

چکیده

انسان در اندیشه اسلامی، محور و مرکز و غایت آفرینش است و قابلیت سیری تا بی نهایت دارد هر عملی که در راستای تحقق فعلیت و کمال انسانی باشد همگامی با اغراض الهی در آفرینش عالم است و عبادت محسوب می گردد در جامعه آرمانی اسلام خدمت به انسان ها در راستای سیر استکمالی آن ها برترین و شریف ترین عمل به شمار می رود.

خدمت به انسان ها به مفهوم گره گشودن از کار فرو بسته آن هاست. از قبیل رفع حاجت های آنان و هموار نمودن بسترهای رشد خدمت رسانی در اندیشه دینی از فضیلت های استوار و بنیادی جامعه اسلامی است و شاخصه ممتاز مدینه توحیدی محسوب می گردد تعاون و همگامی و همکاری و خدمت به انسان ها عملی الهی است که در آرمان شهر اسلامی تجلی و نمودی عینی دارد در آیات قرآن و روایات ترغیبی اکید به خدمت به انسان ها گردیده و قیام به رفع حاجت انسان ها را نشانه بارز ایمان تلقی کرده و تخلف از آن را مساوی با کفر دانسته است.

خدمت رسانی، گونه های مختلفی دارد که در صورت ها و گونه های صنعتی، اقتصادی، رفاهی، بهداشتی، علمی و... نمودار می گردد کسانی که در پست ها و منصب های کلیدی اجتماعی قرار می گیرند برای تحقق خدمت رسانی بهینه و مطلوب بایستی از تخصص و دانایی لازم مهارت دلسوزی و کفایت برخوردار باشند تا بتوانند در راستای مسئولیتی که خدا و جامعه بر عهده آن ها نهاده به گونه ای بهینه توفیق یابند.

مکانیزم خدمت رسانی و نهادینه سازی آن در جامعه از بالا به پایین است، بدین معنا که می بایست فرهنگ خدمت رسانی از سوی متولیان امور اجتماعی و به ویژه متوسطان در حاکمیت که در پست های دولتی قرار دارند چنان خدمت کنند که آن را به فرهنگی پویا و

همگانی در جامعه تبدیل نمایند.

مصادیق خدمت رسانی عبارت اند از بسترسازی برای ایجاد عدالت اجتماعی زدودن فقر و فساد از چهره جامعه، مهیاسازی شرایط برای رشد همگانی و...

راهکارهای نهادینه سازی خدمت رسانی عبارت اند از اصلاح مدیریت های ناسالم بازگشت به ارزش های فراموش شده انقلاب اسلامی برجسته نمودن اندیشه های امام و رهبری دوری گزیدن از خویشاوندگرایی پیراستگی اخلاقی و نظم که در این صورت خدمت رسانی در جامعه اسلامی به فرهنگ همگانی مبدل خواهد شد.

واژگان کلیدی: خدمت، آرمان شهر، اسلامی، فضیلت، فرهنگ، اخلاق، نظم

ص: 187

انسان به عنوان عصاره هستی و غرض اصلی در آفرینش، حکم محور و مرکز و غایت هستی یافته به گونه ای که می توان گفت: مهم ترین عنصر آفرینش انسانی است که غایت و غرض عالی هستی در او تحقق عینی یافته و به مرحله کمال نائل شده باشد بینش استکمالی در باب انسان بینشی الهی است که طبق این بینش انسان صیوررتی مدام است و با توجه به استعدادهای درونی و بی نهایتی این استعدادها، فعلی شدن هرگز به نهایت نمی رسد.

برآوردن این استعدادها و به فعلیت رسیدن آن ها تا مراحل که مورد انتظار از انسان است شکوهمندترین و شریف ترین عمل نیز محسوب می گردد؛ زیرا فعلی که در راستای غایت آفرینش انسانی قرار گیرد و به نوعی به انسان ها مدد نماید که غرض و غایت را در نظر گیرند و به سوی آن سیر استکمالی نمایند. فعلی الهی است که سبب انگیزش و انگیزتگی انسان ها به سوی غایات عالی آفرینش می باشد. بدین روی، خدمت به انسان ها به هر نوعی که سیر استکمالی را تحقق بخشد برترین و شریف ترین عمل دانسته می گردد و از اصول مشترک همه ادیان توحیدی و الهی محسوب می شود؛ چه این که فلسفه وجودی ادیان تحقق آمال فطری انسان است.

در کلیه اتوپیاها تاریخی، طراحان آرمان شهرها نظیر افلاطون سقراط، تامس مور، فارابی و سهروردی و... که آرمان شهرهایی را به اختلاف بینش ها و نوع اعتقاداتشان ارائه کرده اند خدمت به انسان ها محور اصلی قرار گرفته، جامعه

خیالی، آرمانی این اندیشمندان به سان جامعه ای بری از ظلم، ستم، تبعیض، ناروایی، بی عدالتی و... مقولاتی ارزشی و متعالی است.

جامعه آرمانی و پیام آوران آرمان شهرها و جامعه های مطلوب الهی و دینی، ابراهیمی در یک نقطه مبنایی اشتراک یافته اند و آن حاکمیت نور معرفت، آگاهی، عدالت، امنیت، اخلاق و... و مفاهیمی بلند است که البته در جامعه های آرمانی الهی همه این ها صبغه معنوی و الهی می یابند و به تعبیر قرآن مجید ماهیت صبغة اللہی دارند.

خدمت در راستای تحقق این مهم از والایی و عظمت و ارزش بالایی برخوردار است که هیچ عملی به آن حد نمی رسد و عمل خدمت رسانی به انسان و جامعه بشری- به حسب اثر و فایده آن- ارجمندی و والایی می یابد

چیستی خدمت رسانی

خدمت، به معنای کار کردن برای کسی گره گشودن از کار کسی و آماده سازی بستر گشایش برای کسی است؛ چنان که در معنای آن در فرهنگ لغت آمده است:

«خدمت، کار کردن برای کسی نوکری چاکری است».(1)

خدمت رسانی، اقدامی است که در آن اندیشه گره گشودن و ایجاد گشایش در امری بسته یا نادیده وجود دارد و فرد خدمتگزار می خواهد گره بگشاید یا باب نوینی را ایجاد کند تا به فرد یا جامعه مورد نظر کمکی خیری و نیکی و موهبتی برسد پس خدمت رسانی عزم و تصمیم و اراده ای قاطع برای گره

ص: 189

گشودن از کار فرو بسته کسی است؛ از قبیل رفع نیازمندی های مردم بدین روی خدمت رسانی، همکاری، همدلی، همگامی، ابزار به دست کسی دادن فردی را به کاری نفع رساندن و ایجاد بستری مناسب برای راحتی، آسایش امنیت و رفاه فرد یا جامعه است.

خدمت رسانی، یک صفت عالی نفسانی، است که فرد خدمتگزار هم از وقت خویش و هم از استعداد های معنوی خویش و هم از امکانات مادی، هنر، مهارت و امکانات خویش برای دیگران هزینه کرده عملی را انجام می دهد.

جایگاه خدمت رسانی در اندیشه دینی

در جهان بینی توحیدی انسان در میان موجودات از شرافت و کرامت مخصوص برخوردار است و وظیفه و رسالتی مهم دارد در این تصور بنیادی الهی انسان مسئولیت و تعهد ساختن خویش و تربیت و تکمیل معنوی جامعه انسانی را داراست و جهان در حکم مدرسه ای برای انسان است جهان بینی اسلامی به حیات و زندگی معنا و روح و هدف می دهد؛ زیرا انسان را در مسیری از کمال قرار می دهد که در هیچ حدی نمی ایستد و همواره رو به تکامل دارد. جهان بینی اسلامی هدف های مقدس و متعالی و شکوهمندی را عرضه می دارد تا افرادی را پروراند و به جامعه عرضه بدارد تا در مسیر فعلیت همه انسان ها به تکاپو پردازند. (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا) (143)؛ (1) این چنین است که ما شما

ص: 190

را امتی نمونه و در میان جماعت انسانی قرار دادیم تا گواهی باشید برای بشریت، و پیامبر بر شما گواه باشد...»

تمدنی که اسلام در صدد ساختن آن است تمدنی انسانی، و الهی است که مردم آن به اموری مشغول باشند که نشانگر فضیلت و کمال یافتگی آنان باشد. در تفکر اسلامی خدمت به مردم از فضیلت های استوار و بنیادی جامعه متدینان است خدمت رسانی از جمله اعمال شایسته و صالحی است که به عنوان مهم ترین خصیصه اهل ایمان در قرآن مورد توجه قرار گرفته است.

در علم مدنی اسلامی، تعهد خدمت رساندن به مردم از برترین تعهدات محسوب می گردد و باید فرد مسلمان در جامعه مدنی دینی، توزیع خیرات کند. در اندیشه فارابی - که برگرفته از کلیت اندیشه اسلامی است - این مسئله از اهم امور شمرده شده است.

«فارابی بر این باور است که علم مدنی نه تنها متکفل بیان ضرورت توزیع خیرات عمومی است بلکه چگونگی توزیع آن را نیز بیان می کند». (1)

شاخصه مدینه توحیدی

مدینه فاضله اسلامی، مدینه ای توحیدی است؛ مدینه ای که موحدان در آن گرد آمده اند و در راستای ارزش های دینی و به مرحله عینیت رساندن آن هاینند. موحدان هر کدام به منزله سلول ها و اعضای هستند که تشبه به عالم قدس یافته اند که سراسر وجودشان خیر و رحمت و برکت است. از لحظه ای که شکل یافته اند و هویت توحیدی خود را اعلام کرده اند، منشأ خیر و رحمت و

ص: 191

برکت برای انسان های دیگر اجتماع اند فارابی اندیشمند نستوه عالم اسلامی، در تصویری که از مدینه فاضله توحیدی و اسلامی ارائه می دهد مقوله خدمت و تعاون را در روح این جامعه به صورتی نهادینه نشان می دهد.

«در مدینه فاضله که کامل ترین شکل از جامعه است افراد در امور مختلف با هم تعاون و همکاری دارند و از این طریق است که به سعادت می رسند. مدینه فاضله ای که حکم بدن انسان را دارد که به خاطر ادامه حیات تمام اجزای آن بر طبق نظام خاص خویش رفتار می کنند اما نمی توان تمام اعضای بدن را به یک درجه از اهمیت به حساب آورد آن چه که حاکم بر مقدرات بدن است قلب می باشد که در حکم فرمانده بدن است و مابقی اعضا در حقیقت خادمین آن هستند»⁽¹⁾.

در تصویری که فارابی ارائه می کند تمام اعضای جامعه در اندیشه خدمت به یک دیگرند؛ زیرا این فعل الهی تکلیفی است که اولاً فطرت انسان های دین، گرا به آن ها امر می کند و ثانیاً به عنوان یک آموزه بلند دینی در متن دستورات و تعالیم شریعت توحیدی نهفته شده و قرار دارد.

«اجزا و مراتب مدینه، به واسطه محبت بعضی با بعضی دیگر، مرتبط شده و پیوند خورده اند و از راه عدالت و اعمال عادلانه محفوظ باقی می مانند این محبت، گاهی طبیعی و گاهی ارادی است و محبت ارادی سه گونه است.

1. محبت ناشی از اشتراک در فضیلت؛

ص: 192

1- ابو نصر، محمد فارابی، سياسة المدینه، تحشیه سید جعفر سجادی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1371، ص 185

2. محبت ناشی از منفعت؛

3. محبت ناشی از لذت.

عدالت، تابع محبت است و محبت در مدینه فاضله به خاطر اشتراک در فضیلت است» (1).

اعضای جامعه آرمانی اسلام به دلیل اشتراک در فضایل اخلاقی و ارزشی، و اشتراک در منافع و اشتراک در لذت و عدالت با یکدیگر به تعامل می پردازند و با هم مرتبط می شوند و یک دیگر را تکمیل می نمایند.

خدمت رسانی به بشر فعلی الهی

اساسی ترین کار خداوند در آفرینش دوام فیض است. دوام فیض و لطف الهی موجب آن است که خداوند همواره در شأنی از شئون افاضه فیض به موجودات و خدمت رسانی به انسان ها باشد و بدون هیچ گونه مضایقه ای، همه موجودات و همه انسان ها را در معرض لطف و فیض خویش قرار دهد.

نعمت های الهی و فیضش همه را فرا می گیرد؛ گبر و ترسا، یهود و مشرک و مؤمن و موحد از خوان گسترده نعمت بی دریغش بهره می جویند. قرآن مجید این نکته ارجمند را چنین بازگو می فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَىٰ تُوْفِكُونَ) (3)؛ (2) «ای انسان ها نعمت خدا بر خود را به یاد آورید، آیا آفریننده ای غیر

ص: 193

1- مهاجرنیا، محسن، اندیشه سیاسی فارابی، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، بوستان کتاب، قم، 1368، ص 85

2- فاطر/ 3

خدا وجود دارد که شما را از آسمان و زمین روزی رساند خدایی جز او نیست، پس به کجا به دروغ رانده می شوید».

در ادامه خداوند متعال نحوه خدمت رسانی خود را (که لطف بی منتهاست) توضیح می دهد (وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فُسْقَنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ) (9)؛ (1) «خدای بزرگ است که بادهای را می فرستد سپس ابری را بر می انگیزد پس می رانیمش به سوی شهری مرده و زنده می سازیمش و چنین است برانگیخته شدن دوباره مردمان».

و پس از شمردن روزی های فراوان خود در دریا و خشکی می فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ) (9)؛ (2) «ای انسان ها، شما نیازمندان به لطف خدایید و خداوند بی نیاز و ستوده نیاز و ستوده است».

با توجه به این کلیت است که خدمت رسانی به بشر فعلی الهی تلقی می گردد که به صورت پیوسته ادامه دارد و خداوند هر لحظه در فعلی و شأنی برای کارگزاری جهان است. (3)

باید توجه داشت که خدمت به مردم رویکردی الهی و عملی شریف و محبوب خداوند است. (4)

ص: 194

1- فاطر / 9

2- فاطر / 15

3- الرحمن / 29

4- همان

در قرآن مجید سفارش فراوانی به دستگیری از مستمندان محرومان و یتیمان شده و آن را همچون رفتن به بالای قله کمال می داند. (فَلَا افْتَحِمَ الْعَقَبَةَ (11) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (12) فَكُ رَقَبَةً (13) أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ (14) يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (15) أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ (16) ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ) (17)، (1) «چرا بالای قله نمی رود و چه می دانی که آن قله و بالا-رفتش چیست؟ آزاد کردن بندهای یا خوراندن غذایی در روزی تنگ و سخت به یتیمی خویشاوند یا مسکینی خاک نشین پس از آن خواهد شد از کسانی که ایمان آورده اند و به صبر و مرحمت همدیگر را سفارش نموده اند».

بدین سان دانسته می شود که در قرآن مجید ترغیب عجیبی به خدمت به انسان ها و گشودن گره از کار فرو بسته آنان گردیده و در برخی از آیات تخلف اندک از گره گشایی را مساوی با کفر تلقی کرده است.

خدمت رسانی در روایات

در روایاتی که از پیامبر اکرم و امامان معصوم نقل شده خدمت رسانی، شریف و مقدس است تا آن جا که حدی برای اجر و پاداش و اعتبار معنوی آن نمی توان در نظر گرفت از باب نمونه به برخی از این روایات اشاره می شود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: (مَمَّنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ دَهْرَهُ)؛ (2) هر که

ص: 195

1- بلد / 17 - 11

2- حر عاملی، وسائل الشیعه، کتاب الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر، باب استحباب قضای حاجت مؤمن، ج 11، ص 579، ح 11.

برای برادر مؤمنش حاجتی را برآورد همچون کسی است که خدا را در تمام روزگار عبادت کرده است.

امام صادق علیه السلام: (إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ خَلْقًا مِنْ خَلْقِهِ اِئْتَجَبَهُمْ لِقَضَاءِ حَوَائِجِ فَقَرَاءِ شِيعَتِنَا، لِيُشِيَهُمْ عَلَى ذَلِكَ الْجَنَّةِ، فَإِنْ اِسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ فَكُنْ)؛ (1) همانا خدای متعال، گروهی از خلقش را برای قضای حوائج فقرای شیعیان ما برگزید برای این کار به آنان بهشت را - به عنوان پاداش - ارزانی می دارد؛ اگر می توانی از آنان باش!

از پیامبر روایت شده که فرمودند: (مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ)؛ (2)، کسی که شب را به صبح آورد و به امور مسلمانان همتی نرزد، از آنان نیست و کسی که صدای مردی را بشنود که می گوید ای مسلمانان (به فریادم برسید) و پاسخش نگوید، مسلمان نیست.

نتیجه این که در راستای خدمت رسانی به جامعه باید مشارکتی فعال، فراگیر و همه جانبه وجود داشته باشد.

در روایت دیگری امام باقر می فرماید: (مَنْ بَخِلَ بِمَعُونَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَالْقِيَامَ لَهُ فِي حَاجَتِهِ إِلَّا ابْتُلِيَ بِمَعُونَةِ مَنْ يَأْتُمُّ عَلَيْهِ وَ لَا يُوجِرُ)؛ (3) هر آن کس بخل بورزد به کمک برادرش و کوتاهی از قیام در برآوردن حاجتش نماید، خداوند او را به

ص: 196

1- همان، ج 11، ص 576

2- همان، ج 11، ص 559 و 560.

3- همان، ج 11، ص 597

کمک به گنهکاران مبتلا می سازد و در این کار به او پاداشی نمی دهد.

این عمل شریف از نظر ارزش، چنان شکوهمند است که ارزش آن را خدای متعال می داند و بس.

امام صادق علیه السلام می فرماید: (قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَثْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ خَيْرٌ مِنْ حُمْلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)، (1) برآوردن حاجت مؤمن بهتر از آزاد نمودن هزار بنده و بهتر از هدیه کاروان هزار اسب در راه خداوند است.

محمد بن عجلان می گوید: با امام صادق علیه السلام بودم، که مردی بر آن حضرت وارد شد و سلام کرد امام از او پرسید برادرانت را در چه حالی ترک کردی؟ آن مرد مدح و ثنای نیکویی از برادران دینی اش به جا آورد و در بیان پاکی و خوبی آن ها مبالغه نمود سپس حضرت از او پرسیدند: ثروتمندان آن ها تا چه اندازه به عیادت تهیدستان می روند و جویای حال آن ها می شوند؟ گفت: اندک افرادی اند که چنین هستند حضرت فرمودند: ارتباط مالی ثروتمندان با فقیرانشان چگونه است؟ محمد بن عجلان گفت: شما از اخلاق و صفاتی یاد می کنید که در بین ما وجود ندارد. امام صادق علیه السلام فرمود: پس این افراد، چگونه گمان می برند که از شیعیان ما هستند. (2)

از مجموع آیات و روایات دانسته می شود که تحول معنوی و مادی و تحرک فکری و سیاسی و اقتصادی جامعه و برخورداری از جامعه ای بانشاط و پویا و سالم و ایجاد جامعه ای آرمانی و توحیدی در گرو تلاش و پویایی همه جانبه

ص: 197

-
- 1- محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، مطبعة النجف الاشرف، ج 2، بی تا، ص 230
 - 2- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، مؤسسه الاعلمی، بیروت، 1987 م، ج 65، ص 168.

با سمت گیری توحیدی و الهی است. در راستای این امر مهم، تکریم انسان، حفظ و بقای شخصیت و هویت الهی انسانی فرد و جامعه اصلی ارزشی و خدمتی فراتر از برطرف ساختن حواجج و نیازهای آنان است.

صورت ها و گونه های خدمت رسانی

اشاره

خدمت رسانی در جامعه صورت واحدی ندارد بلکه دارای صور گوناگون است. تکثر صورت های خدمت رسانی به تکثر و تنوع احتیاجات اجتماعی است و به عبارت دیگر آن چه موجب شکوهمندی اجتماع است و به نوعی دخالت در صورت استکمالی جامعه دارد همه می توانند صورت هایی از خدمت رسانی را شامل شوند که با در نظر داشت این کلیت می توان صور خدمت رسانی را در قالب های ذیل مورد اشاره قرار داد:

1. انجام خدمات اولیه مادی

خدماتی همچون تأمین حوائج مادی و نیازهای بهداشتی، رفاه، سلامت محیط، گسترش حوزه های شهری گسترش فضاهای بهداشتی تفریحی از قبیل بیمارستان ها، پارک ها و کلیه فضاهای سالم محیطی و شهری در این ردیف قرار می گیرند.

2. انجام خدمات اولیه معنوی

در انجام خدمات اولیه معنوی مسائلی همچون ارائه نظام ارزش ها، باورها، اعتقادات مذهبی، تعلیم، تربیت، هدایت، مدیریت سالم اجتماع، شکوفا سازی استعدادهای درونی و معنوی و استعدادهای عالی انسانی، و شکوفا ساختن احساس های معنوی و الهی قرار می گیرند.

3. خدمات حفظ و نگهداری اجتماعی

این مقوله، خدماتی هستند که به حفظ و حراست و نگهداری اجتماعی مربوط می شوند در این نوع خدمات انسان هایی به مبارزه با نابسامانی ها و ضد ارزش ها می پردازند در واقع به واکسینه نمودن اجتماع از لحاظ فرهنگی و علمی مبادرت می کنند یا به حفاظت از مرزها و کنترل نظام اجتماعی مبادرت می ورزند.

ضرورت تخصص در ارائه خدمات

از منظر دینی، افرادی که می خواهند به ارائه خدمات یاد شده پردازند باید از تخصص و توانایی مخصوص ارائه خدمات مزبور بهره مند باشند.

خدمت رسانی بدون بهره مندی از تخصص، موجب تخریب و تضعیف همه امور و تضعیف آن ها است؛ زیرا آن هایی که فاقد تخصص لازم هستند، روند خدمت رسانی را که خود یک ارزش متعالی است، گند کرده یا چهره ناپسندی از آن ارائه می نمایند.

در داستان حضرت یوسف چنین می خوانیم.

(وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ اَسَدٌ تَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ اِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ اَمِينٌ (54) قَالَ اجْعَلْنِي عَلٰى خَزَائِنِ الْاَرْضِ اِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ) (55)؛ (1) «فرمانروا گفت: که یوسف را بیاورید تا برای خودم او را برگزینم و چون که فرمانروا گفت: تو ای یوسف در نزد ما دارای قدرت و درایت و امانت هستی، یوسف فرمود: مرا

ص: 199

به فرماندهی و سرپرستی گنجینه ها بگمار که من نگهبانی دانا هستم».

این داستان بیانگر آن است که هم قدرت و توانایی در مدیریت لازم است و هم امانتداری و هم مدیریت بر حفظ و نگهبانی و هم دانایی، مهارت و تخصص کافی.

اصل تخصص در حیطه های مورد اشاره هم اصلی عقلانی و فطری است و هم اصلی دینی است و همواره انسان ها طبق فطرت و درک درونی خود می خواسته اند که کارها به افراد متخصص و دانا و اندیشمند وانهاده شود.

به این جهت است که آینده متری و پویا و تقویت بنیه های امور زیربنایی جامعه همچون نگهبانی و اداره شهر کشور و تقویت اندیشه ها، اقتصاد، افکار، سلامت اجتماع و... در گرو سه امر کلیدی است:

1. دانایی به آخرین یافته های علمی و بهره مندی از آن ها در حیطه مسئولیت.

2. عنصر مدیریت و برنامه ریزی که فرد باید بتواند از ذهنیتی خلاق و برنامه ریز و فعال برخوردار باشد.

3. کنترل امور و بهینه سازی اموری که بالندگی نداشته یا در معرض خرابی و ویرانی قرار دارند و نیز قدرت بر بهینه سازی مجموعه ها و سیستم ها.

با چنین رویکردی است که افراد فاقد تخصص با علم به این که دارای تخصص نیستند و در مصدر امور قرار می گیرند به عنوان، خیانتکار در اندیشه اسلامی نام برده می شوند یا اگر فردی که در بالای هرم اجتماع قرار دارد ناهلان را بر

مصدر امور بگمارد و افراد لایق را به گوشه و حاشیه اجتماع براند نیز خائن خواهد بود.

پیامبر اکرم فرمود: (مَنْ اسْتَعْمَلَ عَامِلًا عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنْهُ وَأَعْلَمُ بِكِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَجَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ)؛ (1) «هر کس کارگزاری از مسلمین را به کاری بگمارد در حالی که می داند سزاوارتر از او در میان مسلمین هست و داناتر به کتاب خدا و سنت پیامبر وجود دارد، قطعاً به خدا و رسول خدا و جمیع مسلمین خیانت نموده است.»

برای ارائه خدمات اصل در اسلام شایسته سالاری است، اما اگر به جای شایستگان ناهلان بر امور اجتماع گماشته شوند به دلیل نسبت دوستی و رفاقت یا خویشاوندی همه در پیشگاه الهی مسئول اند؛ چنان که این روش غلط در دوره عثمان برای همه امور روشی معمولی و متداول گردید.

توصیه به خدمت بهینه

در اندیشه اسلامی، توصیه های فراوانی به ارائه خدمات بهینه شده و خروج از حیطة چنین مسئولیتی جرمی سنگین و گناهی نابخشودنی شمرده شده است؛ زیرا مسئولیت پذیری نوعی از رفتار را می خواهد ارائه کند که اهداف و آرمان های دینی حکومتی و اجتماعی به بار بنشیند.

پیامبر اکرم فرمودند: (أَلَا كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَىٰ

ص: 201

النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَامْرَأَةُ الرَّجُلِ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ، (1) «آگاه باشید، همه بر حیطه مسئولیت‌ها نگاهبانید و همه شما از حوزه مسئولیت خودتان مورد سؤال و بازخواست هستید پس امیر و حاکم که بر مردم حاکم است، مسئولیت دارد از مجموعه تحت نگاهبانی اش مرد بر اهل بیت خویش، مسئول است و زن بر خانه شوهر خویش مسئولیت دارد و از همه امور خانه مورد سؤال و بازخواست قرار می‌گیرد».

علی علیه السلام می‌فرماید: (اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ أَطِيعُوا اللَّهَ وَلَا تَعْصُوهُ)، (2) «بترسید از خدا درباره بندگانش و بلادش و شهرهایش که شما دارای مسئولیت هستید و مورد سؤال واقع می‌شوید حتی از چهارپایان و خانه، ها خدا را اطاعت کنید و نافرمانی نکنید».

مسئولیت، حوزه عام‌تری نسبت به وظیفه دارد. وظیفه، تنها در محدوده عمل شخص می‌گنجد و هر کس وظیفه دارد عملی را که بر عهده او نهاده شده انجام دهد اما آگاه‌افراد در قبال عمل شخص دیگر مسئول هستند بدون این که از آن آگاه باشند لذا ممکن است در برابر کاری که هیچ وظیفه‌ای به ظاهر نداریم در عین حال مسئول باشیم مثلاً حاکم مدیر وزیر... مسئول است که در حوزه حاکمیتش هیچ‌گونه نابسامانی فقر و بی‌عدالتی روی ندهد.

ص: 202

1- مسلم، صحیح، 1829

2- صبحی صالح، نهج البلاغه، مطبعة دارالعلم، بیروت، 1987 م، خطبه 167.

امام صادق علیه السلام می فرماید: (مَنْ وَلِيَ أَمْرًا مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَصَيَّعَهُ، صَيَّعَهُ اللَّهُ)؛ (1) «هر کس کاری از امور مسلمین را برعهده گیرد و ضایعش نماید خدا او را ضایع خواهد ساخت».

مکانیزم خدمت رسانی در حکومت دینی

خدمت رسانی در حکومت دینی، دارای نظام سلسله مراتبی است و نمی تواند همچون سیستم های بشری معطوف به نظام ارزشی نباشد.

(وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ) (33)؛ (2) «و چه فردی از حیث گفتار نیکو گفتارتر از کسی که به سوی خدا عملاً دعوت نماید و کار شایسته انجام دهد و سپس بگوید من از مسلمین هستم».

کارگزاران در نظام دینی اجرای عملیاتی اندیشه های دینی در حق جامعه و حکومت و ایجاد زمینه رشد جامعه انسانی تا بی نهایت را برعهده دارند. در نظام دینی ساختار خدمت رسانی از بالا به پایین آموزش داده می شود؛ یعنی کسانی که در بالای هرم حاکمیت قرار دارند با عمل صادقانه و پیگیر خودشان می توانند خدمت رسانی را نهادینه سازند و در کلیت واحد اجتماعی و حاکمیت و نظام توحیدی (آرمان شهر دینی) این اخلاق را نهادینه کنند.

راهکار اساسی همین است که از بالا به پایین خدمت رسانی نهادینه شود؛ چه این که بیشترین مسئولیت را افراد متوسط حاکمیت برعهده دارند و این اخلاق شریفه و کریمه از طریق مراتب عالی به مراتب پایین افاضه

ص: 203

1- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، مؤسسه الاعلمی، بیروت 1987م، ج 64، ص 289.

2- فصلت 33/

فارابی همین مطلب مهم را به تصویر کشیده قائل است بیشترین مسئولیت جامعه برعهده کارگزاران متوسط حاکمیت است در حقیقت، حاکم و زمامدار جامعه از طریق همین طبقه همه تدابیر حکومتی را در جامعه اعمال می کند:

«و الرئيس بعد أن يُرتَّب هذه المراتب فإنه متى أراد بعد ذلك أن يحدد وصية في أمر أراد أن يعمل عليه أهل المدينة أو طائفة من أهل المدينة و ينهضهم نحوها أو عز بذلك إلى أقرب المراتب اليه»⁽¹⁾؛ «و رئیس بعد از آن که مراتب را تکمیل و تنظیم نمود هرگاه بخواهد دستوری و توصیه ای را - در هر موضوعی که باشد- مطرح سازد، و همه شهروندان یا گروهی از آن ها را وادار به انجام آن سازد، از طریق نزدیک ترین مرتبه که همان طبقه متوسط (یعنی کارگزاران) هستند، دستورات خود را به اجرا می گذارد».

در نظر او جامعه، سه مرتبه دارد، مرتبه اول رؤسا، مرتبه و طبقه دوم، همان طبقه متوسط و خدمتگزاران هستند. همچنین در طبقه سوم، زیردستان و افراد جامعه اند.

بنابر این نقش کارگزاران نهاد حاکمیت در جامعه دینی، نقشی بسیار کارآفرین و کارساز است که باید بدان نهایت توجه صورت پذیرد.

راهکار اساسی در آرمان شهر اسلامی برای نهادینه سازی خدمت رسانی، آن است که اندیشه خدمت و اهتمام به این مقوله ارزشمند و پرفضیلت، از ناحیه مدیران جامعه و افراد درون سیستم حاکمیت عمل شود تا مردم ببینند که

ص: 204

مسئولان و حاکمان و مدیران دغدغه خدمت دارند تا عملاً و تدریجاً تبدیل به یک فرهنگ عام و فراگیر گردد.

مصادق ها و راه های نهادینه سازی خدمت رسانی

اشاره

خدمت رسانی مصادیق مهمی دارد که تحقق آن ها پروسه ای منطقی را به سمت نهادینه شدن خدمت رسانی ایجاد خواهد کرد و در واقع نهضتی فراگیر را به سوی خدمت رسانی تحقق خواهد بخشید نهضتی که از بودن به شدن است و حالتی عام را در نهادهای اجتماعی، حکومتی، ایجاد خواهد نمود. این مصادیق مهم را با راه های نهادینه سازی خدمت رسانی مورد اشاره قرار می دهیم.

1. ایجاد عدالت اجتماعی

عدالت، با همه تصویر روشنی که در اذهان دارد از مفهوم روشن و مشخص و یگانه ای برخوردار نیست؛ زیرا که در طول تاریخ بشر در اذهان عمومی انسان های فرهیخته، تعاریف مختلفی از آن صورت گرفته و راهکارهایی گوناگون برای آن عرضه شده است.

اگر جمله مولی علی علیه السلام را در نظر بگیریم که فرمودند: (الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ)؛ (1) یعنی عدالت مدیر و مدبری است کلی و همه جانبه که همه اجتماع را در بر می گیرد و همه بهینه ها و قلمروها را شامل می شود از این مفهوم می توان به طور دقیق دریافت که عدالت مفهومی عام و گسترده است که همه آحاد اجتماع را در همه قلمروها در بر می گیرد و در واقع تساوی امکانات و زمینه ها و بستر سازی ها برای رشد همگان در همه ابعاد و زمینه ها است که با این

ص: 205

وصف، عدالت در قلمرو اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، علمی و... مطرح است و باید عدالت در تمام زمینه‌ها حضور خود را متجلی نماید.

راغب اصفهانی، عدالت را به برابری معنا کرده است.

«و العدالة لفظ يقتضی المساوات... فالعدل هو التقسیط علی سواء»، (1) «عدالت، فظی است که مساوات را اقتضای دارد. پس عدل، تقسیم امکانات به نحو مساوی است».

علامه شهید مطهری در این خصوص می‌نگارند:

«یکی از ارکان و اصول ایدئولوژی اسلامی اصل مساوات و نفی تبعیض است، از نظر اسلام انسان‌ها به حسب گوهر و ذات برابرند و مردم از این نظر به چند گونه آفریده نشده‌اند رنگ، خون، نژاد، قومیت و... ملاک برتری و تفوق نیست، سید قرشی و سیاه حبشی برابرند، آزادی، دموکراسی و عدالت در اسلام زاده برابری و مساوات انسان‌ها است از نظر اسلام تنها در شرایط محدود و معینی به خاطر یک سلسله مصالح که برای خود آن افراد و جامعه اسلامی ضروری است به طور موقت سلب برخی حقوق از افراد می‌شود و این وضع، هیچ ربطی به گوهر ذات و خون و نژاد افراد ندارد». (2)

عدالت، یک سیاست‌گزینی از میان مجموع سیاست‌ها نیست، بلکه قرار دادن خویش در فضایی است که امکان صد در صد بی‌عدالتی وجود دارد لذا گرایش به عدل نیاز به سازندگی روحی فراوانی دارد، عدل ابتدا از خود

ص: 206

1- راغب مفردات، 1352، دار الکتب الاسلامیه، ص 325

2- مطهری، مرتضی، وحی و نبوت، صدر، 1373، ص 254

شخص و جوانب گوناگون زندگی وی آغاز می گردد و سپس در صحنه اجتماع وارد می گردد؛ یعنی اگر حاکمان جامعه ابتدا در حق خویش صفت عدل را در نظر نگیرند نخواهند توانست که در حق جامعه این صفت الهی را در نظر گرفته و عمل نمایند.

آمدی، در شرح غرر و درر چنین آورده است:

«عدل، صورتی واحد دارد (خطی واحد و مستقیم است) ولی ستم، صورت های گونه گون دارد و لذا ارتکاب ستم آسان است ولی مُزین شدن به صفت عدل، مشکل است آن دو شبیه است به خطا خوردن تیر یا به هدف خوردن آن خوردن به هدف و در جایگاه قرار گرفتن نیازمند به ریاضت و تعهد است ولی خطا نیاز به چنین امری ندارد» (1)

در عدالت، چند امر باید در نظر گرفته شود:

1. وجود قوانین عادلانه، که مردم حس کنند قانونی عادلانه وجود دارد.

2. دقت در اجرای عدالت به شکل یکنواخت و فراگیر.

3. نیروی اجرا کننده عادل و دلسوز، که در این صورت، امنیت و اطمینانی برای مردم ایجاد خواهد شد.

عدالت در اندیشه سیاسی، پایه اساسی حقوق شمرده شده و اساس رسالت اسلامی بر آن قرار گرفته است انقلاب اسلامی نیز برای ایجاد فرصت های مساوی و عدالت گسترده صورت گرفته است.

اجرای عدالت اجتماعی یکی از آرزوهای معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام

ص: 207

خمینی (رحمه الله عليه) بود و هم اکنون یکی از خواسته های قلبی و آرزوهای رهبر بزرگ انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای است.

متأسفانه، این ملکه شریف و این خواسته الهی و دینی و این آرزوی بزرگ پیامبران الهی و اوصیای آن ها و این رویکرد جدی انقلاب اسلامی، فقط در مرحله شعار باقی مانده و در حوزه گفت و گو وسیع ترین گفتارها را به خود اختصاص داده ولی در حوزه عمل دایره بسیار تنگی دارد که به چشم هم دیده نمی شود

2. زدودن فقر و فساد

فقر و فساد همزاد یکدیگرند، در روایات دینی ما آمده است از دری که فقر وارد می شود از در دیگر ایمان خارج می شود. فقر، در جامعه فساد می آفریند. فسادهای اجتماعی جنسی و ناهنجاری هایی چون دزدی معلول پدیده فقرند فقر، زائیده ستم، عدم توزیع عادلانه امکانات، دوگانه نگری و... است. فقر زدایی با معیارها و ضوابطی رخ می دهد همچون سد نمودن راه های ربا توزیع عادلانه امکانات و تهیه فرصت های مساوی و تأمین معیشتی جامعه، که در واقع عاملی بزرگ برای زدودن فقر و فساد است؛ چه این که بسیاری از فسادها معلول فقرند و البته خود فساد می تواند ایجاد کننده فقر در مبادی مختلف باشد که باید مدخلی بر زدودن آن گشود خروج از «بودن» و حرکت به سمت «شدن»

جامعه را باید از این بن بست ها خارج نمود و به طور قطع اگر حاکمیت نتواند از بحران های اجتماعی گذشته به صورت موفق آن را به حوزه عمل

برسانند، قطعاً در مدتی نه چندان طولانی، ساختار حاکمیت در هم خواهد ریخت بایسته است دردمندان و دلدادگان انقلاب اسلامی، طرح های مطلوب و بهینه را بر پایه عدالت گستری، به مرحله عمل برسانند و جامعه را از آن چه هست به سوی آن چه باید خارج کنند.

معیارهایی برای حرکت به سمت «شدن»

اشاره

معیارهایی در تنظیم جامعه و سیر دادن آن به سوی آرمان های مطلوب وجود دارد که به فهرستی از آن ها اشاره می شود:

الف) تنظیم امور معیشتی جامعه

امور معیشتی جامعه، در رأس اولویت های نهضت خدمت رسانی است که از عمده ترین و مهم ترین رسالت های دولت اسلامی بوده، رهبر معظم انقلاب اسلامی خدمت رسانی را بیشتر معطوف به آن دانسته اند.

ب) مهیاسازی شرایط آموزش برای همگان

آموزش همگانی از عناصر پویا در تحقق عدالت اجتماعی است که باید در برنامه ریزی های دولت مورد توجه قرار گیرد خوشبختانه در سند چشم انداز بیست ساله این مقوله در نظر گرفته شده که باید برای آن بستر سازی های مناسبی هم صورت پذیرد.

ج) ایجاد امنیت اجتماعی

امنیت در جامعه نعمتی بزرگ است که اگر نباشد همه چیز در معرض هجوم غارتگران قرار می گیرد امنیت انواع مختلفی چون امنیت روانی، اقتصادی، اجتماعی و مانند آن دارد و رسالت دولت های آرمانی و مورد نظر اسلام

برقراری چنین ساختار امنیتی است. اساساً فلسفه و رسالتی که دین و رسالت آسمانی پیامبر اعظم دارد همین است که انسان ها را به وادی امن و سلامت برسانند و فضایی آکنده از امنیت را فراهم سازند.

راه هایی برای خارج شدن از وضعیت حال

اشاره

چگونه می توان از وضعیت نابسامان موجود به سوی وضعیتی بسامان حرکت نمود؟ به طور اجمال راهکارهایی می تواند وضعیت نابسامان را به وضعیت بسامان تبدیل سازد

الف) اصلاح مدیریت ها

اگر توجه مدیریت های نظام معطوف دستیابی به ریاست، عنوان و ثروت باشد بی شک جامعه به ورطه نابودی می افتد.

امام باقر علیه السلام می فرماید: (لا تَطْلُبَنَّ الرَّئِيسَةَ، وَلَا تَكُنْ ذِيْبًا، وَلَا تَأْكُلْ بِنَا النَّاسِ؛ فَيَفْقِرَكَ اللَّهُ)؛ (1) هرگز طلب ریاست مکن و اهل گناه مباش و به نام ما روزی مردم را مخور که خداوند فقیرت کند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: (مَلْعُونٌ مَنْ تَرَأَسَ مَلْعُونٌ مَنْ هَمَّ بِهَا مَلْعُونٌ مَنْ حَدَّثَ بِهَا نَفْسَهُ)، (2) «کسی که طلب ریاست نماید ملعون، است کسی که برای دستیابی به آن همت و تلاش نماید ملعون است کسی که خود را برای دستیابی به آن وعده بدهد ملعون است».

بدین روی، گزینه مهمی که می تواند در طلیعه راه، سازنده باشد، اصلاح

ص: 210

1- اصول کافی، ج 2، باب طلب الرئاسة، ص 287

2- همان.

مدیریت هایی است که فقط در غم ریاستاند و اگر از درد مردم سخن می گویند تنها برای فریب آن هاست. سخن از درد مردم گفتن برای اینان به شعار بدل گردیده و دست به عمل نمی یازند.

(ب) بازگشت به ارزش های فراموش شده

انقلاب اسلامی ایران برخاسته از نظام ارزشی ویژه ای است که در درون خود ارزش های سترگ و غرور آفرینی دارد ارزش هایی که خواست همه پیامبران

الهی به ویژه پیامبر اسلام و امامان معصوم علیهم السلام است ارزش هایی که ثروت را طرد کرده سودجویی و رقابت های حریصانه را برنمی تابد تبعیض را به مسلخ می برد و لنگاری اخلاقی را ناروا می شمارد تبلیغ جاذبه های جنسی و مادی را محکوم می کند و ده ها و صدها ارزش دیگر که در متن انقلاب اسلامی نهفته است.

متأسفانه این ارزش ها در برخی موارد کمرنگ و به بوته نسیان سپرده شده است بازگشت به این ارزش ها راهکار اساسی و مهمی برای تحقق نهضت خدمت رسانی خواهد بود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای مد ظلّه می فرماید:

«اگر ما نتوانیم فضای اسلامی را به معنای واقعی کلمه در جامعه پیاده کنیم، نتوانیم عدل اسلامی را در دستگاه قضاوت و حکومتان نشان بدهیم عدم تداول ثروت بین اغنیا را که اسلام بر آن تأکید دارد با نظام اقتصادی درست در جامعه مجسم کنیم و در نتیجه نظامی باشد با پرچم اسلام و با اسلام سالم اما با حقیقت و معنای غیر اسلامی و احیاناً جاهلی... اگر خدای نکرده این طور

بشود، ما همان مؤذن بد صدا خواهیم بود... و اسلام را دچار شکستگی خواهد کرده». (1)

ج) برجسته نمودن اندیشه های امام و رهبری

انقلاب اسلامی ایران با همه ژرفا و عظمت و امدار شخصیتی نمونه و رهبری بصیر و هوشیار است. آن شخصیت بزرگ امام خمینی (رحمه الله علیه) می باشد که پدیده انقلاب اسلامی شاهکار او شناخته می شود.

اشارات ایشان راهکارهایی که در سخنرانی ها بیانیه ها و موضع گیری ها و در نهایت در وصیت نامه سیاسی - الهی خود تبیین کرده اند بسیار تعیین کننده است که تا اندازه ای به بوته فراموشی نهاده شده است.

برجسته ساختن اندیشه های امام خمینی (رحمه الله علیه) و در زمان حاضر رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای مد ظله بسیار راهگشا و سازنده خواهد بود و باید در عرصه های مختلف علمی، تبیینی، توصیفی و عملی، این اندیشه ها هر چه شفاف تر و زلال تر بیان و عملی گردد.

د) دوری گزیدن از خویشاوند گرایی

پدیده تبار سالاری و خویشاوند گرایی، بلایی کشنده در پیکره انقلاب الهی و اسلامی ما است. این پدیده در تاریخ قربانی های فراوانی گرفته خلیفه سوم (عثمان) با چنین پدیده ای تاریخ اسلام را منحرف کرد که در تداوم آن انحراف شهادت بهترین و وارسته ترین انسان تاریخ، یعنی ابی عبدالله الحسین علیه السلام و یاران بزرگوارش را می نگریم

ص: 212

این شبکه شیطانی بر هر جامعه ای که گسترده شود سلب ارزش های انسانی را نتیجه خواهد داد. امام علی و در عصر حاضر امام خمینی (رحمه الله علیه) و رهبر معظم انقلاب اسلامی شاخص مبارزه با این پدیده تلقی می شوند ایشان از خویشاوند گرای فرزند سالاری تبار گزینی به شدت دوری نموده پیروی از ایشان راه موفقی برای خدمت رسانی به جامعه خواهد بود.

(ه) اندیشه خدمت

برخورد افراد با حاکمیت و مدیریت متفاوت است برخی اندیشه ای معطوف به قدرت طلبی دارند اما مدیریت در اندیشه اسلامی اندیشه ای معطوف به خدمت است که باید برای آن مدیرانی متعهد و پاک باخته تربیت نمود.

(و) پیراستگی اخلاقی

عنوان پیراستگی اخلاقی همه سطوح را در بر می گیرد، چه در سطح مدیران نظام و چه در سطح عموم جامعه آراستگی اخلاقی جلو انحرافات و گزینش های سلیقه ای را می گیرد و در نتیجه مدیران متخلق و جامعه متخلق جامعه ای خواهد بود که خدمت رسانی در آن رویکردی اخلاقی و ارزشی خواهد بود.

(ز) استقرار نظم

جامعه آرمانی و مدینه ای که خدمت رسانی در آن نهادینه شده، در صورتی به این مرحله دست می یابد که نظم را در درون خویش مستقر نموده باشد، یعنی هر یک از امور موجود در چنین مدینه و تمدنی منظم بوده و در جای خود قرار دارد. البته این موضوع سطوح بهره وری از نیروی انسانی را نیز در

بر می گیرد.

«نظم اجتماعی به معنای اطاعت اعضای یک جامعه از هنجارها، ارزش ها و قوانینی است که اساس و قوام جامعه را تشکیل می دهند. به این قرار، این اصطلاح را می توان به منظور مشخص ساختن مجموع نهادهای اجتماعی، از این نظر که در جهت عملکرد مطلوب حیات اجتماعی و مناسبات اجتماعی، به خوبی تنظیم شده اند به کار برد».⁽¹⁾

باید نظم اجتماعی از سطوح عالی جامعه به سطوح توده سرایت کند، تا جامعه ای، سالم منظم و با نشاط محقق گردد.

ص: 214

1- آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، نشر سازمان انتشارات، تهران، چاپ سوم، 1375، ص 398

1. قرآن مجید.
2. مهاجرنیا، محسن؛ اندیشه سیاسی فارابی، قم، بوستان کتاب، 1368.
3. فارابی، ابونصر؛ سیاست المدنیة، تحشیه سید جعفر سجادی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1371.
4. حر عاملی؛ وسائل الشیعه، بی تا.
5. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، تهران، انتشارات اسلامیة، بی تا.
6. نراقی، محمد مهدی؛ جامع السعادات، مطبعة النجف الاشرف، بی تا.
7. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الاعلمی، 1987 م.
8. علاء الدین علی المقتدی بن حسام الدین هندی؛ کنز العمال، ج 1، مؤسسه الرساله، 1409.
9. الامام ابی الحسین مسلم بن حجاج نیشابوری؛ صحیح، ج 4، دارالفکر بیروت، 1975 م.
10. صبحی صالح؛ نهج البلاغه، بیروت، مطبعة دارالعلم، 1987 م.
11. راغب اصفهانی؛ مفردات، دارالکتب الاسلامیه، 1352.
12. مطهری، مرتضی؛ وحی و نبوت، انتشارات صدرا، 1373.
13. آمدی، عبدالحسین؛ غرر و درر، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
14. آلن بیرو؛ فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، تهران، نشر سازمان انتشارات، 1375، چاپ سوم.
15. فرهنگ عمید، انتشارات جاویدان، 1353.
16. محمد معین؛ برهان قاطع، امیراکبیر، 1362.
17. آیت الله خامنه ای (مقام معظم رهبری)، سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه ها، 1378.

الف) راهکار اساسی در آرمان شهر اسلامی برای نهادینه سازی خدمت رسانی آن است که اندیشه خدمت و اهتمام به این مقوله ارزشمند و پرفضیلت، در مدیران جامعه و افراد درون سیستم حاکمیت ایجاد شود تا مردم ببینند که مسئولان و حاکمان و مدیران دغدغه خدمت دارند تا عملاً و تدریجاً تبدیل به یک فرهنگ عام و فراگیر گردد.

ب) مصداق ها و راه های نهادینه سازی خدمت رسانی:

ایجاد عدالت اجتماعی.

زدودن فقر و فساد

ج) معیارهایی برای حرکت به سمت «شدن»:

1. تنظیم امور معیشتی جامعه.

2. مهیاسازی شرایط آموزش برای همگان.

3. ایجاد امنیت اجتماعی.

د) راه هایی برای خارج شدن از وضعیت حال:

1. اصلاح مدیریت ها.

2. بازگشت به ارزش های فراموش شده.

3. برجسته نمودن اندیشه های امام و رهبری.

4. دوری گزیدن از خویشاوند گرایی.

5. اندیشه خدمت.

6. پیراستگی اخلاقی.

7. استقرار نظم.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

